



یک سال دیگر هم رفت ولی مشکلات را با خود نبرد

● مشکلات ایران و منطقه و جهان همچنان پابرجاست. تشدید نقش سپاهیان در ایران و نقش روسیه در منطقه و رویدادهای پیش بینی ناپذیر مانند «برکسیت» و ریاست جمهوری ترامپ، و همچنین فعالیت گروه‌های افراطی راست و اسلامیت، هنوز معلوم نیست روند مبهم جهان را به کدام سو هدایت کنند.

تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

با انکار آیین‌های ملی نمی‌توان «امت‌سازی» کرد



چهارشنبه‌سوری یکی از کهن‌ترین آیین‌های ایرانی در گستره حوزه تمدن و فرهنگ ایرانی است. جشنی که سالیان سال است در ایران برگزار می‌شود اما در چند دهه گذشته و زیر سایه جمهوری اسلامی برگزاری آن با مشکلاتی روبرو شده است.

در صفحه ۲

زمان تحویل سال ۱۳۹۶ به وقت ایران:

روز دوشنبه ۳۰ اسفندماه ماه ۱۳۹۵ ۱۳:۵۸:۴۰



زمان تحویل سال ۱۳۹۶ به وقت GMT:

روز دوشنبه ۲۰ مارس ۲۰۱۷ ۱۰:۲۸:۴۰

در این شماره می‌خوانید:

- صفحه ۳ ● اردوغان برای اروپایی‌ها خط و نشان کشید: به سرعت در حال سقوط هستید!
- صفحه ۴ ● واشنگتن و تهران در فکر راه‌هایی برای اصلاح توافق هسته‌ای
- صفحه ۵ ● هیمه هیمه، شعله می‌کشیم - رضا مقصدی
- نوروزی دیگر با پرویز صیاد درباره‌ی اسکار و سیاست
- تک مضراب! - آوازه
- صفحات ۷ و ۶ ● مصطفی مصباح‌زاده، ده‌سال بعد
- صفحات ۸ و ۹ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحات ۱۰ و ۱۱ ● ورزشی - حوادث
- صفحه ۱۲ ● دوقرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۱۱) - احمد احرار
- کدام شیخ افتاده است؟ - داریوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● قوام السلطنه، مردی که نمی‌توان نادیده‌اش گرفت (۲)
- صفحه ۱۵ ● بهار به شعرای پارسی
- صفحات ۱۶ و ۱۷ ● به یادماندگان
- صفحات ۱۸ و ۱۹ ● منم کوروش، شاه شاهان
- صفحه ۲۰ ● رضاشاه در آینه تاریخ
- صفحه ۲۱ ● سبزه و ماهی قرمز، جزو سفره‌ی هفت‌سین یا مخرب محیط زیست؟
- صفحه ۲۲ ● نوروز حصرزندان نمی‌شناسد
- صفحه ۲۳ ● مردم خسته‌اند: جیب خالی و کساد بازار شب عید
- نگرانی بین‌المللی از شمار اعدام‌ها و نقض حقوق بشر در ایران
- صفحه ۲۴ ● اشتغال دوباره سحر نوروز زاده، چراغ سبز ترامپ به جمهوری اسلامی است؟

ملت تدبیر و امید و بهاری دیگر

رسم بر این شده که رهبر جمهوری اسلامی هر سال را با مفاهیمی نام‌گذاری می‌کند که نه نقشی در جامعه بازی می‌کنند و نه عمل‌گرایانه گرفته می‌شوند. همچنین رسم بر این شده که هر دولتی خود را به نامی می‌خواند و تلاش می‌کند وعده‌های سیاسی و اقتصادی خود را در آن نام متمرکز کند. این نام‌گذاری عمدتاً از دوران دولت رفسنجانی مد شد؛ وگر نه دولت مهدی بازرگان که به راستی «هوقت» بود؛ ابوالحسن بنی‌صدر، هم خودش و هم نخست‌وزیرش محمدعلی رجایی که به ریاست جمهوری هم رسید، دولت «مستعجل» بودند؛ خامنه‌ای و نخست‌وزیرش میرحسین موسوی، پس از هشت سال همکاری، دو سر نوشت متفاوت درون خود رژیم پیدا کردند؛ یکی پس از دو دوره ریاست جمهوری به باری رفسنجانی به رهبری رسید و دیگری عنوان آخرین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی را یافت تا خامنه‌ای بعدها بتواند به عنوان رهبر سیاسی و مذهبی نظام وی را سال‌ها در حصر خانگی نگاهدارد. پس از مرگ آیت‌الله خمینی و «رهبر» شدن خامنه‌ای در سال ۱۳۶۸، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی (معمم) با «دولت سازندگی» و سپس محمد خاتمی (معمم) با دولت «اصلاحات» و آنگاه محمود احمدی نژاد (مکلا) با «دولت مهرورزی» و سرانجام حسن روحانی (معمم) با «دولت تدبیر و امید» بر ریاست قوه‌ی مجریه تکیه زدند. تا کنون رفسنجانی و خامنی و احمدی نژاد سهمیه‌ی دو دوره‌ی متوالی ریاست جمهوری را استفاده کرده‌اند. در مورد دور دوم ریاست جمهوری حسن روحانی اتفاق نظر وجود ندارد و هر رویدادی، از جمله مرگ خامنه‌ای، می‌تواند ورق بازی را به سود یا زیان طرفین درگیر در نظام اسلامی برگرداند.

در این میان، «سازندگی» دولت رفسنجانی که در دوران احمدی نژاد و پس از وی هم با پروژه‌های نالازم دنبال گرفته شد، بیش از هر چیز تخریب به ویژه محیط زیست را به دنبال داشت. «اصلاحات» خاتمی به برخورد «انقلابی» نظام با خودش و هوادارانش انجامید و او را تصویر ممنوع و خروج ممنوع کردند؛ «مهرورزی» احمدی نژاد که زمانی سوگلی «رهبر» به شمار می‌رفت، بی‌مهری ولی فقیه را در پی داشت تا جایی که خامنه‌ای وی را صریحاً از فعالیت و ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ منع کرد. دولت «تدبیر و امید» هم تا کنون حتی تدبیر «برجام» اش نیز که با چراغ سبز رهبر به فرجام رسید، نتوانست نور امیدی را که در دل مردم تابانده شده بود، روشن نگاه دارد.

به نظر می‌رسد پس از این همه سال‌های پر از تجربه، دلیل بی‌مسما بودن این نام‌گذاری‌ها، دست کم برای بخش مهمی از جامعه، روشن شده باشد: سوء استفاده از مردم و سرکوب جامعه توسط نظامی که نه سازنده است، نه اصلاح‌پذیر، نه مهرورز و نه مدبر و امیدوارکننده. هر بهار و هر نوروز اما فرصتی است تا برای ملتی که بر عکس حکومت‌اش، هم سازنده، هم اصلاح‌پذیر، هم مهرورز و هم در پی تدبیر و امید است، آرزو کرد که حاکمیت خود را بر سر نوشت خویش برقرار سازد.

الاهه بقرات

یک سال دیگر هم رفت ولی مشکلات را با خود نبرد

● مشکلات ایران و منطقه و جهان همچنان پابرجاست. تشدید نقش سپاهیان در ایران و نقش روسیه در منطقه و رویدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر مانند «برکسیت» و ریاست جمهوری ترامپ، و همچنین فعالیت گروه‌های افراطی راست و اسلام‌گرایست، هنوز معلوم نیست روند مبهم جهان را به کدام سو هدایت کند.

یک سال دیگر گذشت و ایران و جهان رویدادهای تلخ و شیرین را همراه با فراز و فرود و اشک و لیخند، رو به سوی آینده‌ای مبهم، پشت سر گذاشتند. سال ۹۵ تقریباً سه ماه پس از اجرایی شدن برجام آغاز شد؛ همراه با امید به گشایش‌های اقتصادی. در این سال حجت الاسلام روحانی هر جا نشست از برجام و تأثیرات مثبت آن سخن گفت بدون آنکه مردم این تأثیرات را در زندگی روزانه و بر سفره‌های خود ببینند. در سالی که گذشت، سپاه پاسداران همچنان آرام و بی سر و صدا به حرکت خزنده‌ی خود برخیزد. تسخیر نهادهای سیاسی و اقتصادی ادامه داد. هم‌زمان، مردم بریتانیا با «برکسیت» معروف خود، رای به خروج از اتحادیه اروپا دادند، در ترکیه کودتایی ناموفق انجام شد که پاکستانی مخالفان و منتقدان اردوغان را به دنبال داشت، در آمریکا مردم با انتخاب دونالد ترامپ قلم بطلان بر تحلیل‌های سیاسی و پیش‌بینی‌های رسانه‌های بزرگ و معروف کشیدند، جنگ در سوریه بدون هر گونه چشم‌انداز ادامه یافت، آتش‌جنگ‌های ریز و درشت در منطقه همچنان شعله‌ور ماند، داعش به تروهای خود ادامه داد و اروپا از یک سو گرفتار عملیات تروریستی فردی و غیرمتمرکز بود و از سوی دیگر با نیروهای راست افراطی زورآزمایی می‌کرد.

دولت ناتوان در برابر سپاه
به این ترتیب دولت روحانی در تناقض عملاً موجود بین اقتصاد و امنیت نه تنها نتوانست دست و پای هیولای سپاه را قطع کند، بلکه خود و دولت و دستگاه اجرایی‌اش بیش از پیش زیر سایه‌ی سهمگین آن قرار گرفتند. در سیاست‌های منطقه‌ای نیز، فرماندهان سپاه قدس بیشتر عرصه‌ی عمل را به دست گرفتند و خود به عنوان «وزارت امور خارجه» اقدام می‌کنند تا جایی که برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب و در تضاد با قانون اساسی خود جمهوری اسلامی، نیروی هوایی روسیه در همراهی با سپاه پاسداران در همدان نیرو پیاده کرد که از آنجا به مواضع مورد نظر در سوریه حمله کردند. فیروزآبادی، فرمانده ستاد مشترک نیروهای مسلح هم که گاهی از سیاست‌های دولت روحانی حمایت می‌کرد جای خود را به محمد حسین باقری، از فرماندهان سپاه پاسداران داد تا چهره‌ی نیروهای نظامی در جمهوری اسلامی سپاهی‌تر از همیشه شود.

مجلس‌های ناامید
در سالی که گذشت، دور جدید مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری آغاز به کار کردند. هر دو جناح اصلی نظام ادعای پیروزی داشتند و دیگری را شکست‌خورده معرفی می‌کردند. هاشمی‌رفسنجانی با بیش از دو میلیون رای وارد مجلس خبرگان شده بود اما احمد جنتی که یک میلیون رای کمتر



آورده بود و به تعبیری «ناپلئونی» وارد مجلس شده بود، رئیس خبرگان شد. محمد زیدی و محمد تقی مصباح زیدی هم که اصلاً رای نیاوردند. اما انتخاب جنتی به ریاست مجلس خبرگان رهبری و دیگر اعضای هیات رئیسه این مجلس از یک سو، و عدم انتخاب حتی یکی از اعضای «لیست امید» به ریاست کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی نشان داد که رای مردم در انتخابات فقط تزئینات همان کیکی است که به گفته محمود صادقی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، به نمایش می‌گذارند و گرنه «نمایندگان» در این ساختار «نه عاجلین بالاخبر بلکه مغفولان بالاخبار» هستند.

پلاسکو، آوار مدیریت جهادی
فروریختن ساختمان پلاسکو فقط سوختن و خراب شدن یک ساختمان نبود، پلاسکو بخشی از تاریخ مدرن و معاصر تهران و ایران بود؛ نمادی از روزهای ورود به تجدد و البته خاطرهای جمعی برای بسیاری از شهروندان تهرانی. هر چه بود، پلاسکو با نرسیدن پله‌های قدیمی و از کارافتاده ماشین‌های آتش‌نشانی و عدم اعزام هلی‌کوپترهای آب‌پاش به دلایل

کامیار بهرنگ

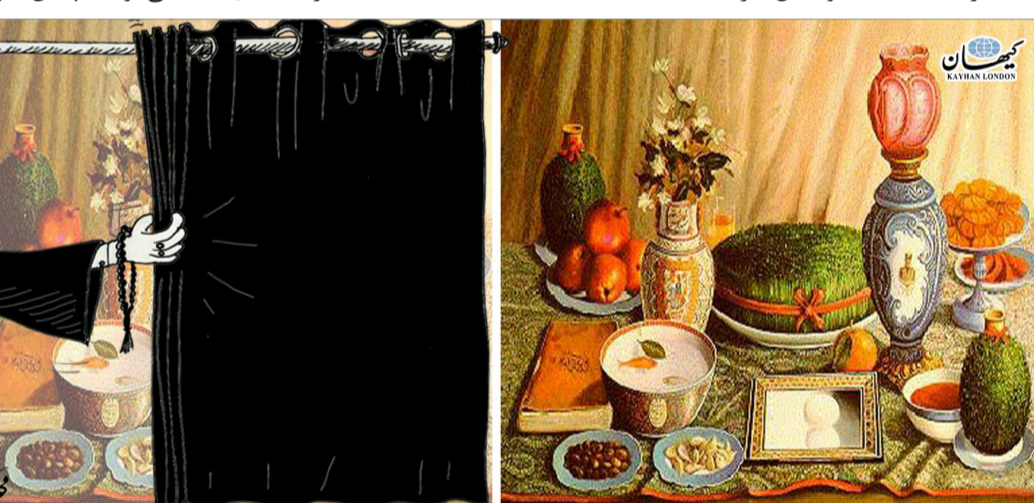
با انکار آیین‌های ملی نمی‌توان «امت‌سازی» کرد



تنهانی‌تواند عنصر دیگری را جایگزین آن کند بلکه حتی توضیح منطقی نیز برای آن ندارد، ولی با امکاناتی که در اختیار دارد تلاش کرد این کمپین را در مدارس و با سوءاستفاده از دانش‌آموزان برجسته کند. آنها بنه‌هایی در برخی مدارس تهران و شهرستان‌ها نصب کرده و آتش‌نشانان جان‌باخته در حادثه پلاسکو را مورد سوءاستفاده قرار داده و دانش‌آموزان را تشویق به امضای «تعهدنامه‌ی چهارشنبه‌سوری بدون آتش» کردند. آنها به دانش‌آموزان می‌گفتند که به احترام آتش‌نشانان جان‌باخته در پلاسکو امسال چهارشنبه‌سوری بدون آتش برگزار کنیم!

درهای بسته‌ی روشنگری

گذشته از نگاه حکومت به مراسم چهارشنبه‌سوری و تلاش برای عدم برگزاری آن توسط مردم، یکی از مسائل و حواشی این مراسم در ایران به ویژه در سال‌های اخیر، آلودگی صوتی این مراسم است که برای بسیاری از شهروندان هم ناخوشایند است. همچنین حواشی زیست‌محیطی سفره‌ی هفت‌سین و نوروز و سیزده‌بدر نیز برخی شهروندان را به خود مشغول کرده است. در مورد چهارشنبه‌سوری باید گفت که اگرچه آلودگی صوتی ناشی از ترکاندن ترقه توسط جوانان یکی از ابزارهای مهم فشار نیروی انتظامی به مردم در چهارشنبه‌سوری است اما ترقه ترکاندن و ایجاد آلودگی صوتی اصولاً جزئی از این آیین نبوده و یکی دو دهه است با ورود انواع ترقه به ایران و ساخت ترقه‌های دست‌ساز، به حاشیه این مراسم اضافه شده است. به نظر می‌رسد اتفاقاً یکی از دلایل ایجاد آلودگی صوتی در چهارشنبه‌سوری و مصدومیت‌های ناشی از استفاده از مواد منفجره، نه تنها به نفس آیین چهارشنبه‌سوری باز نمی‌گردد بلکه عدم برنامه‌ریزی و همکاری دولت و شهرداری و نیروی انتظامی برای برگزاری این مراسم است که این حواشی را ایجاد می‌کند و مهم‌تر از همه، درهای بسته‌ی روشنگری درباره این مراسم است که به کارشناسان و تاریخ‌نگاران مستقل اجازه نمی‌دهد که از طریق رسانه‌های همگانی و همچنین در



مدارس، فلسفه و چرایی این جشن‌ها را توضیح دهند تا بتوانند آن را از گزند حواشی وارداتی در امان بدارند. در عین حال، در بسیاری از کشورهای جهان، مناسبت‌هایی وجود دارند که در آن از انواع مواد آتش‌افروز و ترقه و فشفشه استفاده می‌شود اما نه تنها باعث برهم خوردن نظم عمومی و ایجاد آزار برای شهروندان نمی‌شود، بلکه با مدیریت صحیح سازمان‌های مسئول از شهرداری و پلیس گرفته تا دولت، این مراسم و کارناوال‌ها با شادی و نظم برگزار می‌شوند. در ایران اما نه تنها بی‌تفاوتی نهادهای مسئول برای برگزاری این مراسم باعث می‌شود مردم در هر جا که می‌توانند آتش روشن کنند و بدون در نظر گرفتن نکات ایمنی خطر نیز بیافرینند بلکه استفاده از ترقه و انواع فشفشه‌های صوتی، نوعی دهن کجی به دولت و نیروی انتظامی به شمار می‌رود و به نوعی مبارزه با حکومتی تبدیل شده که مخالف برگزاری این نوع مراسم و آیین‌های ملی است. آیین‌هایی که قدمت و تاریخ آنها به هزاران سال قبل و به پیش از حمله اعراب مسلمان به ایران بازمی‌گردد. روشنگر استرکی

پدران شما است و این سند حماقت پدرانتان را بکشید و چرا این سند حماقت را سال به سال تکرار می‌کنید؟ این فقط یک سند حماقت است و کوشش می‌کنید این سند حماقت را زنده نگه دارید. ماییم که چنین پدران و مادران احمقی داشته‌ایم.»

سوءاستفاده‌ی سازمان یافته

تلاش برای سرکوب عناصر فرهنگ ایرانی و به ویژه در مورد آیین‌های مربوط به جشن نوروز از چهارشنبه‌سوری تا هفت‌سین و سیزه و ماهی قرمز و سیزده بدر که با تبلیغات گسترده و بهانه‌های مختلف از سوی جمهوری اسلامی مدیریت شده است، امسال جنبه تازه‌ای پیدا کرد. روش جدیدی که مقامات جمهوری اسلامی برای مقابله با سنت چهارشنبه‌سوری پیاده کرده‌اند، راه‌اندازی کمپینی با عنوان «کمپین چهارشنبه‌سوری بدون آتش» بود. این کمپین که توسط بسیج اجرا شد دنبال آن بود که آتش، یعنی مهم‌ترین عنصر این جشن را از چهارشنبه‌سوری حذف کند. گذشته از آنکه حذف آتش از چهارشنبه‌سوری این مراسم را از هویت تهی می‌کند، و بسیج هم نه

تلاش همیشه ناکام

جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت شیعی از همان ابتدا آمد تا رهبری کل نه تنها شیعیان جهان بلکه «مسلمانان جهان» را به عهده بگیرد و انقلاب اسلامی را به دیگر نقاط به ویژه در منطقه صادر کند. نقاطی که اگر شیعه باشند، به خودی خود جزو «ام‌القره» حکومت اسلامی در ایران پنداشته می‌شوند و اگر سنی و یا از مذاهب دیگر باشند، برای تبدیل و پاکسازی و تغییر ترکیب جمعیتی آنها تلاش می‌شود. این نگاه، به دنبال روند «امت‌سازی» است که در ایران توسط حکومت برای تشکیل «امت واحده» که راه افتاد، روندی که در خود ایران با ناکامی روبرو شده ولی با این همه جمهوری اسلامی با جنگ‌های نیابتی در کشورهای منطقه همچنان به دنبال پیشبرد آن است. این روند جنگ‌افروز و سرکوبگر و سلطه‌جو، در پی جایگزینی هویت اسلامی به جای هویت‌های ملی است. مهم‌ترین سیاست برای دست یافتن به این هدف، نفی ارزش‌ها و باورهای فرهنگ ایرانی، تمسخر و بی‌ارزش شمردن آیین‌ها و حتی تحقیر تاریخ

کمک‌های ممنوعه؛ نگاهی به کمک‌های اسرائیل به پناهندگان سوری



نیروهای سوری را «عدم اطمینان به یکدیگر» دانست و ریشه آن را «اعلام سیاست‌های امنیتی در سال‌های گذشته» دانست. زیتون همچنین بر این باور است که «اسد هرگز به راه‌حل‌های سیاسی باور نداشته و بر خلاف گفته‌هایش هیچ‌گاه به آن سو حرکت نخواهد کرد. ادامه این خرابی‌ها دست‌کم به روی سه نسل آینده سوریه هم تاثیر خواهد گذاشت. به همین جهت ما امروز مشخصاً در مورد کمک‌های انسان‌دوستانه در جنوب سوریه تمرکز داریم و هر کمکی که از اردن و دیگر کشورهای خلیج فارس برای ترمیم این مناطق ارسال شود استقبال می‌کنیم.»

این فعال مستقل اپوزیسیون دولت اسد تاکید کرد: «تنها اجماعی

همکاری میان سازمان‌های مردم‌نهاد اسرائیل و سوریه برای اولین بار در تاریخ صورت گرفته است.

کامیار بهرنگ - هفته گذشته اندیشکده هنری جکسون در لندن با حضور دو میهنان از اسرائیل و سوریه نگاهی متفاوت به بحران موجود در منطقه را میزبانی کرد.

دکتر نیر بومس، محقق ارشد در موسسه جهانی مبارزه با تروریسم (حرزلیا) و عصام زیتون، فعال مستقل اپوزیسیون در سوریه میهمانان این جلسه بودند تا به رابطه اسرائیل و سوریه بعد از شروع بحران در این منطقه بپردازند.

دکتر بومس صحبت‌های خود را با یادآوری این موضوع شروع کرد: «یک روزی یک اسرائیلی، سوری و اردنی در یک ماشین نشسته بودند... شاید سال‌های گذشته این مقدمه یک جوک بود اما چندی پیش به راحتی این اتفاق بعد از مراسم تدفین یکی از رهبران ارتش آزاد سوریه (مخالفان بشار اسد) اتفاق افتاد. در واقع دیگر این جوک نیست و ما وارد مرحله جدیدی در منطقه شده‌ایم. بازی تغییر کرده و ما حالا باید از خود بپریم که چه کسی باید از چه کسی دفاع کند و نیازهای فوری را کدام یک می‌توانند تامین کنند.»

دکتر بومس با ارائه نمایی کلی از مناطق بحرانی و نیازهای فوری مردم در بخش‌های مختلف سوریه به تقسیم این کشور به ۳ بخش (مخالفان، دولت و دولت اسلامی ادعاش) اشاره و تاکید کرد: «برخی خرابی ناشی از جنگ داخلی در سوریه دهه‌ها زمان می‌برد تا به حالت عادی برای زندگی بازگردد.»

این استاد دانشگاه تل‌آویو همچنین تاکید نمود: «اختلاف‌های مذهبی و قومی در این مناطق پیش از سال ۲۰۱۱ بسیار ریشه‌دار بوده و به

چندین دهه پیش از این می‌رسد.» او همچنین اضافه کرد: «سوریه به اشکال دردناکی تغییر کرده. شما حتی می‌توانید به ترکیب جمعیتی این کشور نگاه کنید که در طول سال‌های گذشته بر اثر کشتار یا مهاجرت بخشی از مردم سوریه دیگر در این کشور حضور ندارند. البته به این موضوع هم باید توجه داشته باشید که جدا از موضوع مهاجرت به دیگر کشورها ما با بحرانی به نام جابجایی اجباری، حتی در خود خاک سوریه هم روبرو هستیم.»

امروز بیشتر بر مهاجرت سوری‌ها به سوی اروپا تمرکز شده اما بدترین تاثیر آن را شما در لبنان و اردن شاهد هستید. برای درک دقیق‌تر از موضوع کافیست بدانید نزدیک به یک پنجم جمعیت کنونی لبنان را پناهندگان سوری تشکیل می‌دهند.

دکتر بومس در ادامه به کمک‌های پزشکی و انسان‌دوستانه اسرائیل در کمپ‌های پناهندگی اشاره کرد و گفت: «پس از آغاز جنگ در سوریه نزدیک به ۴۰۰۰ مجروح سوری با استفاده از خدمات پیشرفته اسرائیل درمان شده‌اند.»

او به یک مورد خاص این درمان‌ها اشاره کرد که چگونه با استفاده از تجهیزات کامل و مدرن پزشکی تیم اسرائیلی توانستند پای زخمی یک کودک سوری را ترمیم کنند. اتفاقی که در بیشتر مواقع و در موقعیت‌های جنگی به قطع یا منجر می‌شد.

این محقق ارشد ضد تروریسم شرحی در مورد تمرکز کمک‌های انسان‌دوستانه اسرائیل برای کودکان سوری ارائه داد و به سازمان‌هایی همچون Israeli Flying Aid اشاره کرد. سازمان‌هایی که بر نیازهای اولیه در مناطق بحرانی تمرکز دارند و به شکل‌های گوناگون، آب، لباس و پتو را به کمپ‌های پناهندگی ارسال می‌کنند. این کمک‌ها در فصل سرد افزایش پیدا می‌کند. دکتر بومس تاکید کرد که این سری از فعالیت‌های انسان‌دوستانه اولین همکاری مشترک میان نهادهای مردمی و حتی نیمه

اردوغان برای اروپایی‌ها خط و نشان کشید: به سرعت در حال سقوط هستید!



اردوغان: ترکیه برای رسیدن به قدرت و عظمت نیازمند یک سیستم و حکومتی با ثبات است

خواهد شد. مدیرعامل شرکت صادرات تسلیحات «روسوبورون اکسپورت» روسیه در بخشی از صحبت‌های خود گفته ترکیه به سیستم دفاع هوایی تولید روسیه و سیستم دفاع تانک فعال و غیرفعال توجه دارد و برنامه‌ریزی می‌کند تا در این نمایشگاه مذاکره‌ای در سطح بالا انجام دهد.

در ماه‌های گذشته شرایط برای اردوغان به نحوی رقم خورد که ترکیه به سرعت از اروپایی‌ها فاصله گرفت. عدم موافقت با پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا، عدم استرداد نظامیان مخالف اردوغان که پس از کودتا به کشورهای اروپایی پناهنده شده‌اند و پناهنده شدن تعدادی دیپلمات ترکیه به همراه خانواده‌هایشان در اوضاع را به سرعت تغییر داد. از اساسی‌ترین اختلافات اروپا با دولت اردوغان تلاش‌های او برای افزایش قدرت نهاد ریاست جمهوری با برگزاری یک referendum است. اردوغان خیال دارد با تغییر قوانین، تا سال ۲۰۱۹ در قدرت بماند. اردوغان این روزها تمام تمرکز خود را روی ترکیه‌ی رویایی خود گذاشته و الگوهای ذهنی و آرزوهایش از آینده ترکیه را در کتابی با عنوان «رهبری سیاسی اردوغان» جمع‌آوری کرده است. توصیف ویژگی‌های اصلی رهبر، روش‌های رهبری سیاسی مدرن و مفاهیم اخلاقی محورهای این کتاب است.

سخنرانی علیه رهبران اروپا

سخنان اردوغان سرشار از تناقض است. او از آزادی سیاسی می‌گوید، اما خود به دنبال افزایش قدرت و اختیارات فردی است؛ از اخلاق می‌گوید اما در اکثر سخنرانی‌هایش سران غرب را تهدید به تلافی می‌کند. او در آخرین سخنرانی خود که روز ۱۶ مارس ایراد کرد گفت که اروپایی‌ها درباره لغو روادید تعهد دادند، ولی به تعهد خود عمل نکردند. وی به آنها گفت «تاوان این رفتارشان را خواهید داد». اردوغان کشورهای اروپایی را متهم کرده به دنبال راه انداختن جنگ صلیب و هلال هستند. رئیس‌جمهور ترکیه خطاب به غربی‌ها هشدار داد: «صراحتاً می‌گویم، اروپا به سرعت در حال سقوط به روزهای قبل از جنگ جهانی دوم است.»

- ترکیه همکاری‌های خود با ناتو را کاهش داد.
- روسیه برای از افزایش همکاری نظامی با ترکیه اعلام آمادگی کرده.
- اردوغان در یک سخنرانی گفته اروپایی‌ها به دنبال آغاز جنگ صلیب و هلال هستند.

اختلاف در روابط ترکیه با اروپا و آمریکا به شدت افزایش یافته است. اردوغان در سخنانی جنجالی به اروپایی‌ها گفته در حال سقوط هستند.

در تازه‌ترین تحول پس از ممانعت دولت هلند از برگزاری همایش طرفداران اردوغان در شهر روتردام و ممانعت از ورود دو وزیر ترکیه‌ای برای سخنرانی در هلند، باز جدال‌های لفظی آنکارا و اروپایی‌ها آغاز شد.

در اوج این اختلافات اردوغان در سخنانی اروپا را تهدید کرده که رفتار غیر دیپلماتیک با سیاستمداران ترکیه



کتاب «رهبری سیاسی اردوغان» به‌طور وسیع توسط دولت در ترکیه توزیع شده

کاهش می‌دهد، اعلام کرد که رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا ۳۰ مارس سال جاری به ترکیه خواهد آمد. اینکه فاصله گرفتن از ناتو تا چه اندازه برای ترکیه امتیاز محسوب شود و یا آثار و تبعات منفی بر جا خواهد گذاشت قابل بررسی است، اما ساعتی پس از آنکه ترکیه خبر کاهش همکاری خود با ناتو را تایید کرد، الکساندر میخائوف، مدیرعامل شرکت صادرات تسلیحات «روسوبورون اکسپورت» روسیه با انتشار بیانیه‌ای رسماً اعلام کرد تمایل دارد در زمینه‌های نظامی و فناوری با ترکیه مجدداً همکاری گسترده داشته باشد. خبرگزاری آناتولی به نقل از این مقام روسی نوشت که اولین گام برای اجرای این پروژه در نمایشگاه بین‌المللی صنایع دفاع IDEF که در تاریخ ۹ تا ۱۲ ماه مه در استانبول برگزار می‌شود، برداشته

را تلافی خواهد کرد. کمتر از یک هفته پس از این ماجرا روز پنجشنبه ۱۶ مارس دولت ترکیه بعضی آموزش‌های نظامی و بخشی از همکاری‌های مشترک خود با شرکای ناتو (بیمان آتلانتیک شمالی) را متوقف کرد. یک مقام ناتو گفته هدف ترکیه از این تصمیم تحت فشار گذاشتن اتریش است. اتریش سال گذشته تلاش زیادی کرد تا پرونده‌ی رسیدگی به درخواست ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا بسته شود. در اوج تنش‌های ترکیه و هلند نیز وزیر خارجه‌ی اتریش به کنایه خطاب به اردوغان گفته بود که ترکیه همین که همسایه‌ی اروپاست راضی باشد. همزمان وزیر دفاع اتریش توقف این همکاری‌ها را تایید کرده است. یک سخنگوی این وزارتخانه نیز گفته که

ژاپن بزرگترین ناو خود را به دریای چین می‌فرستد



علاوه بر ادعاهایی که چین و ژاپن در مورد دریای چین، کشورهای فیلیپین و مالتی، ویتنام، فیلیپین و برونئی نیز مدعی تملک بخشی از این دریا هستند. حجم مبادلات اقتصادی از طریق این آبراه سالانه ۵ میلیارد دلار است. دریای چین جنوبی دارای منابع نفت و گاز است و کشورهای شرق

- ناو هلی‌کوپتر ایزومو ژاپن به دریای چین اعزام می‌شود.
- چینی‌ها از هرگونه اظهار نظر خودداری کرده‌اند.

بزرگترین ناو ژاپن به دریای چین اعزام می‌شود، رویتز با اعلام این خبر نوشته این تصمیم در ادامه‌ی مجادله‌ها میان چین و کشورهای آسیای شرقی در دریای چین جنوبی گرفته شده است.

بزرگترین ناو جنگی ژاپن که توانایی حمل هلی‌کوپتر را دارد برای یک دوره‌ی سه ماهه به دریای چین اعزام می‌شود و در مسیر خود در سنگاپور، اندونزی، فیلیپین و سریلانکا توقف خواهد داشت و سپس به همراه ناوهای از هند و آمریکا در اقیانوس هند در یک رزمایش مشترک شرکت می‌کند. قرار است این ناو ماه اوت به ژاپن باز گردد.

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسؤلیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

طرح‌های مطرح در کنگره آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران



تحریم‌های بیشتر به جای رودررویی مستقیم

پاسداران انقلاب اسلامی شرایطی را دارد که بر مبنای بند ۲۱۹ قانون «مهاجرت و شهروندی» می‌تواند سازمانی تروریستی به حساب آید. طرح تد کروز از وزارت خارجه آمریکا می‌خواهد گزارشی در این زمینه تهیه کرده و سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار دهد. طرح S.15 توسط دین هلر، جمهوری‌خواه دیگری ارائه شده است. این جمهوری‌خواه از مجلس نمایندگان کشورش می‌خواهد که تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل برنامه‌های موشکی بالستیک‌اش بر مبنای قانون منع گسترش سلاح در ایران و عراق، مصوب سال ۱۹۹۲، به تصویب برساند. مارکو رابینو، سناتور با نفوذ ایالت فلوریدا نیز طرحی را مبنی بر تصویب تحریم‌های غیر هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران با شماره S.227 به ثبت رسانده است. طرح دیگری که با شماره H.R.380 به ثبت رسیده توسط مایکل مک کاتول ارائه شده. این نماینده جمهوری‌خواه ایالت تگزاس نیز معتقد است که هرچه زودتر باید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار داد. آلچی هاستینگ، نماینده دمکرات شاید جنجالی‌ترین طرح را با شماره J.RES.10 به ثبت رسانده است. این طرح از کنگره می‌خواهد که به رئیس‌جمهوری آمریکا حق استفاده از نیروی نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در صورتی که هرگونه فعالیت بانفوذترین سناتورهای آمریکایی است در این طرح اشاره می‌کند: «سپاه

ارائه دهنده طرحی است که با شماره H.R.566 به ثبت رسیده است. این طرح که H.R.808 نام دارد از ایران به عنوان «دولت حامی تروریسم» یاد می‌شود و مدعی است که جمهوری اسلامی از هواپیماهای تجاری و خدمات مرتبط به آن برای فعالیت‌های نظامی و به ویژه انتقال اسلحه و مهمات استفاده می‌کند. پتر روسکام طرح H.R.808 را نیز ارائه داده است. این طرح که عنوان آن «تحریم‌های غیر هسته‌ای ایران» است، از کنگره می‌خواهد تحریم‌هایی علیه جمهوری اسلامی در رابطه با فعالیت‌های سپاه پاسداران در منطقه، نقض سبک حقوق بشر و برنامه‌های موشکی‌اش به تصویب برساند. در این طرح تحریم شرکت‌های هواپیمایی ماهان و ایران‌ایر نیز به دلیل شرکت در انتقال اسلحه و مهمات با هواپیماهای مسافری نیز مطرح شده است. تد پو، دیگر نماینده جمهوری‌خواه کنگره نیز طرحی را برای تحریم سپاه پاسداران با شماره H.R.478 به ثبت رسانده است. طرح «تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به دلیل فعالیت‌های تروریستی در صورت تصویب، رئیس‌جمهوری آمریکا را موظف می‌کند در مدت زمانی که نباید بیش از ۳۰ روز باشد، دستور اجرایی برای تحریم سپاه پاسداران را امضاء و ابلاغ کند. طرحی مشابه نیز از سوی تد کروز، سناتور جمهوری‌خواه ارائه شده که در مجلس سنا با شماره S.67 به ثبت رسیده است. تد کروز که از بانفوذترین سناتورهای آمریکایی است در این طرح اشاره می‌کند: «سپاه

● دونالد ترامپ دیگر از «پاره کردن برجام» که از نظر او بدترین «توافق ممکن» بود، حرف نمی‌زند. سیاست جدید کاخ سفید و کنگره آمریکا تحریم‌های جدید برای تشدید فشار بر جمهوری اسلامی است. ● قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریست، خواستی است که پیش از یک نماینده خواستار آن شده‌اند.

● یکی از طرح‌هایی که کنگره آمریکا باید درباره آن گفتگو کند، مجبور حمله نظامی به ایران است.

احمد رأفت - برخلاف وعده‌های انتخاباتی‌اش، دونالد ترامپ از زمانی که قدم به کاخ سفید گذاشت دیگر از «پاره کردن برجام» صحبت نمی‌کند، بلکه در نظر دارد با سخت‌گیری بیشتر بر اجرای مفاد این توافق از سوی جمهوری اسلامی ایران نظارت داشته باشد. سیاست دولت جدید آمریکا و کنگره این کشور، که اکثریت آن با جمهوری‌خواهان است، افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران است. دونالد ترامپ بارها گفته است که سیاست‌های خود در قبال ایران را به تدریج آشکار خواهد ساخت، ولی بدون شک تشدید تحریم‌ها بخشی از این سیاست‌ها خواهد بود و بخشی از این تحریم‌ها نیز از مدت‌ها پیش در دستور کار کنگره قرار دارند. مارک دوبوویتز، مدیر اجرایی اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی» در واشنگتن معتقد است که «استراتژی کاخ سفید تشدید فشارها بر رفتار مخرب رژیم در منطقه چون حمایت از گروه‌های تروریستی، نقض حقوق بشر و ادامه برنامه‌های موشکی است». مارک دوبوویتز می‌افزاید: «در مدت زمان کوتاهی یک سری تحریم‌ها در کنگره مطرح و به تصویب خواهند رسید. تحریم‌هایی که عرصه را بر رژیم ایران تنگ خواهند کرد.»

● طرح‌های مطرح در کنگره پتر روسکام، نماینده جمهوری‌خواه

واشنگتن و تهران در فکر راه‌هایی برای اصلاح توافق هسته‌ای



● «مسایل بین‌المللی» نوشته است: «ایران همچنان فاقد روابط بانکی بین‌المللی متداول است. از ادغام موثر این کشور در اقتصاد جهانی جلوگیری به عمل آمده است. در عین حال، با تورم موجود در ایران، مردم انتظار بهبود سریع وضعیت اقتصادی را دارند.» واعظ چنین استدلال می‌کند که «ایالات متحده می‌تواند در جهت اصلاح برجام یا برخی از مفاد آن را تقویت کند و یا مواردی را به عنوان غیرهسته‌ای طبقه‌بندی کند تا تحریم‌هایی را جبران کند که از دهه‌ی هشتاد میلادی به طور گسترده علیه معامله با ایران به خاطر حمایت‌اش از گروه‌های تروریستی در خاورمیانه وضع کرده بود» علی واعظ به وضوح نشانه‌هایی از تمایل ایران به مذاکره مجدد می‌بیند. او در مقاله‌اش برای «مسایل بین‌المللی» می‌نویسد: «یک مقام بلندپایه ایرانی اخیراً به من گفت که آیت‌الله خامنه‌ای از نمایندگان ایران در آبان ۹۵ درباره اینکه جزئیات بسیاری در مذاکرات هسته‌ای نادیده گرفته شده انتقاد کرده است، همین ممکن است چراغ سبزی برای باز کردن باب مذاکرات جدید باشد.» ایالات متحده هم به نوبه خود منافعی در اصلاح این توافق هسته‌ای می‌بیند، هرچند که ممکن است هدف نهایی‌اش فراتر از توافق برجام باشد. مارک دوبوویتز، مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسی» - یک نهاد سیاسی مرتبط با نهاد امنیت ملی مستقر در واشنگتن - می‌گوید: «استراتژی این است که فشارها بر رفتارهای مخرب رژیم در منطقه، حمایت از تروریسم، فعالیت‌های موشکی، و همچنین فعالیت‌های حقوق بشری افزایش یابد و بعد خواهیم دید آیا دوباره با رژیم بر سر میز مذاکره برجام

● «مسایل بین‌المللی» نوشته است: «ایران همچنان فاقد روابط بانکی بین‌المللی متداول است. از ادغام موثر این کشور در اقتصاد جهانی جلوگیری به عمل آمده است. در عین حال، با تورم موجود در ایران، مردم انتظار بهبود سریع وضعیت اقتصادی را دارند.» واعظ چنین استدلال می‌کند که «ایالات متحده می‌تواند در جهت اصلاح برجام یا برخی از مفاد آن را تقویت کند و یا مواردی را به عنوان غیرهسته‌ای طبقه‌بندی کند تا تحریم‌هایی را جبران کند که از دهه‌ی هشتاد میلادی به طور گسترده علیه معامله با ایران به خاطر حمایت‌اش از گروه‌های تروریستی در خاورمیانه وضع کرده بود» علی واعظ به وضوح نشانه‌هایی از تمایل ایران به مذاکره مجدد می‌بیند. او در مقاله‌اش برای «مسایل بین‌المللی» می‌نویسد: «یک مقام بلندپایه ایرانی اخیراً به من گفت که آیت‌الله خامنه‌ای از نمایندگان ایران در آبان ۹۵ درباره اینکه جزئیات بسیاری در مذاکرات هسته‌ای نادیده گرفته شده انتقاد کرده است، همین ممکن است چراغ سبزی برای باز کردن باب مذاکرات جدید باشد.» ایالات متحده هم به نوبه خود منافعی در اصلاح این توافق هسته‌ای می‌بیند، هرچند که ممکن است هدف نهایی‌اش فراتر از توافق برجام باشد. مارک دوبوویتز، مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسی» - یک نهاد سیاسی مرتبط با نهاد امنیت ملی مستقر در واشنگتن - می‌گوید: «استراتژی این است که فشارها بر رفتارهای مخرب رژیم در منطقه، حمایت از تروریسم، فعالیت‌های موشکی، و همچنین فعالیت‌های حقوق بشری افزایش یابد و بعد خواهیم دید آیا دوباره با رژیم بر سر میز مذاکره برجام

اعلام خبر معامله سنگ اورانیوم (کیک زرد) بین ایران و قزاقستان، و حضور یک هیات بزرگ ایرانی در کنفرانس دو روزه در مورد همکاری‌های هسته‌ای بین‌المللی یا حمایت مالی اتحادیه‌ی اروپا، بار دیگر پرسش‌هایی را درباره آینده و امکان اصلاح توافق هسته‌ای مطرح می‌کند. این توافق در ژوئیه ۲۰۱۵ بین ایران و گروه کشورهای ۵+۱ شامل آمریکا، انگلیس، روسیه، چین، فرانسه و آلمان به دست آمد. در نشست بروکسل که از ۲۸ فوریه تا ۱ ماه مارس ۲۰۱۷ با عنوان «همکاری‌های بین‌المللی هسته‌ای، انتظارات و مسئولیت‌ها» برگزار شد، در میان پیشنهاداتی که درباره بخش‌های مختلف مطرح شد این موضوع نیز به میان آمد که ممکن است ایران و ایالات متحده تمایل داشته باشند در بعضی از سطوح توافق هسته‌ای که «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» نامیده می‌شود اصلاحاتی صورت دهند. از طرفی دولت ترامپ اعلام کرده که نظر نهایی خود را درباره سیاست‌های خود در قبال ایران به تدریج آشکار خواهد کرد و بخشی از آن را در ملاقات روز پنجشنبه با یوکیا آمانو، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مطرح می‌نماید. هلگا اشمیت، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در آغاز این کنفرانس بر نقش مهم همکاری در زمینه فعالیت هسته‌ای صلح آمیز با هدف اجرای موفقیت‌آمیز برجام تأکید کرد. بر اساس به اطلاعیه مطبوعاتی اتحادیه اروپا، در پیامی که توسط علی اکبر صالحی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، خوانده شد، بر فعالیت در چارچوب همکاری‌های هسته‌ای، اعم از تحقیق و توسعه برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، تأکید شده و وعده آینده‌ای درخشان و همکاری‌های بیشتر داده شده است. در رابطه با اینکه آیا صالحی آینده مورد نظر را درست برآورد کرده یا نه، باید گفت چند روز بعد از بازگشت به تهران، ایران ۹۵۰ تن سنگ اورانیوم خریداری کرد که با کمک روسیه تا سه سال دیگر سوخت هسته‌ای تولید کند. صالحی در این باره به ایسنا گفت: «این توافق قرار است طی سه سال اجرایی شود که حدود ۶۵۰ تن آن به طور مستقیم و در دو محموله طی دو سال وارد کشور می‌شود و ۳۰۰ تن آن در سال سوم به ایران وارد و مجدداً به قزاقستان تحویل داده می‌شود.» در حالی که پیشنهاداتی از سوی تهران و واشنگتن مبنی بر تمایل هر دو طرف بر مذاکرات مجدد درباره بخشی از توافق هسته‌ای سال گذشته وجود دارد، ولی ممکن است بعضی با آن موافقت و برخی دیگر مخالفت کنند. هر یک از این دو کشور بر منافع خود پافشاری می‌کند و مسیرهای مختلفی برای سازش پیشنهاد می‌دهد. دونالد ترامپ که به شدت منتقد توافق هسته‌ای است، در کمپین انتخاباتی خود آن را «بدترین توافق ممکن» نامید. اما در طول مبارزات انتخاباتی کمی نرم‌تر شد و به جای آنکه اعلام کند یک طرفه آن را بر هم خواهد زد، گفت که «نگاهی به آن خواهد انداخت». او از زمانی که به ریاست جمهوری رسیده در این باره اقدامی نکرده است. واعظ، تحلیلگر ارشد ایران در گروه بین‌المللی بحران (ICG) می‌گوید هر دو کشور ایران و ایالات متحده می‌توانند از برخی از جنبه‌های مذاکره مجدد توافق هسته‌ای بهره‌مند شوند. «گروه بین‌المللی بحران» (ICG) خود را سازمان مستقلی معرفی می‌کند که برای دیپلماسی و جلوگیری از جنگ شکل گرفته تا جهان صلح‌آمیزتری بسازد. واعظ استدلال می‌کند که ایران از لغو تحریم‌ها چندان بهره‌ای نبرده است چرا که در نتیجه‌ی توافق هسته‌ای مشروط بسیاری از کشورهای اروپایی و بانک‌های بین‌المللی از معامله با ایران باز مانده‌اند. واعظ در مقاله‌ای برای مجله



شادی نیروهای دموکرات سوری پس از پیشروی به سوی الرقه

این کشور در مرز ترکیه و سوریه است. در روزهای گذشته نیروهای گرد موفق شدند شهرک «کوبار» و ارتفاعات «منخر» غربی در اطراف رقه را داعش پس بگیرند. خبرگزاری فارس به نقل از المیادین از درگیری نیروهای دولتی سوریه و شورشیان مورد حمایت ترکیه خبر داد. دولت رجب طیب اردوغان از ارتش آزاد سوریه (بخشی از مخالفان مسلح اسد) حمایت می‌کند و جمهوری اسلامی آنها را تروریست می‌داند. قابل پیش‌بینی است در هفته‌های آینده داعش به ضعیف‌ترین وضعیت خود در شش سال گذشته در سوریه عراق برسد، چنانکه گزارش شده از رهبران این گروه از جمله ابوبکر البغدادی خبری در دست نیست و او ناپدید شده است.

بعد از آزادسازی موصل در عراق، عملیات آزاد سازی الرقه نیز در روزهای آینده آغاز خواهد شد. سرهنگ جان دوریان، سخنگوی نیروهای ائتلاف به رویترز گفته نیروهای آمریکایی ضمن کمک به کردهای سوری و ائتلاف عربی، قرار نیست نقش محوری در خط مقدم جنگ داشته باشند. این نیروها شامل ۴۰۰ تفنگدار و تکاور هستند که به ۵۰۰ نیروی قبلی اضافه خواهند شد.

آخرین نفس‌های خلافت اسلامی در موصل و الرقه

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرده نیروهای ارتش ایالات متحده نزدیک مرز سوریه با ترکیه مستقر شده‌اند. این یگان میجه به توپ‌های ۱۵۵ میلی‌متری است که در زمره‌ی توپ‌های سنگین به شمار می‌روند. این یگان حوالی شهرستان منبج در ۳۲ کیلومتری شهر الرقه اردو زده تا به نیروهای کرد سوری برای بازپس گیری این شهر کمک کند. خبرگزاری رویترز پیش‌بینی کرده

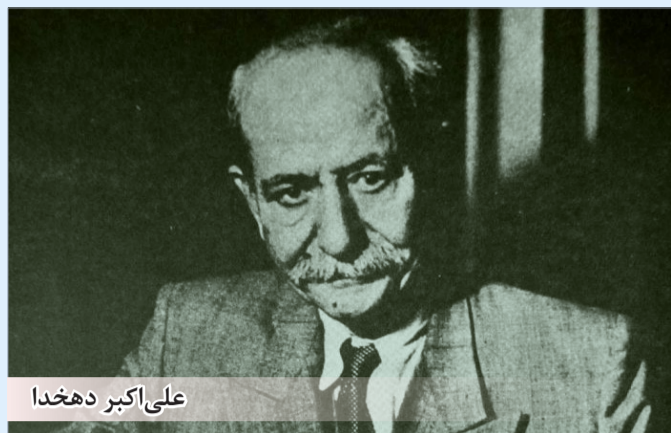
● بعد از آزادسازی موصل در عراق عملیات آزادسازی الرقه آغاز می‌شود ● سخنگوی نیروهای ائتلاف می‌گوید عملیات بسیار خوب پیش می‌رود ● یگان توپخانه‌ی ارتش آمریکا در مرز سوریه و ترکیه مستقر شده



نیروهای آمریکایی در خط مقدم حضور نخواهند داشت و فقط پشتیبانی توپخانه را بر عهده دارند

آوازه

تنگ مضراب!



علی اکبر دهخدا

رو در رو با استبداد و استحمار

اسفندماه امسال سالروز درگذشت فرهنگ‌مردی را در خود دارد که از درون‌مایه‌ای ناب و یکتا برخوردار بود و این درون‌مایه را پایگاه‌اش برای مبارزه با استبداد و استحمار ساخته بود.

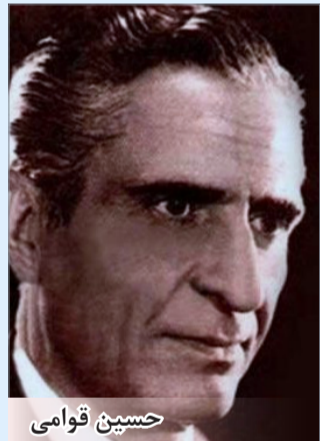
اگر او را دانای کل بدانیم گزافه‌ای نگفته‌ایم. دنیای پژوهشی او فرهنگ و زبان بود ولی در شعر و نثر نیز دستی توانا داشت. بزرگترین دستاورد زندگی فرهنگی او تدوین لغت‌نامه زبان فارسی بود. لغت‌نامه او که بیش از نیم قرن زمان برده توانسته بود برای دوران خود از هر عیب و ایرادی مبرا باشد. این همه فکر و ذکر این مرد بزرگ در تمام درازای زندگی‌اش مبارزه با استبداد و رویارویی با تحمیق و استحمار جامعه بوده است. علی‌اکبرخان دهخدا را می‌گوییم که زندگی پر بارش را وقف این مبارزه کرد.

از اسفندماه سال ۱۳۳۴ که دهخدا به کام مرگ فرو رفت تا امروز بی‌شمار تفسیرها و تعبیرها درباره مشغله‌های فرهنگی او انتشار یافته، شعر و نثر و طنزش مورد بررسی قرار گرفته، اهمیت لغت‌نامه‌اش واریسی شده ولی مبارزات سیاسی، فرهنگی او که جان‌مایه اصلی زندگی اوست آن‌گونه که باید حلاجی نشده است. با نگاهی به زندگی دهخدا پس از به توپ بستن مجلس به فرمان محمدعلیشاه روحیه و رفتار انقلابی او را می‌توان فداکارانه و جانبازانه توصیف کرد. دهخدا از روزنامه‌نگاری تا به حاکمیت استبدادی نمی‌خواست سر به تن‌اش بماند. مخالفت دار و دسته محمدعلیشاهی پس از آن که دهخدا

بود که دیکتاتور قاجار سرشان را می‌طلبید.

دهخدا به هر شکلی که بود پس از گذر از مشکلات بسیار خود را از راه قفقاز و ترکیه و آلمان و انگلستان و... به پاریس رسانید و از همان فردای روز ورود، کار انتشار «صوئیرافیل» را از سر گرفت. دل‌آوری‌هایی که دهخدا در برخورد با مشکلات زندگی و مبارزه در غربت نشان داده شگفت‌انگیز است. نامه‌هایی که دهخدا در دیار غربت به دوستان پرمایه و کم‌مایه خود نوشته، نشان از والایی روح او دارد. هر چند با وجود کوشش‌های بسیار نتوانست انتشار «صوئیرافیل» را به روال عادی برگرداند و تنها توانست سه شماره از دوره جدید آن را منتشر کند، ولی همین سه شماره نشان می‌دهد خداوند او را برای اجرای مبارزه برای آزادی آفریده بود. علی‌اکبر دهخدا همیشه می‌اندیشید و غالباً نیز می‌گفت که مبارزه با استبداد در صورتی کارگر می‌افتد که مبارزه با استحمار پیوسته به آن باشد. خودش نیز در هر دو جبهه می‌جنگید. دشمنی با آخوندها ریشه‌دارتر از جنگ با حاکمیت استبدادی بود.

ادامه در صفحه ۱۹



حسین قوامی

نمی‌گشایی. شاعر خود می‌داند که به بازی گرفته شده است ولی دلش اگر به همین بازی خوش نباشد چه کند؟! پس همچنان بازی را ادامه می‌دهد. می‌موبد و می‌گوید: به باغ روپها، چو گلات بویم در آب و آینه چو مهات جویم تو ای پری کجایی؟ در این شب یلدا ز بی‌ات بویم به خواب و بیداری سخنان گویم تو ای پری کجایی، که رخ‌نمی‌نمایی.

رویای صادق

حرف را یکسره کنیم. همه زندگی شاعرانه‌ی «سایه» در این جستجوی بی‌وقفه و بی‌توقف با پری سپری شده است. نه پری دیگری او را به سوی خود کشیده و نه زندگی خالی از پری به کار او آمده است. پری، آرمان هشتاد ساله‌ی اوست. شاعر در بند کارگاه روپپردازی است. رویای پری که ساخته ذهن خود شاعر است از خود پری صادق‌تر است. اگر خود پری نباشد رویای پری هست، همیشه هم هست. آن چنان در ذهن شاعر نهادینه شده که دوری جستن از آن ناممکن است.

ادامه در صفحه ۱۹

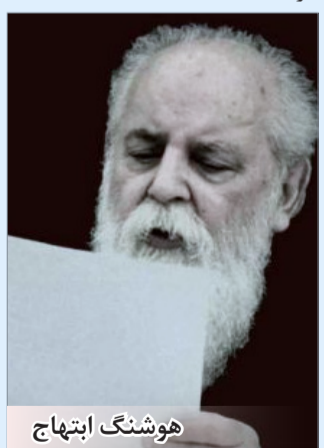
از سوی میرزا جهانگیرخان شیرازی به عضویت هیئت تحریریه روزنامه «صوئیرافیل» درآمد حدت و شدتی انفجاری پیدا کرد. انتشار مقاله‌ای از او در سومین شماره روزنامه، خون حضرات را به جوش آورد. تهدید به محاکمه و مرگ در مجلس شورا به اتهام دروغین مخالفت با مذهب اثنی عشری، روزگار او را تیره‌تر از آنچه بود ساخت و نام‌اش در لیست سیاه نوشته شد. به توپ بسته شدن مجلس کار مشروطه ایران را یکسره کرد. شماری از نخبگان آزادی‌خواه و مبارز ایران مثل میرزا جهانگیرخان شیرازی، ملک‌المکلمین و سید جمال‌الدین اصفهانی پدر محمد علی جمالزاده کشته شدند و گروهی دیگر از آنان پس از مدتی سرگردانی و پناه بردن به سفارت‌خانه‌های خارجی به خارج از کشور رو آوردند. دهخدا از جمله کسانی بود که همراه سید حسن تقی‌زاده به سفارت انگلیس پناه بردند.

نبرد در دو جبهه
دهخدا با انتشار «صوئیرافیل» بغضی در سینه محمد علی‌شاه کاشته بود، باید بغض را می‌ترکند و راحت می‌شد. او جزو گروه هشت نفره‌ی

سرگشتگان آرمانی

در آخرین روزهای اسفند ماه نود و پنج فرصتی یافته‌ایم که درباره یک ترانه فاخر سنتی که در صدر ترانه‌های ماندگار جای گرفته صحبت کنیم.

ترانه‌های که از جهات مختلف متمایز می‌شود. نام ترانه در اصل «سرگشته» است. نتیجه پیوند شعری از هوشنگ ابتهاج (ه. الف. سایه) و آهنگی در همایون از همایون خرم. آن را برای نخستین بار حسین قوامی خوانده که ۱۸ اسفند ماه بیست و هفت سال از درگذشت‌اش می‌گذرد.

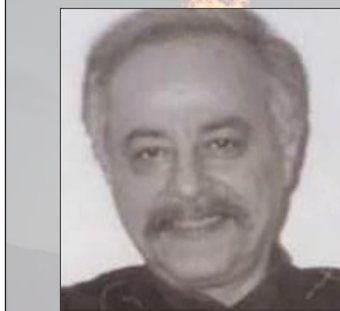


هوشنگ ابتهاج

حسین قوامی که مدت‌ها با نام هنری «فاخته» معروف شده بود همه شرایط خواننده خوب شدن را با خود داشت. صدایی بود مخملین بر بستر حریر، صدای تراش‌خورده و صیقل‌یافته از نوع صدای بنان و دانش و شناختی هم‌تراز او. قوامی علاوه بر آوازه‌های سنتی شماری ترانه نیز در رپرتوار خود داشت ولی فقط یک ترانه کافی است که او را به شهرت رسانده باشد. نام این ترانه «سرگشته» است.

حسین قوامی که مدت‌ها با نام هنری «فاخته» معروف شده بود همه شرایط خواننده خوب شدن را با خود داشت. صدایی بود مخملین بر بستر حریر، صدای تراش‌خورده و صیقل‌یافته از نوع صدای بنان و دانش و شناختی هم‌تراز او. قوامی علاوه بر آوازه‌های سنتی شماری ترانه نیز در رپرتوار خود داشت ولی فقط یک ترانه کافی است که او را به شهرت رسانده باشد. نام این ترانه «سرگشته» است.

این مدت بدون دسترسی به وکیل و هیچ‌گونه مشاوره حقوقی بازجویی شد. خانم داوری با پایان بازجویی در ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۴ به بند عمومی زنان اوین منتقل شد. مرجان داوری پنجاه ساله (متولد ۴ اردیبهشت ۱۳۴۵) و فارغ‌التحصیل رشته گرافیک دانشگاه الزهراء تهران (مدرسه عالی دختران) است و فعالیت او در موسسه راه معرفت در حوزه مطالعات عرفانی و متافیزیک بوده است. «پنجه زمان» اثر پل توییچل، «جوینده» اثر فیل موریمیتسو و تمرینات معنوی «اک» اثر هرولد کلمپ برخی از ترجمه‌هایی است که از او منتشر شده است.



رضا مقصدی

هیمة هیمة، شعله می کشیم

زردی زمانه را ز جان ما بتر!
سرخي ترانه‌های شعله‌بار را -
روی لحظه‌های بی‌قرار ما بریز!
ای تو یادگار روزگار دور دست!
در شبی که آتش خجسته را سلام می‌کنیم
با پیام روشن تو با تو! سرخوشیم.
تا ترانه‌ی تو شادمانه‌تر، شود
هیمة، هیمة، شعله می‌کشیم.
پیش چشم چارشنبه‌ات
هیمة، هیمة، شعله می‌کشیم.

نوروزی دیگر با پرویز صیاد درباره‌ی اسکار و سیاست



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

«فاشگویی‌های الحاج محمدعلی سرخسی تبعیدی» را پرویز صیاد هنرمند سرشناس سینما و تلویزیون ایران تهیه می‌کند که هر نوروز و در تبعید، کنار سفره‌ی هفت‌سین، در نقش «واعظ مخلوع» آنچه رادل تنگ خودش و خیلی‌های دیگر می‌خواهد، می‌گوید.

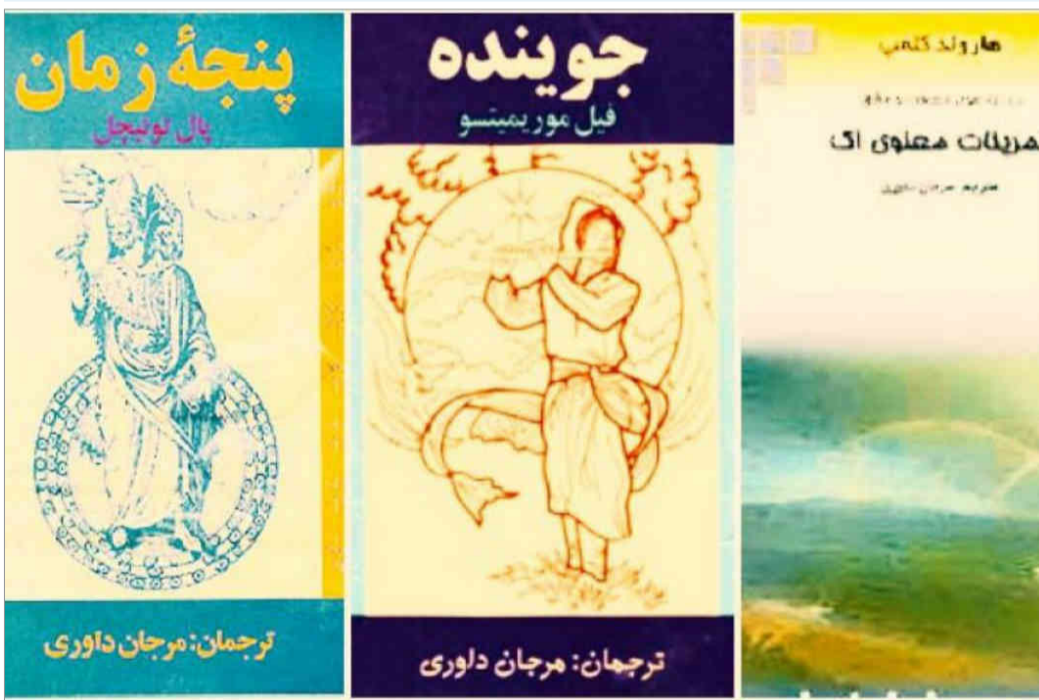
خیلی از ایرانیان، بازنده‌ی اصلی در شب اسکار همین دو نفرند بنده‌خداها. واقعا جانداشت از بغض معاویه‌ی ترامپ زیر بیرق علی خامنه‌ای رفت!

● آقای شمقدری چندی بعد از جایزه‌ی سیمین ونادر، برای اینکه اصغر آفا هواورش نداره، درآمد به مخبرین گفت که آقام احمدی‌نژاد در برنامه دولت خودش یک فقره اسکار گنجانده بود، ما هم لابی کردیم، از هالیوود گرفتیم برای اصغر آفا.

● روزنامه لس‌آنجلس تایمز همان صبح اسکار که هنوز برگزار نشده بود زیر عکس خانم علیدوستی نوشته بود: این فیلم انتخاب سیاسی امشب در این مراسم اسکار است!

● خانم انوشه و آقای نادری شاید از روی عرق ملی یا همفکری با لیبرال‌های آمریکایی وارد این گود سیاسی شدند اما به نظر

مرجان داوری، مترجم زندانی به اعدام محکوم شد



ساله را به «فساد فی‌الارض» متهم کرده و برای او حکم اعدام صادر کرده است. «رابطه‌ی نامشروع»، «اجتماع و تبانی علیه نظام» و عضویت در فرقه عرفانی «کنکار» به دلیل کتاب‌هایی که ترجمه کرده، از جمله مصادیقی است که در این حکم عنوان شده است.

به نوشته این وب‌سایت جلسات دادگاه خانم داوری بیشتر در مهر و آذرماه امسال (۱۳۹۶ خورشیدی) در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی تشکیل شده بود. مرجان داوری، دوم مهرماه ۱۳۹۴ در منزل پدری‌اش در مهرشهر کرج بازداشت و به بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات منتقل شد، او بیش از سه

● قاضی صلواتی او را مفسد فی‌الارض شناخته است.
● او در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات زندانی است.

مرجان داوری، مترجم زندانی از سوی قاضی صلواتی، رئیس شعبه‌ی پانزده دادگاه انقلاب، به اتهام «فساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شده است. مرجان داوری پنجاه ساله (متولد ۴ اردیبهشت ۱۳۴۵) و فارغ‌التحصیل رشته گرافیک دانشگاه الزهراء تهران (مدرسه عالی دختران) است به گزارش وب‌سایت حقوق بشر در ایران، شعبه پانزده دادگاه انقلاب مرجان داوری، محقق و مترجم ۵۰

مصطفی مصباح زاده، ده سال بعد

کيهان
 KAYHAN LONDON



می‌داندید فارسی‌نویسی ناب خیلی مد شده بود. فرهنگستان که تازه تعطیل شده بود پنج شش هزار لغت جدید به واژگان فارسی اضافه کرده بود از جمله کیهان. ● آقای طاهری، چطور شد که دکتر مصباح زاده کیهان را رها کردند و عضو مجلس سنا شدند؟ - دکتر مصباح زاده کیهان را رها نکرد و عضو مجلس سنا نشد. سناتور انتصابی بود یعنی اعلا حضرت نصف سناتورها را تایید می‌کرد. ● یعنی به سناراه یافتند؛ به هر صورت چگونه شد؟ - نمی‌توانست بگوید نه. شاه تصمیم گرفته بود که ایشان و مرحوم مسعودی را به عنوان سناتورهای انتصابی بگذارد در مجلس سنا. به هر حال در صنف مطبوعات مصباح زاده و مسعودی شاخص بودند. البته یکی دوتا دیگه هم بعدا سناتور شدند. مثل مدیر و صاحب امتیاز کوشش. مرحوم صفوی که بسیار هم روزنامه نگار خوبی بود او هم سناتور

کیهان منعکس کننده آن جریان چپ روشنفکرانه در ایران است، ولی اطلاعات بیشتر خط دولت را دنبال می‌کرد و کیهان همان طور که در ابتدا فرمودید یک شیطنتهایی هم در کارش داشت. - بله، ببینید اطلاعات چون خیلی قبل تر از کیهان شروع شده بود نقش بسیار مهمی در امروری سازی ایران بازی کرد. در آن تحولاتی که رضاشاه شروع کرده بود اطلاعات نقش مهمی داشت و در نتیجه به تدریج تبدیل شد به روزنامه هیات حاکمه. هیات حاکمه هم نه به معنای بدش یعنی آن استبلیشمنت که در هر کشوری وجود دارد با یک لحن محافظه کار. ولی کیهان آن وقتی که پیدا شد به عنوان رقیب نمی‌توانست کپی آن باشد. برای اینکه اگر روزنامه استبلیشمنت و محافظه کار و به اصطلاح طرفدار وضع موجود می‌خواستید، اطلاعات بود خیلی هم روزنامه خوبی بود. مسعودی هم روزنامه نگار فوق العاده برجسته

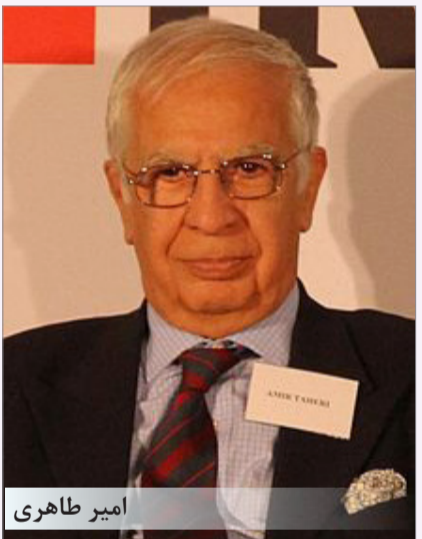
در اشغال بود. پیرمردهای طرفدار انگلیس یا طرفدار روسیه گرداننده جریان بودند. بنابراین بله این بوده ولی رقمی که دکتر مصباح زاده همیشه به من گفته بود چهار صد هزار تومان بود که در طی دوسال اول کیهان پرداخت شد. ولی گرفتاری دوم کیهان این بود که شبکه توزیع نداشت و در نتیجه دکتر مصباح زاده مجبور بود از دانشجویان خودش در مدرسه حقوق استفاده کند که اینها بیابند روزنامه را بفروشند. اولین شماره کیهان که در سه هزار نسخه چاپ شده بود دوهزار نسخه اش باد کرد فقط هزار نسخه فروش رفت چون نمی‌شد توزیعش کرد. ● پولی که دکتر مصباح زاده از شاه دریافت می‌کند آیا هیچ وقت این سبب شده بود که دربار نفوذ بیشتری داشته باشد روی روزنامه کیهان؟ - در این تردید نیست که دربار نفوذ داشت در همه‌ی زندگی در ایران نه تنها در کیهان در تمام

قیمت روزنامه را دو برابر کردیم. از پنج ریال به یک تومان. و در ضمن قیمت آگهی‌های دولتی را هم دو برابر کردیم و اندازه‌اش را هم نصف کردیم. سالها بود که ما کمک مالی می‌دادیم به دولت با چاپ آگهی‌های دولتی با قیمت بسیار ارزان. کیهان راه افتاد و موفق شد و شد روزنامه‌ای که میدانید. با تیراژ یک میلیونی. ● بیشترین تیراژ در ر خاور میانه داشت. - بله و تعداد صفحات بسیار زیاد شد و شد یک منبع درآمد خوبی برای کل نشریات کیهان. ● آقای طاهری، یک کم به عقب برگردیم به زمانی که دکتر مصباح زاده کیهان را بنیان نهاد در دهه بیست خورشیدی. در مورد ایشان مطالب زیادی در اینترنت هست. می‌خواستیم با شما بعضی از اینها را چک کنیم ببینیم تا چه حد صحت دارد. در یکی از این مطالب گفته شده که آقای مصباح زاده برای راه اندازی کیهان دو بیست

هزار تومان از پادشاه ایران دریافت می‌کند و خودشان در یکی از کتاب‌هایشان گفته‌اند که خود شاه بود. آیا این صحت دارد؟ - بله، دو بیست هزار تومان نبود و چهار صد هزار تومان بود. دکتر مصباح زاده هیچ وقت این را پنهان نکرده و بارها در سال‌های اول کیهان پیشنهاد کرده بود که این بدهی را به شاه پس بدهد. ولی شاه گفته بود نه این را حالا به عنوان عطیه ملوکانه تصور نکنید. می‌دانید در آن موقع ایران در اشغال نیروهای متفقین بود و دولت بریتانیا به یک عده از روزنامه‌ها کمک می‌کرد و چون با دولت شوروی هم در آن موقع متحد بودند. خانم لمتن که به اصطلاح مسئول روابط عمومی و اطلاعات در سفارت انگلیس بود هم به روزنامه‌های توده‌ای کمک می‌کرد هم به روزنامه‌های به اصطلاح ضد توده‌ای. بنابراین پیدایش یک روزنامه مستقل خیلی کار سختی بود یعنی دکتر مصباح زاده یا باید می‌رفت از انگلیس‌ها یک پولی می‌گرفت یا باید از شاه یک پولی می‌گرفت. البته می‌دانید اتومبیل خودش را فروخت یک مقدار زیادی قرض کرد، فرامرزی که مدیر روزنامه بود و اولین صاحب امتیاز بود یک مقداری از پس اندازهای خودش را گذاشت. بالاخره روزنامه درآمد. در آن موقع شاه یکی از بازیگران صحنه سیاسی بود در ایران. کسی به حرفش گوش نمی‌کرد. ایران

می‌کردم. روزنامه انگلیسی زبان ایران بود و خیلی روزنامه مهم و با نفوذی به شمار می‌آمد. ولی در عین حال برای کیهان فارسی هم مقالات خودم را ترجمه می‌کردم و مصاحبه‌هایی انجام می‌دادم. دکتر مصباح زاده یک روز به من گفت که ما این دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی را تاسیس کرده‌ایم برای تربیت روزنامه نگاران و اگر می‌شود ما تعدادی از بهترین روزنامه نگاران آینده را به تو می‌دهیم و تو به اینها بگو که چکار کنند. برای یکی دو سالی چهار پنج تا از روزنامه نگاران آینده می‌آمدند و من با آنها ماموریت می‌دادم و کارهاشان را می‌دیدم و همکاری من با کیهان فارسی به این شکل ادامه داشت. یک تابستان که دکتر سمسار که سردبیر بود رفته بود فرانسه و من مسئولیت سردبیری کیهان فارسی را گرفته بودم، تابستان خیلی پر هیجانی بود. تیمور بختیار ترور شد در عراق. سرو صداهای زیادی بود و دولت خیلی اصرار داشت که روزنامه‌ها را کنترل بکند ولی ما شیطنت زیادی می‌کردیم و به هر حال خیلی مورد توجه دکتر مصباح زاده قرار گرفتیم. ولی علت اینکه ایشان مرا انتخاب کرد علاوه بر شاید کیفیاتی که خودم داشتم این بود که روزنامه کیهان در یک حالت بحرانی بود در آن موقع. دوازده نفر از دبیران و خبرنگاران ما ممنوع‌القلم شده بودند. ● به چه علتی؟ - به علتی که می‌خواستند به اصطلاح مطبوعات را پاکسازی بکنند. بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات اصلا به کلی تعطیل شده بودند. مجلات مهمی مثلا «سپید و سیاه»، «امید ایران»...

● «روشنفکر»... - بله، «روشنفکر» جایی بود که من خودم کارم را آنجا شروع کرده بودم. اول در نتیجه این بحران بود در عین حال بحران مادی هم وجود داشت. چون قیمت کاغذ روزنامه رفته بود بالا ولی ما نمی‌توانستیم قیمت روزنامه را ببریم بالا برای اینکه دولت یک سیاست ضد تورم اعلان کرده بود و به ما می‌گفت که این سمنل بالا رفتن قیمت‌ها خواهد بود. اگر روزنامه قیمت‌اش را ببرد بالا و در این حیص و بیص دکتر مصباح زاده دنبال این می‌گشت که چه بکند و از من خواست که با هم صحبت بکنیم. گفت ما الان در این وضعیت بحرانی هستیم. تو حاضری بیایی و سردبیری کیهان را بگیری. منم می‌دانید هیچ وقت به سردبیری علاقمند نبودم چون به خبرنگاری علاقمند بودم سردبیری یک کار ستادی است نه یک کار میدانی. هر کسی می‌تواند سردبیر باشد. ولی به هر حال یک جوری در محذور قرار گرفتیم. یک روز دیدم جیب کیهان را فرستادند که الان همه منتظر هستند بلند شو و بیا. رتم آنجا و علت انتخاب من آنجا در آن موقع شاید این بود که من مناسبات خوبی با نخست وزیر داشتم. هویدا. مورد توجه اعلا حضرت بودم و دکتر مصباح زاده فکر می‌کرد که من می‌توانم از نفوذم استفاده کنم برای حل این مشکل. ● پون‌های مثبتی می‌تواند باشد... - که البته این کار شد. ممنوع‌القلم‌ها همه برگشتند سر کار.



امیر طاهری

شد ولی خوب شاه از بین بازنگاران معروف سناتور انتخاب می‌کرد. از بین شعرا سناتور انتخاب می‌کرد از بین فقها سناتور انتخاب می‌کرد این هم بود. ولی مصباح زاده هیچ وقت به سنا نمی‌رفت و عضو هیچ کدام از کمیسیون‌های سنا هم نشد. ● پس هیچ هدف خاصی از سوی شاه نبود که دکتر مصباح زاده را از مطبوعات و از کیهان جدا کند و او را به مجلس سنا ببرد. - نه، نمی‌توانست جدا کند. مصباح زاده مدیر موسسه کیهان بود. ولی در امور روزنامه دخالت نمی‌کرد. امور روزنامه یا مجله، مجله زن روز، کیهان اینترنت نشان اینها سردبیرهای خودشان را داشتند و دکتر مصباح زاده فقط موقعی می‌فهمید که چی تو این روزنامه‌ها و مجله‌ها درآمد که روزنامه منتشر شده بود و یک نسخه می‌گذاشتند روی میز. ولی قبل از آن کاری به این کارها نداشت. مصباح زاده بیشتر عاشق تکنولوژی و مدرنیزه کردن بود. ما جدیدترین ماشین‌های مطبوعاتی حروف چینی و چاپ را در دنیا داشتیم. یعنی سه تا روزنامه بودند در دنیا که زمانی که انقلاب اسلامی در ایران شد اینها در صدر اول تکنولوژی مطبوعاتی بودند. یکی ناتینگهام پست بود در لندن. یکی همین کیهان خودمان بود و یکی هم ما نهایمیت سائیتونگ آلمان. بنابراین مصباح زاده بیشتر دنبال این جریان بود و در واقع رفع و رجوع کردن درس‌هایی که روزنامه نگارها درست



و خبرنگار خیلی خوبی هم بود. بنا براین کیهان مجبور بود که در این بازار جنس متفاوتی عرضه کند. به موقع یک شاه قدرتمندتر می‌شد این نفوذ بیشتر می‌شد. هر موقع که شاه کم قدرت می‌شد این نفوذ می‌آمد پائین ولی یک چیزی که ما نباید فراموش بکنیم این است که باید یاد بگیریم باید قبول بکنیم که افراد ممکن است به خاطر عقیده‌شان هم یک کاری بکنند و همایش به خاطر پول و مقام نیست. یعنی مثلا مصباح زاده ممکن است شخصا عقیده داشته باشد که سلطنت برای ایران خوب است و محمدرضا شاه آدم خوبی است. لازم نیست که به او پول دهیم. مصباح زاده پول لازم نداشت. مصباح زاده مقام لازم نداشت. بارها به او پیشنهاد وزارت ولی هیچ وقت قبول نکرد. واقعا عقیده داشت که در آن دوران اشغال ایران شاه سمنل استقلال ایران است و بعد تنها نمی‌توانند در آن نفوذ بکنند. بقیه را می‌توانستند بخرند و تهدید بکنند و غیره. یعنی تصور نکنیم که هر کاری که هر کس کرد به خاطر نفع مالی یا نفع شخصی است. مردم عقیده هم دارند. از قضا جالب‌ترین کارها را انسان‌ها به خاطر عقیده‌شان می‌کنند نه به خاطر پول. ● آقای طاهری، در مورد روزنامه اطلاعات می‌خواستیم از شما سوال کنیم. اطلاعات یک رقیب اصلی کیهان بود ولی همیشه آن موقع‌ها که در ایران بودیم فکر می‌کردیم

در این تردید نیست که دربار نفوذ داشت در همه‌ی زندگی در ایران نه تنها در کیهان در تمام جنبه‌های زندگی در بار نفوذ داشت، در قم بین آیت‌الله‌ها نفوذ داشت در احزاب نفوذ داشت در همه جا. هر موقع که شاه قدرتمندتر می‌شد این نفوذ بیشتر می‌شد. هر موقع که شاه کم قدرت می‌شد این نفوذ می‌آمد پائین ولی یک چیزی که ما نباید فراموش بکنیم این است که باید یاد بگیریم باید قبول بکنیم که افراد ممکن است به خاطر عقیده‌شان هم یک کاری بکنند و همایش به خاطر پول و مقام نیست. یعنی مثلا مصباح زاده ممکن است شخصا عقیده داشته باشد که سلطنت برای ایران خوب است و محمدرضا شاه آدم خوبی است. لازم نیست که به او پول دهیم. مصباح زاده پول لازم نداشت. مصباح زاده مقام لازم نداشت. بارها به او پیشنهاد وزارت ولی هیچ وقت قبول نکرد. واقعا عقیده داشت که در آن دوران اشغال ایران شاه سمنل استقلال ایران است و بعد تنها نمی‌توانند در آن نفوذ بکنند. بقیه را می‌توانستند بخرند و تهدید بکنند و غیره. یعنی تصور نکنیم که هر کاری که هر کس کرد به خاطر نفع مالی یا نفع شخصی است. مردم عقیده هم دارند. از قضا جالب‌ترین کارها را انسان‌ها به خاطر عقیده‌شان می‌کنند نه به خاطر پول. ● آقای طاهری، در مورد روزنامه اطلاعات می‌خواستیم از شما سوال کنیم. اطلاعات یک رقیب اصلی کیهان بود ولی همیشه آن موقع‌ها که در ایران بودیم فکر می‌کردیم

می‌کردند. همیشه روزنامه نگاری کار پردردسری است بخصوص در رژیم‌های غیر باز. نمی‌خواهم بگویم رژیم شاه دیکتاتوری یا فلاں بود ولی خوب یک رژیم دموکراتیک باز نبود که بشود به طور عادی روزنامه نگاری کرد. ● درست است. به تکنولوژی اشاره کردید بادم است عکس‌هایی که در کیهان چاپ می‌شد همیشه از روزنامه اطلاعات جلوتر بود. عکس رادیو فوتو کیهان بادم است. روی عکس‌ها نام گذاشته بودند. - ما اولین روزنامه‌ای بودیم که از رادیو فوتو استفاده کردیم در المپیک مونیخ. قبل از روزنامه‌های اروپا یا امریکای آن روز و عکس‌های رنگی و اینها همه مدیون دکتر مصباح زاده بود. ● آقای طاهری، یکی از رویدادهایی که مرتبط با انقلاب است آن نامه احمد رشیدی مطلق است که می‌گویند دربار تهیه می‌کند و یکی از روایات این است که در آن نامه‌ای که آقای خمینی را سید هندی می‌نامند و بعد می‌گویند اتحاد نامقدس از تجاع سرخ و سپاه... می‌گویند که این نامه را دربار هم برای اطلاعات می‌فرستند هم برای کیهان. ولی کیهان تصمیم می‌گیرد چاپ‌اش نکند. شما در آن موقع در کیهان سردبیر بودید. می‌شود دقیقا بفرمایید چه گذشت و دکتر مصباح زاده چه نقشی داشت در این زمینه؟ - دکتر مصباح زاده هیچ نقشی در این جریان نداشت. این جریان اینطوری اتفاق افتاد که حزب رستاخیز یک جلسه‌ای تشکیل داده بود و آقای داریوش همایون که وزیر اطلاعات و جهانگردی بود در این جلسه حزب رستاخیز بود. بعد یک نفر می‌آید دوتا نامه به او می‌دهد و می‌گوید که یکی برای اطلاعات یکی خدا رحمت‌اش کند برای من تعریف می‌کرد می‌گفت که من هیچ کدام از این دو تا پاکت را باز نکردم. دانه را دادم به علی باستانی خبرنگار اطلاعات که آنجا بود یکی هم به خانم نوشابه امیری که خبرنگار ما بود و در آنجا حضور داشت. خبرنگار سیاسی بود خیلی هم خبرنگار خوب و فوق العاده‌ای بود. اینها این دو تا نامه را می‌آوردند به روزنامه، مال اطلاعات می‌رود به سردبیر که آقای شهیدی دستور می‌دهد چاپ‌اش بکنند. مال ما را آوردند پیش آقای ثقفی که یکی از معاون‌های من بود. او هم نگاه کرد و آورد پیش من و گفت که یک همچنین چیزی آوردند من هم بهش گفتم که این قابل چاپ نیست. گذاشتم‌اش توی کشوی میزم که تا زمان انقلاب هم بود. ولی برای اینکه به اصطلاح مطمئن شوم که دردسری چیزی نخواهد بود شروع کردم به تلفن کردن به هر کسی که ممکن است به این نامه وابسته باشد. به خود همایون تلفن کردم گفت والا من اصلا نمی‌دانم چیه توش و این را برای من آوردند از یک جایی و نمی‌خواست بگوید کجا. تلفن کردم به نخست وزیر آقای آموزگار گفت من اصلا خبر ندارم و واقعا هم خبر نداشت. تلفن کردم به معاون ساواک آقای ثانی او هم گفت من اصلا خبری ندارم ولی به هر حال من متوجه شدم یک مقدار زیاد از خبرهای اینطوری کارها روی بلوف صورت می‌گیرد. می‌گویند که فرمودند یعنی فعل مجهول. معلوم نیست کی فرمودند! در نتیجه من در طی سال‌ها یاد گرفته بودم که هر وقت می‌گفتند فرمودند من هم می‌گفتم که فرمودند نه! بعد هیچ کس نمی‌توانست برود پیش کسی مثلا اینها را چک بکنند. ● من با آقای دکتر آموزگار در واشنگتن صحبت کردم به طور خصوصی، ایشان می‌گفتند این نامه در واقع پوست موزی بود که هویدا انداخت زیر پای دولت من... - نمی‌دانم، من با هویدا هم صحبت کردم او هم گفت من هیچ خبری ازش ندارم. حالا به هر حال ممکن است، یعنی رقابت‌های سیاسی و اینها وجود دارند ولی مخالفت من با این نامه به خاطر مسائل سیاسی نبود بلکه به خاطر این بود که اوها نامه چرندی بود.

زنان شاخص

ژاله آموزگار

(۱۳۱۸ - خوی)



ژاله آموزگار یگانه پژوهشگر ایرانی فرهنگ و زبان‌های باستانی است. او دکتری زبان‌های باستانی (به‌طور دقیق‌تر، زبان‌های ایرانی و ادبیات مزدیسنی) از دانشگاه سوربن دارد و بیش از ۳۰ سال در دانشگاه تهران تدریس کرده‌است. ژاله آموزگار در سال ۱۳۱۸ در خوی زاده شد. او از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به عنوان پژوهشگر در بنیاد فرهنگ ایران سرگرم کار شد. از سال ۱۳۴۹ به عنوان استادیار در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد و از سال ۱۳۶۲ به عنوان دانشیار و از سال ۱۳۷۳ تا کنون به عنوان استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق اشتغال داشته است. او به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ترکی، پهلوی و اوستایی مسلط است. او سال‌ها به عنوان همکار استاد احمد تفضلی به فعالیت‌های علمی پرداخت و پس از درگذشت او به تدریس و تالیف و ترجمه ادامه داده است.



زن روز



پروین اعتماسی

ای بی خبر ز منزل و پیش آهنگ دور از تو هم‌رهان تو صد فرسنگ در راه راست، کج چه روی چندین رفتار راست کن، تو نه ای خرچنگ رخسار خویش را نکنی روشن ز آئینه دل از نزدائی زنگ چون گلشنی است دل که در آن روید از گلبنی هزار گل خوش رنگ در هر رهی فتاده و گمراهی تان نیست رهبرت هنر و فرهنگ چشم تو خفته است، از آن هر کس زین باغ سیب میبرد و نارنگ ...



صابون‌های سازگار با محیط زیست

اکثر صابون‌ها از نفت خام ساخته می‌شوند که با پوست سازگاری ندارند. صابون‌هایی هم وجود دارند که بدون نفت خام ساخته شده باشند اما کارایی خوبی ندارند. محققان آمریکایی اخیراً موفق به ساختن صابون‌هایی شدند که هم قدرت پاک‌کنندگی بیشتری دارند هم با محیط زیست سازگارند. پاک‌کننده‌هایی که به شکل صابون، شامپو، مایع‌های ظرفشویی یا پودر لباس‌شویی اما بیشتر به شکل صابون استفاده می‌شوند حاوی عامل‌های پاک‌کننده‌ای از نفت خام هستند. استفاده از عامل‌های نفتی در ساخت صابون نه تنها دوست‌دار محیط زیست نبوده و تهدیدی برای طبیعت به شمار می‌رود بلکه می‌تواند منبعی از آلودگی نیز باشد. در حالی که صابون‌های فاقد عامل‌های نفتی نیز وجود دارند اما از قدرت پاک‌کنندگی مناسبی برخوردار نیستند. اما اکنون محققان موفق به ساخت صابونی شده‌اند که نه تنها نسبت به صابون‌های فعلی از کارایی بیشتری برخوردار است بلکه دوست‌دار محیط زیست نیز بوده و تهدیدی برای طبیعت شمرده نمی‌شود. این صابون توسط محققان دانشگاه مینه‌سوتا ابداع شده است و از مواد تجزیه‌پذیری مانند اسیدهای چرب سویا یا نارگیل در کنار قند غلات تشکیل شده تا مولکولی با نام oleo-furan-surfactant و مخفف OFS شکل گیرد. بنا به گزارشات منتشر شده، در هنگام استفاده از این صابون و به دلیل برخورداری از غلظت‌های نسبتاً پایین OFS می‌توان از میزان کمتری برای پاک‌کنندگی بهره برد. از دیگر مزایای این صابون می‌توان به عدم چسبندگی در آب سرد به دلیل وجود OFS اشاره کرد که شستشو با آن سخت نخواهد بود.

علت اصلی شلختگی کودکان

به کودک قاطع باشید اما سخت گیر نباشد. کودک باید بیاموزد که خانه دارای اصول و مقرراتی لازم الاجراست. و همه اعضای خانه موظف به انجام آن هستند و در کمتر موردی عدول از این قوانین ممکن است. اما میزان و کیفیت این قوانین باید در حد نرم بوده و در ضمن با توجه به سن و توانایی کودک تنظیم گردد. سخت‌گیری فراوان در مورد این موضوع احتمال بالایی را برای مقاومت و بی‌نظمی و یا وسواس در کودکان ایجاد خواهد کرد. به عنوان مثال لازمه رشد و اقتضانات سنی کودک این است که بازی کند. وسایل بازی را در اتاق پخش کند و... لذا نمی‌توان از او انتظار داشت که همواره و همیشه اتاقی منظم داشته باشد و همیشه با وسایل جمع و جور بازی کند. ضمن آنکه اگر کودکی چنین باشد باید به سلامت روان او و شیوه‌های تربیتی خودمان

کودکان بسیاری هستند که بی‌نظمی یا به قولی شلختگی برایشان به یک عادت تبدیل شده است. آنها دلیلی برای اینکه بعد از مدرسه وسایل خود را در جای مشخصی قرار دهند و یا در مدرسه منظم و مرتب باشند نمی‌بینند. گاهی لوازم خود را گم می‌کنند و گاهی نیز این کار هایشان باعث عصبی شدن والدین می‌شود. هیچ‌گاه به جای او وسایل اختصاصی منظم نکنید و در اثر خستگی ناشی از اختلالات مکرر و عدم انجام آنها توسط کودک، خود دست به کار نشوید. آموزش نظم و انضباط به کودک یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌ها در ارتباط با فرزندانشان است. بسیاری از والدین از بی‌نظمی و شلختگی کودک خود شاک می‌خورند و به روش‌های مختلف سعی دارند او را منضبط تربیت

درمان‌های طبیعی برای آلرژی پوست

کاهش تورم پوست علائم آلرژی پوستی درمان و کاهش قرمزی پوست درمان حساسیت پوستی درمان آلرژی با جوش شیرین حساسیت پوست تسکین سوزش پوست کاهش تورم پوست علائم آلرژی پوستی درمان و کاهش قرمزی پوست درمان حساسیت پوستی شیرین حساسیت پوست تسکین سوزش پوست کاهش تورم پوست علائم آلرژی پوستی درمان و کاهش قرمزی پوست درمان حساسیت پوستی درمان آلرژی با جوش شیرین حساسیت پوست تسکین سوزش پوست

خارش و تورم از ناراحت‌کننده‌ترین علائم آلرژی پوستی هستند. شاید بهترین راه برای مدیریت این ناراحتی استفاده از کمپرس یخ بر روی منطقه آسیب دیده باشد.

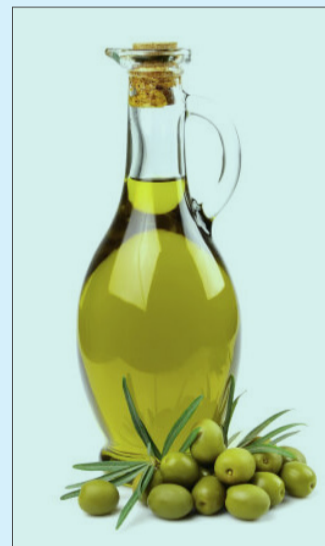
۳ الی ۴ تکه یخ را در یک کیسه پلاستیکی قرار دهید و سپس آن را روی محل آسیب دیده پوست بگذارید. برای تسکین در ترمیم پوست، این عمل را ۳ الی ۴ بار تکرار کنید.

۴) برگ نعناع (Pudina)

از برگ نعناع می‌توان برای کاهش تورم و تسکین سوزش استفاده کرد. بهترین راه برای استفاده از برگ نعناع به این صورت است که برگ‌های تازه آن را بصورت خمیر درآورید و سپس به محل مورد نظر بمالید و پس از ۳۰ دقیقه آن را آبکشی کنید.

۶) سرکه سیب

سرکه سیب، خارش را آرام و با اسید استیک که داراست با باکتری‌هایی که سبب آلرژی می‌شوند مبارزه می‌کند.



به سادگی به توپ پنبه‌ای را در سرکه فرو کنید و سپس آن را به مدت ۱۰ دقیقه به محل آسیب دیده پوست بمالید. این روش را در روز سه بار تکرار کنید تا از شر جوش‌های پوستی خلاص شوید.

۷) جوش شیرین

جوش شیرین روند درمان آلرژی را تسکین می‌بخشد. به یک لیوان آب، مقدار کمی جوش شیرین اضافه کنید و خوب مخلوط کنید، سپس به مدت ۱۵ دقیقه این مخلوط را بر روی محل آسیب دیده قرار دهید. این کار را روزانه تکرار کنید.

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که به روغن نارگیل مقداری جوش شیرین اضافه کنید و به برای ۵ دقیقه به پوست آسیب دیده بمالید. این کار را می‌توانید دو بار در روز انجام دهید.

کاهش تورم پوست علائم آلرژی پوستی درمان و کاهش قرمزی پوست درمان حساسیت پوستی شیرین حساسیت پوست تسکین سوزش پوست کاهش تورم پوست علائم آلرژی پوستی درمان و کاهش قرمزی پوست درمان حساسیت پوستی درمان آلرژی با جوش شیرین حساسیت پوست تسکین سوزش پوست

۵) لیمو

لیمو سرشار از ویتامین C و دارای خاصیت سفیدکنندگی است، به همین دلیل است که از لیمو بعنوان یکی از بهترین داروهای طبیعی برای مشکلات پوستی نام برده می‌شود. به سادگی آب لیمو را استخراج کنید و به منطقه آسیب دیده بمالید و اجازه دهید خشک شود. در ابتدا ممکن است کمی سوختگی در پوست ایجاد کند، اما به سرعت خارش را التیام می‌بخشد. سپس محل آسیب دیده را شستشو دهید.

۱) روغن زیتون

روغن زیتون یک مرطوب‌کننده طبیعی، که سرشار از ویتامین E و آنتی‌اکسیدان‌هاست. برای جلوگیری از خارش کمی عسل را در یک کاسه روغن زیتون مخلوط و بر روی قسمتی از بدن خود که دچار آلرژی شده است بمالید.

۲) آلوئه‌ورا

آلوئه‌ورا دارای خاصیت ضد التهابی، ضد باکتری و ضد قارچ است که به طور شگفتی برای پوست موثر است. استفاده منظم از آلوئه‌ورا در درمان و کاهش قرمزی پوست پیشنهاد می‌شود. زل آلوئه‌ورا تازه از برگ گیاه را خارج کنید و به محل آسیب دیده پوست بمالید. اجازه دهید ۳۰ دقیقه بر روی پوست بماند و سپس با آب ساده شستشو دهید. این عمل را ۳ بار در روز تکرار کنید تا از شر آلرژی پوست به طور کامل خلاص شوید.

۳) تکه‌های یخ



آوری استقبال می‌نماید درس مهمی را به فرزند خود ارائه داده‌اند. که اولاً مسواک زدن را فراموش نکنند و مقاومت ننمایند. ثانیاً یادآوری‌ها را برای تقویت رفتاری خاص در کودک، همان رفتار را در کودکان دیگر مورد تشویق قرار دهید. البته بدور از ایجاد حس مقایسه و تبعیض. کلام شما می‌تواند تشویق‌کننده و یا کنایه‌آمیز باشد. در قضا هایتان برای کودک رفتار مورد نظر را دوست داشتنی و موجب مقبولیت قهرمان داستان بدانید. و نکته آخر اینکه از اقتضانات سنین نوجوانی آن است که در مواردی نظم را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند. در این زمان از زدن بر حسب‌های منفی به او خودداری کنید. از کلماتی مثل تو بی‌نظم شدی- چقدر شلخته‌ای و... بپرهیزید. رفتارهای نظم‌آمیز او را تشویق کنید. مطمئن باشید پس از گذر از نوجوانی رفتارهای او تعدیل خواهد شد.

شک کنید. در این موارد می‌توانیم از کودک بخواهیم که یک بار در روز به جمع‌آوری وسایل اتاق خود بپردازد. می‌توان برای سهولت کار، خودمان همزمان به مرتب‌سازی بقیه مکان‌های خانه بپردازیم و به صورت بازی، رقابت و مسابقه‌ای را برای تسکین کار ترتیب دهیم. مراقب باشید که هیچ‌گاه به جای او وسایل اختصاصی منظم نکنید و در اثر خستگی ناشی از اختلالات مکرر و عدم انجام آنها توسط کودک، خود دست به کار نشوید. در این مواقع رفتارهای نظم‌آمیز نوجوان را تشویق کنید. مطمئن باشید پس از گذر از نوجوانی رفتارهای او تعدیل خواهد شد. سعی کنید احساسات کودک خود را درک کنید و همدلی خود را به او ابراز کنید. مثلاً به کودک خود بگویید می‌دانم که دوست نداری در صندلی عقب ماشین بنشینم اما این کاری

کند. غافل از آنکه برخی از این روش‌ها نتایج عکس خواهد داشت. پیش از هر اقدام باید در نظر داشته باشید که نظم در فرزندانی ثابت می‌شود که در خانواده‌های منظم تربیت شده‌اند. لذا داشتن الگوی عملی نکته بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه بزرگ‌ترهای خانواده باید روی جزئیات رفتار خود نیز دقیق شوند. ممکن است ما در زمان بازگشت به منزل ابتدا لباس خود را روی دسته مبل بیاندازیم و پس از ساعتی آن را به جالباسی اویزان کنیم. اما احتمالاً فرزندمان می‌آموزد که در زمان برگشت به خانه لباس‌هایش را بر لبه تخت و یا یک مکان نامناسب قرار دهد. در این مورد مادر مدعی است که نظم را رعایت کرده در حالی که چنین نیست و فرزند رفتار ابتدایی مادر را خواهد آموخت. نکته بعد این است که در اجرای قوانین و اصول و آموزش آن‌ها

مردان شاخص

احمد تفضلی
(۱۳۱۶-۱۳۷۵)



احمد تفضلی زبان‌شناس، ایران‌شناس، پژوهشگر، مترجم و متخصص زبان پهلوی و استاد زبان‌های باستانی در دانشگاه تهران بود. تفضلی در زمینه زبان‌های ایرانی میانه به‌ویژه پهلوی و پارسی، در پهنه بین‌المللی یکی از معدود صاحب‌نظران به شمار می‌آمد. احمد تفضلی تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و در سال ۱۳۳۵ با دریافت مدال درجه اول فرهنگ از دارالفنون دیپلم ادبی گرفت. در سال ۱۳۳۸ دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران را با احراز رتبه اول به پایان برد. در سال ۱۳۴۰ به انگلستان رفت و وارد رشته فرهنگ و زبان‌های شرقی ایران در مدرسه زبان‌های شرقی دانشگاه لندن شد و در سال ۱۳۴۴ فوق لیسانس گرفت. در ۱۳۴۵ در رشته زبان‌های باستانی از دانشگاه تهران درجه دکتری گرفت. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ در بنیاد فرهنگ ایران، به تحقیق پرداخت. در ۱۳۴۷ به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شد. در ۱۳۷۰ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و از سال ۱۳۷۳ معاون علمی و پژوهشی و قتل‌های زنجیره‌ای به شمار می‌رود.

این فرهنگستان بود. تفضلی علاوه بر اینکه یکی از صاحب‌نظران در زمینه زبان‌های باستانی ایران بود، به زبان عربی کاملاً آشنا بود و به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ادبیات فارسی تسلط کامل داشت و همچنین با روسی نیز آشنا بود. تفضلی در ساعت ۱۲ و نیم روز ۲۴ دی ماه ۱۳۷۵ دفتر کارش را در دانشگاه تهران ترک کرد و راهی منزلش در شمیران شد اما هرگز به منزل نرسید. او در همان روز به طرز مشکوکی در خیابان به قتل رسید. قتل او در دنباله پرونده سرکوب روشنفکران سال ۱۳۷۳ معاون علمی و پژوهشی



سمی ترین
 مواد دور و اطراف شما

مواد سمی و خطرناک پیرامون شما قرار دارند و می‌توانند موجب مسمومیت شما شوند. روزانه در معرض آن‌ها قرار دارید و به طور مکرر از آن‌ها استفاده می‌کنید اما از آن‌ها خبر ندارید. ترکیبات آلی فرار یا (VOCs) وی‌اوسی‌ها مواد شیمیایی هستند که به‌سادگی بخار و به گاز تبدیل می‌شوند و در ساختمان‌شان اتم کربن وجود دارد. ترکیبات آلی فرار در برخی از فرآورده‌ها وجود دارند یا در طول برخی از فرایندها آزاد می‌شوند. از جمله وی‌اوسی‌های رایج می‌توان به بنزن، فرمالدئید و استون، تولوئن اشاره کرد. منابع درون خانه آنها شامل بسیاری از فرآورده‌های خانگی و اداری هستند، از جمله: ۱- دود سیگار ۲- رنگ‌ها و زواری‌های رنگ ۳- فرآورده‌های پاک‌کننده، پولیش‌ها و واکس ۴- حشره‌کش‌ها ۵- خوشبوکننده‌های هوا ۶- فرآورده‌های مراقبت شخصی مانند مواد آرایشی ۷- فرآورده‌های تفریحی مانند چسب کاردستی ۸- تجهیزات اداری مانند پرینترها و ماشین‌های فتوکپی ۹- شومینه‌ها یا اجاق‌های هیژم‌سوز ۱۰- بنزین و روغن سوخت ۱۱- اسباب و اثاثیه خانه یا فرآورده‌های ساختمانی مانند کف‌پوش، موکت، فرآورده‌های فشرده چوبی ۱۲- دود آگزوز ماشین در گاراژ خانه. برخی از رایج‌ترین وی‌اوسی‌ها شامل بنزن، فرمالدئید و تولوئن هستند. تنفس وی‌اوسی‌ها می‌تواند باعث تحریک چشم‌ها، بینی و گلو شوند، اشکال در تنفس و تهوع ایجاد کنند و به دستگاه عصبی مرکزی و نیز سایر اندام‌ها آسیب بزنند. برخی از وی‌اوسی‌ها مانند بنزن سرطان‌زا هستند. وی‌اوسی‌ها در محیط

امیدبخش است. او گفت: خارج خانه هم اثرات مشابهی بر کتید بیشتر از گوشه‌ای‌تان مراقبت کنید دربارۀ موم گوش چه میزان اطلاع دارید آیا میدانستید اسپری‌های مو می‌توانند برای شنوایی تان مضر و خطرناک باشند از ارتباط گوش‌ها با حس چشایی چه میزان اطلاع دارید؟ این ارگان مهم و حیاتی در بدن نیازمند رعایت نکات مهم برای عملکرد بهتر و سالم تر میباشد. واقعیت در مورد گوش‌های تان که هرگز نشنیده‌اید: در اینجا به حقایق جالبی در مورد تمیز کردن گوش‌ها، دردگوش و ... اشاره خواهیم کرد. وقتی شنوایی خوب است و دردی

گوش‌ها و دانستی‌های مهم درباره آن‌ها

این کار بیشتر برای افراد حساس و کسانی که زیاد از این اسپری‌ها استفاده می‌کنند ضروری است؛ بخصوص افرادی که سابقه ابتلا به بیماری‌های گوش دارند. **گوش‌ها به حس چشایی کمک می‌کنند** تعجب نکنید این بدان معنا نیست که با گوش‌ها می‌توانید طعم غذاها را دریابید، بلکه گوش‌ها نقش مهمی در انتقال سیگنال‌های مزه به مغز دارند شاخه‌ای از اعصاب به نام Tympani chorda درون گوش میانی قرار دارند و جوانه‌های چشایی را به مغز می‌رسانند. بنابراین اگر آسیبی به این قسمت از گوش برسد، سیگنال‌های به‌طور بالقوه در توانایی درک طعم تأثیر می‌گذارد. گاهی حتی عمل جراحی و یا عفونت گوش می‌تواند حس چشایی را تغییر دهد.

هوایما امری عادی است، ولی اگر هنگام سفر دچار گرفتگی گوش یا سرماخوردگی باشید، باید آن را جدی بگیرید. کانال‌های شیپوری که در وسط هر حفره گوش قرار داشته و به پشت گلو راه دارند، در ارتفاع همچون یک شیر فشار عمل می‌کنند. اگر گوش‌های شما سالم و تمیز باشد، آنها به طور طبیعی می‌توانند نوسانات ناشی از فشار تغییر ارتفاع را تحمل و تنظیم کنند. جویدن آدامس نیز به این روند کمک می‌کند. ولی زمانی که این کانال‌ها پر از مایع هستند (مثل زمان سرماخوردگی)، آنها نمی‌توانند به خوبی عمل کرده و این تغییر فشار را تحمل کنند و این فشار به پرده گوش آسیب می‌رساند به همین دلیل اگر قصد سفر با هوایما دارید، بهتر است قبل از سفر به متخصص مراجعه کنید و از سلامت گوش‌های خود مطمئن شوید.

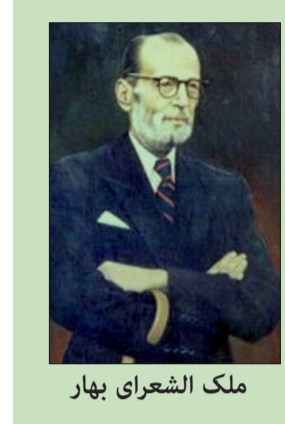


برده گوش تنها به ضخامت سه لایه سلول است علاوه بر اینکه حذف موم گوش با یک جسم خارجی از گوش کمی مشکل و البته خطرناک است دلیل دیگری برای عدم استفاده و ورود اجسام به درون گوش وجود دارد و آن شکنندگی زیاد پرده گوش است. پرده گوش از سه لایه داخلی، فیبری و خارجی تشکیل شده و نازکی آن به اندازه یک ورق کاغذ و یا ناخن انگشت است، به همین دلیل پرده گوش به سادگی آسیب می‌بیند و متأسفانه در صورت آسیب به سادگی ترمیم نمی‌شود. اگرچه معمولاً درد گوش نشانه‌ای از عفونت گوش، عفونت سینوس و یا حتی انسداد و جرم است. ولی گاه کاملاً نامربوط است و اصلاً به گوش‌ها ربطی ندارد که درد گوش می‌تواند ناشی از وجود مشکل در قسمتی از بدن در نقطه بین گوش تا شکم باشد. بنابراین به شدت توصیه می‌شود که در صورت ابتلا به درد گوش آن را جدی بگیرید و به پزشک مراجعه کنید.

اغلب پزشکان استفاده از دستگاه‌های کوچکی به نام earplane را توصیه می‌کنند که یک پلاگین لاستیکی فیلتردار است و باید آن را قبل از سوار شدن به هوایما درون گوش‌ها قرار داده شود تا فشار وارده ناشی از ارتفاع را به حداقل برساند. **تأثیرات منفی اسپری‌های مو** اگر به‌طور منظم از اسپری‌های مو استفاده می‌کنید، مطمئن باشید که در آینده‌ای نزدیک با مشکل گوش مواجه می‌شوید. گوش شما در نزدیکی موهایتان قرار دارد و هنگامی که موها را اسپری می‌کنید در طول زمان این اسپری وارد گوش‌ها و در دروساز می‌شود. خوشبختانه پیشگیری از این مشکل بسیار آسان است و کافی است قبل از اسپری موها دو عدد پنبه را درون گوش‌تان قرار دهید تا مانع از ورود محصولات شیمیایی به درون گوش‌ها شود. البته اگر از اسپری‌های مو بسیار به‌ندرت استفاده می‌کنید نیازی نیست این کار را انجام دهید و



خود را از دست داده بودند. در گروه سوم که شامل مردانی با محدوده سنی ۴۸ تا ۹۳ بود، تنها ۷/۵ درصد آنها کروموزوم Y خود را از دست داده بودند. در مردانی بالاتر از ۷۰ سال ۱۵/۴ درصد و در مردان زیر ۷۰ سال تنها ۴/۱ درصد از دست رفتگی کروموزوم Y رخ داده بود. به گفته محققان این نتایج نشان دهنده تأثیر سن در این پدیده است. با در نظر گرفتن تأثیر سن، محققان به مقایسه سبک زندگی و عوامل بهداشتی در این افراد پرداختند و پی بردند که علاوه بر سن، سیگار کشیدن نیز با دست رفتن کروموزوم Y ارتباط دارد. خطر از دست رفتن کروموزوم Y در افراد سیگاری در مقایسه با غیرسیگاری‌ها، بین ۲/۴ تا ۳/۴ برابر بود. مردانی که بیشتر سیگار کشیده بودند، کروموزوم Y بیشتری از دست داده بودند. و در میان مردانی که سیگار کشیدن را ترک کرده بودند، سطح کروموزوم Y در خون تفاوت قابل توجهی با مردانی که تا به حال سیگار نکشیده بودند، نداشت. به گفته فرسبورگ، این یافته آخر بسیار



مرد روز

بهار مژده نو داد فکر باده کنبد ز عمر خویش در تن فصل استفاده کنبد خورید باده، مدارید غصه کم و بیش که غصه کم شود از باده را زیاد کنبد مناسب است به شکرانه مقام رفیع گر التفات به یاران اوفتاده کنبد به باد رفت سرشمع وهمچنان می گفت که فکر مردم هستی به باد داده کنبد صبا بگو به رقیبان که آسمان نگذاشت که بیش ازین به من بینوا افاده کنبد هجوم عام به قتل بهار نیست ضرور که خود به قتلگه آید اگر اراده کنبد

آسیب سلولی آقایان یا سیگار

در سه مطالعه اپیدمیولوژیک در سوئد را جمع‌آوری کردند. این مردان درباره عواملی مانند ورزش، فشار خون، مصرف الکل و سیگار کشیدن از این افراد مورد پرسش قرار گرفتند و همچنین از آنها نمونه خون گرفته شد. بنابراین محققان توانستند میزان فراوانی کروموزوم Y را در خون این مردان اندازه‌گیری کنند. (از آنجایی که سلول‌های قرمز خون فاقد DNA هستند، این اندازه‌گیری در سلول‌های سفید یا سلول‌های ایمنی موجود در خون انجام شد). **اثر جانبی عجیب سیگار کشیدن** نتایج نشان داد که از دست رفتن کروموزوم Y در سلول‌های مردان مورد مطالعه امری شایع است. مردان در دو تا از این بررسی‌ها در محدوده سنی ۷۰ تا ۸۰ بودند. در گروه اول ۱۲/۶ درصد مردان و در گروه دوم ۱۵/۶ درصد کروموزوم Y

آیا می‌دانستید با سیگار کشیدن به بافت سلولی تان آسیب وارد می‌کنید و باعث تحلیل رفتن کروموزوم های Y آنان می‌شوید، این اختلال ژنتیکی در نتیجه سیگار کشیدن مداوم در مردان ایجاد می‌شود. ناپدید شدن کروموزوم Y از سلول‌های خونی مردان سیگاری را باید به فهرست اثرات جانبی تشویش‌آور سیگار کشیدن اضافه کرد. یک بررسی جدید جدید نشان می‌دهد مردان سیگاری کروموزوم Y مردان خونی خود را بیشتر از غیرسیگاری‌ها از دست می‌دهند - و هرچه مصرف سیگارشان بالاتر باشد، تعداد کمتری کروموزوم Y خواهند داشت. به گفته محققان این از دست رفتن کروموزوم Y می‌تواند توضیح‌دهنده خطر بالاتر سرطان را در مردان سیگاری در مقایسه با زنان سیگاری باشد. لارس فرسبورگ، نویسنده همکار

این مطالعه از دپارتمان ایمونولوژی، ژنتیک و پاتولوژی دانشگاه اوپسالا در سوئد گفت: «سلول‌هایی که کروموزوم Y را از دست می‌دهند نمی‌میرند، اما به نظر می‌رسد که کارکرد بیولوژیک‌شان مختل شود.» همچنین به طور اختصاصی‌تر ممکن است کارکرد سلول‌های ایمنی خون که مسئول مبارزه با سرطان هستند، با از دست رفتن کروموزوم Y در آنها مختل شود. **از دست دادن کروموزوم Y** کروموزوم Y یکی از دو کروموزوم تعیین‌کننده جنسیت در مردان است که دارای یک کروموزوم جنسی X و یک کروموزوم جنسی Y هستند. در حالت طبیعی در هنگام تقسیم سلولی، از همه کروموزوم‌ها کپی‌برداری می‌شود و این کروموزوم‌ها به دو سلول دخترتی جدید وارد می‌شوند، اما به گفته فرسبورگ گاهی اوقات در این مکانیسم پیچیده، کروموزوم‌ها از دست می‌روند. معمولاً از دست رفتن کروموزوم‌ها موجب مرگ سلول‌ها می‌شود، ولی سلول‌های فاقد کروموزوم Y قادر به ادامه حیات هستند. به گفته فرسبورگ، محققان بیش از ۵۰ سال است که می‌دانند کروموزوم Y می‌تواند ناپدید شود. از دست رفتن کروموزوم Y در مردان مسن شایع‌تر از مردان جوان است. اما فرسبورگ و همکارانش در ماه آوریل یافته‌های خود را مبنی بر ارتباط میان از دست رفتن کروموزوم Y در سلول‌های خونی و افزایش خطر سرطان را در ژورنال Nature Genetics منتشر کردند. به گفته فرسبورگ، مرحله بعد مشخص کردن عوامل مؤثر در از دست دادن کروموزوم Y در مردان بود. او و همکارانش اطلاعات پزشکی مربوط به ۶۰۰۰ مرد شرکت‌کننده

احساس نمی‌شود. **فلسفه وجود موم گوش ناشناخته است** پزشکان دقیقاً نمی‌دانند که چرا گوش‌های ما موم تولید می‌کند، ولی به‌طور کلی اعتقاد بر این است که آنها قسمتی از سیستم تمیز کردن گوش هستند و گوش بدین ترتیب خود را تمیز می‌کند. مشخص نیست که آیا گوش با این کار pH را به تعادل می‌رساند و یا خواص ضد باکتریایی دارد. گوش برخی افراد نسبت به گوش دیگران کمتر موم تولید می‌کند و واقعا دلیل آن ناشناخته است. موم کاربرد بسیاری دارد و از ورود گردوخاک به درون گوش جلوگیری می‌کند؛ به‌خصوص هنگامی که فرد در هوای کثیف باشد و یا روی زمین کثیف بخوابد، از ورود آلودگی‌ها به درون گوش داخلی جلوگیری می‌کند. **پرواز با گرفتگی گوش می‌تواند خطرناک باشد** این روزها مسافرت و پرواز با

مسابقات تنیس ایندیاناولز پسر بد جاکوویچ را حذف کرد



رافا فدرر



کیریوس



نواک جاکوویچ

ایندیاناولز غمگین کرد رافائل نادال بود. رافا که امسال بهتر از سال گذشته در میدان‌های مختلف ظاهر شده است پیش از رسیدن به مرحله ۸ نفر آخر به آسانی مغلوب راجر فدرر ۳۵ ساله شد. این سومین باخت متوالی نادال به دوست و رقیب دیرین خود است. فدرر، نادال را ۶ بر ۲ و ۶ بر ۳ مغلوب کرد. او دو ماه پیش در بازی‌های گراند اسلم ملیورن نیز در مرحله فینال رافا را شکست داد و به هجدهمین قهرمانی در یک گراند اسلم دست یافت. نابغه سوئیسی در بازی بعدی خود با کیریوس استرالیایی دیدار می‌کند.

شکست خورده بود. دومین شوک این تورنمنت برای دوستداران نواک جاکوویچ نفر دوم جهان شکست مقابل کیریوس تنیس‌باز استرالیایی ۱۵ نفر جهان معروف به پسر بد تنیس بود. کیریوس در این بازی طبق معمول بر سر داخل و خارج بودن یکی از ضربه‌های جاکوویچ مدتی نسبتا طولانی با داور مسابقه جر و بحث داشت، اما او به هر حال جاکوویچ ۲۹ ساله را در دو ست ۶ بر ۴ و ۷ بر ۶ از دور بازی‌ها خارج کرد. سومین تنیس‌باز محبوب که هواداران بی‌شمار خود را با خروج زود هنگام از مسابقات باریباس

مسابقات معتبر تنیس ایندیاناولز کالیفرنیا امسال با شگفتی همراه بوده است، در نخستین هفته این بازی‌ها نام‌های بزرگ سر اندی موری، رافائل نادال و نواک جاکوویچ که هر یک عنوان قهرمانی ده‌ها گراند اسلم و مسابقات بین‌المللی را در کارنامه خود دارند پیش از رسیدن به مرحله یک چهارم نهایی با تورنمنت خداحافظی کردند. اندی موری نفر اول تنیس جهان در دور دوم این بازی‌ها ۶ بر ۴، ۷ بر ۶ و ۷ بر ۵ به پوس پی سیل تنیس‌باز کانادایی و نفر ۱۲۹ جهان باخت. پوس پی سیل که ۲۶ سال دارد پیش از این چهار بار از سر اندی

ایران قهرمان فوتبال ساحلی آسیا



در مرحله نهایی مسابقات فوتبال ساحلی آسیا که این هفته در مالزی برگزار شد تیم فوتبال ایران با پیروزی ۷ بر ۲ بر تیم امارات قهرمان این بازی‌ها شد. ایران پیش از شکست امارات از تیم‌های مالزی، افغانستان، چین، بحرین و ژاپن برده بود.

مسابقات جام جهانی کشتی فرنگی آبادان

ایران از روسیه شکست خورد، بر آلمان پیروز شد



صالحی‌زاده ۲ - ماکسیم استفاریان صفر
۱۳۰ کیلوگرم: بهنام مهدی‌زاده ۱ - سرگئی سیمینوف ۲
تیم کشتی ایران در دومین دیدار

مسابقات جام جهانی کشتی فرنگی روز پنجشنبه این هفته با شرکت هشت کشور در آبادان آغاز شد. تیم کشتی فرنگی ایران در اولین دیدار خود با نتیجه ۵ بر ۳ از تیم قدرتمند روسیه شکست خورد.
نتایج این دیدار چنین است:
۵۹ کیلوگرم: سامان عبدولی ۱ - مینگیان سیمینوف ۳
۶۶ کیلوگرم: علی ارسلان ۴ - آرتم سورکوف ۷
۷۱ کیلوگرم: محمدعلی گرانی ۴ - ابوزید مانتسیگوف صفر
۷۵ کیلوگرم: سعید عبدولی ۱ - رومن ولاسوف ۵
۸۰ کیلوگرم: یوسف قادریان ۳ - رمضان اباجاریف ۲
۸۵ کیلوگرم: حسین نوری صفر - داویت چاکوتادزه ۹
۹۸ کیلوگرم: سیدمصطفی

ده دروازه‌بان برتر جهان



مانوئل نویر (بایر مونیخ)

جیانلوئیجی بوفون (یوونتوس)
یان اوبلاک (اتلتیکو مادرید)
ایگر کاسیاس (پورتو)
مارک آندره تراشتگن (بارسلون)
جیانلوئیجی دونا روما (میلان)
کیلور ناواس (رئال مادرید)
هوکولوریس (تاتنهام)

کارشناسان وبسایت مارکا و مراجعین این وبسایت با آراء خود ده نفر بهترین دروازه‌بانان جهان را انتخاب کرده‌اند به این ترتیب:
مانوئل نویر (بایر مونیخ)
تیبو کورتوا (چلسی)
داوید دخیا (منچستر یونایتد)

دو مشتزن ایرانی در فینال مسابقات بین‌المللی باکو

دو مشتزن تیم ملی بکس ایران به فینال مسابقات بین‌المللی آذربایجان که در باکو پایتخت آن کشور جریان دارد راه یافتند. این دو نفر امید احمدی صفا در وزن ۴۹ کیلوگرم و ایمان رمضان‌پور در وزن ۹۱ کیلوگرم هستند. شاهین موسوی مشتزن دیگر ایران در وزن ۷۵ کیلوگرم بعد از شکست مقابل حریفی از قزاقستان در این وزن سوم شد و مدال برنز دریافت کرد. سالار غلامی مشتزن دیگر ایران در وزن ۹۱ کیلوگرم که به مرحله نهایی این تورنمنت رسیده بود و باید با حریفی از اکراین روبرو می‌شد به دلیل ناراحتی چشم اجازه مبارزه نیافت و به مدال برنز بسنده کرد.

۱۹ بازیکن برای دیدار با قطر و چین انتخاب شدند



تهران با تیم ملی فوتبال چین مسابقه خواهد داشت. ایران در حال حاضر با یازده امتیاز در بالای رده‌بندی گروه می‌کند و روز هشتم فروردین در ماه اعلام خواهد شد.
تیم ملی فوتبال ایران روز سوم فروردین در دوحه با تیم قطر دیدار می‌کند و روز هشتم فروردین در

اردوی آمادگی تیم ملی فوتبال ایران پیش از دیدار با تیم‌های قطر و چین در روزهای ۲۶ تا ۲۸ اسفند ماه در تهران تشکیل می‌شود و روز ۲۸ اسفند ماه تیم ایران در ورزشگاه بدون تماشاچی به مصاف تیم فوتبال عراق می‌رود. در این اردوی دو روزه این بازیکنان حضور خواهند داشت: محمدرضا اخباری، رامین رضائیان، وریا غفوری، پژمان منتظری، جلال حسینی، مرتضی پوعلی گنجی، محمد انصاری، مسعود ابراهیم‌زاده، احسان حاج‌صفی، امید ابراهیمی، عزت‌الله پورقاز، مهدی ترابی، مرتضی تبریزی، ساسان انصاری، احسان پهلوان، مهدی طارمی و وحید امیری.
اسامی بازیکنانی که مقابل قطر و چین به میدان می‌روند روز ۲۹ اسفند

اردوی آمادگی تیم ملی والیبال ایران برای شرکت در لیگ جهانی ۲۰۱۷



افراد زیر نیز در مرحله دوم اردو که از ۲۶ فروردین ماه آغاز می‌شود به این جمع اضافه خواهند شد که عبارتند از: سعید معروف، امیر غفور، شهرام محمودی، میلاد عبادی‌پور، فرهاد قائمی، فرهاد نظری‌افشار، محمد موسوی، عادل غلامی و مهدی مرنندی دوره مقدماتی لیگ جهانی والیبال سال ۲۰۱۷ با شرکت ۱۲ تیم: بریستان، برزیل، فرانسه، ایتالیا، لهستان، آمریکا، روسیه، ایران، بلژیک، کانادا، آرژانتین و بلغارستان در گروه‌های مختلف به مدت سه هفته برگزار خواهد شد. تاریخ این بازی‌ها به زودی اعلام می‌شود

مرحله نخست اردوی تیم ملی والیبال ایران با شرکت چهارده بازیکن از نوزده فروردین ماه آینده برپا می‌شود و سپس نه نفر از این عده به عنوان بازیکنان اصلی تیم ملی تعیین خواهند شد.
دعوت‌شدگان به اردوی مرحله نخست تیم ملی والیبال این‌ها هستند: محمدطاهر وادی، فرهاد سال‌افزون، رضا قرا، پوریا یلی، مجتبی میرزا جانپور، جواد معنوی‌نژاد، سعید شیرو، پوریا فیاضی، مرتضی شریفی، سامان فائزی، محمد فلاح، مسعود غلامی، علی شفیع، مصطفی حیدری

سردار آزمون در ورزشگاه اولترافورد



تیم روستف از لیگ برتر روسیه که سردار آزمون بازیکن ۲۲ ساله تیم ملی فوتبال ایران در آن بازی می‌کند پنجشنبه شب این هفته در بازی برگشت مقابل تیم منچستر یونایتد در استادیوم معروف اولترافورد منچستر به میدان می‌رود، قرار است سردار آزمون فوتبالیست گرگانی در این بازی در زمین حضور داشته باشد. هفته گذشته نتیجه بازی رفت میان این دو تیم یک بر یک مساوی به پایان رسید. سردار آزمون بازیکنی است با تکنیک پیشرفته و سرعت قابل توجه که برای تیم ملی ایران گل‌های جالبی وارد دروازه حریفان کرده است.

جام جهانی ژیمناستیک باکو،

ایران با چهار ژیمناست حضور دارد



مسابقات جام جهانی ژیمناستیک در باکو پایتخت جمهوری آذربایجان از روز پنجشنبه این هفته آغاز شده است. در این رقابت‌ها ۸۵ ژیمناست پسر و ۳۵ ژیمناست دختر شرکت دارند، از ایران نیز چهار ژیمناست در این تورنمنت حضور دارند.
در روز نخست بازی‌ها مهدی احمدکهنی در قسمت حلقه شرکت کرد، روز جمعه نیز سعید رضاکیخا، عبدالله جمعی و سامان مدنی در قسمت خرک و بارفیکس مسابقه می‌دهند. در این تورنمنت قهرمانان معروف ژیمناستیک جهان نیز حاضر هستند.

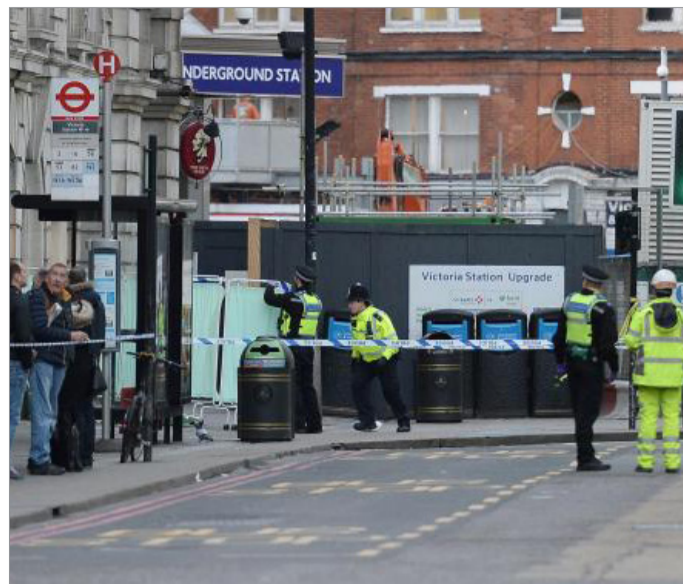
تعداد دانش آموزان مدارس لندن که چاقو در جیب دارند پنج برابر شده است

● یک جراح معروف: چاقو کش‌هایی رحیم‌تر شده‌اند

تعداد دانش‌آموزان مدارس لندن که با خود چاقو حمل می‌کنند نسبت به پنج سال پیش دو برابر شده و همزمان چاقو کشی و قتل‌های به وسیله چاقو نیز از پنج سال قبل به مراتب بیشتر شده است و تنها در سال گذشته ۳۰۰ دانش‌آموز در جیب خود چاقو داشته‌اند و درگیری‌هایی که به استفاده از چاقو انجامیده ۲۶ درصد افزایش نشان می‌دهد.

حزب لیبرال دمکرات که در این رابطه فعال است از صدیق خان شهردار لندن خواسته است در این مورد اقدام جدی به عمل بیاورد.

در همین حال دانکن بیو از جراحان سرشناس بیمارستان کینگز کالج لندن گفته است جنایاتی که با چاقو صورت می‌گیرد در سال‌های اخیر خیلی خشن‌تر و خطرناک‌تر از گذشته شده تا حالا. ضربات



چاقو در نزاع‌هایی که در شهر روی می‌داد غالباً کشنده نبود و بیشتر طرفین برای زهرچشم گرفتن از یکدیگر چاقو می‌کشیدند اما در یکسال اخیر چاقو کشی به قصد کشتن اتفاق می‌افتد. چاقو کش‌ها

قبلاً به بخش‌های حساس بدن ضربه نمی‌زدند اما این روزها به وضوح می‌توان دید که هدف از چاقو کشی کشتن طرف مقابل است و در واقع چاقو کش‌ها بی‌رحم‌تر از گذشته شده‌اند.



پلیس سرگرم تحقیق از بستگان اطرافیان دختر دانشجو است تا روشن شود او که پالتو، کیف و دیگر وسائلی در ساحل دریاچه سد به جا مانده داوطلبانه جان خود را گرفته یا قربانی یک جنایت شده است.

جنایت یا خودکشی

جسد یک دختر دانشجوی بیست ساله روز پنجشنبه این هفته از درون آب‌های پشت سد آکباتان به وسیله غواصان خارج شد. مسئول تیم غواصی همدان که پیکر دختر را بعد از چهل و پنج دقیقه تلاش از میان گل و لای سد در عمق پنج متری به ساحل منتقل کردند گفت: این دختر لباس بر تن داشت و حدود شش ساعت از خودکشی یا پرت کردن او به درون آب‌های سد می‌گذشت.

جنازه دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف دست و پا بسته و حلق آویز در آپارتمانش پیدا شد



حلق آویز شده بود اما قفل در ورودی آپارتمان سالم بود و معلوم است قاتل یا قاتلان بدون مشکل وارد آپارتمان شده‌اند و به احتمال زیاد با او آشنا بوده‌اند. کارآگاهان در حال تلاش برای پی بردن به راز این جنایت هستند.

مادر یک دانشجوی فوق لیسانس رشته مهندسی نفت دانشگاه صنعتی شریف پس از دو روز بی‌خبری از فرزندش به یکی از دوستان و همکلاسی‌های او تلفن کرد و گفت دو روز است از سیامک خبر ندارد تلفنش هم جواب نمی‌دهد شما خبری از او دارید؟

بعد از این گفتگوی تلفنی همکلاس سیامک به آپارتمان او رفت و چند بار زنگ خانه او را به صدا درآورد اما کسی در را باز نکرد. وی به پلیس گفت زنگ مدیر آپارتمان را زدم و وارد ساختمان شدم، در آپارتمان سیامک باز بود وقتی وارد آن شدم پیکر بی‌جان او را دیدم که با دست و پای بسته شده با سیم از لوله گاز

چهارشنبه سوری مفصل‌تر از هر سال در سراسر ایران



شب این هفته نه نفر در این حوادث جان خود را از دست دادند و صدها تن مجروح شدند. عصر سه‌شنبه پسر چهارده ساله‌ای در تهران قربانی بازی با مواد آتش‌زا شد، و در همان روز چشمان یکی از مصدومان آتش‌بازی در بیمارستان مطهری تهران تخلیه گردید، در رضائیه «ارومیه» و اراک هم انگشت دو نفر قطع شد. به گفته پلیس به علت انفجار یک نارنجک دست ساز در اراک یک خانه خراب شد و سه جوان که زیر آوار مانده بودند نجات یافتند. آئین چهارشنبه سوری روز سه‌شنبه در نواحی کردنشین منطقه، تاجیکستان و افغانستان نیز مانند هر سال برگزار گردید.

انقلاب اسلامی و ضدیت گردانندگان آن با عید نوروز و جشن‌های وابسته به آن از جمله چهارشنبه سوری ایرانی‌ها این مراسم را هر سال خیلی جدی‌تر، با شکوه‌تر و همراه با سر و صدای بیست‌سال گذشته یعنی استفاده از مواد انفجاری و احتراقی برگزار می‌کنند که بعضاً تلفاتی نیز داشته است. سه‌شنبه شب این هفته جشن چهارشنبه آخر سال در سراسر ایران در شهرهای بزرگ و کوچک و دورافتاده‌ترین روستاها با حضور میلیون‌ها نفر برگزار گردید. این آتش‌بازی طبیعتاً شماری کشته و مجروح به همراه داشت به طوری که از روز ۱۷ اسفند ماه تا سه‌شنبه

ایران تنها کشور مسلمان‌نشین جهان است که مهم‌ترین عید مردم آن مراسم باستانی و جالب و با شکوه آن یعنی چهارشنبه سوری و سیزدهم فروردین اسلامی نیست و به همین دلیل از روزی که جمهوری اسلامی در ایران روی کار آمده آخوندهای حکومتی با استفاده از هر فرصتی روی منبر و در جاهای دیگر عید نوروز، چهارشنبه سوری و سیزدهم فروردین را خرافی و ضد اسلامی خوانده‌اند. آنها سال‌ها کوشیدند تا ایرانی‌ها را از برگزاری این مراسم بازدارند اما نتوانستند و تسلیم خواسته مردم شدند و شاید به دلیل همین مخالفت‌ها است که پس از

جلو خودکشی ۴۲۲۰ نفر را گرفتیم



رئیس سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی ادعا کرده که این سازمان امسال موفق شده جلوی خودکشی ۴۲۲۰ نفر را بگیرد.

محسنی بندپی گفته است از این عده ۲۸۸۰ نفر زن و ۱۴۴۰ تن مرد بوده‌اند، وی گفت: سال گذشته ۴۰۲۰ نفر در اثر خودکشی در ایران جان خود را از دست دادند در حالی که شمار جان باختگان به علت خودکشی در سال پیش از آن ۲۰۹۵ تن بود. وی افزود: علت بیشتر خودکشی‌ها مسائل و معضلات فردی خانوادگی و اجتماعی است.

محسنی بندپی یادآور شد که بسیاری از مردم از خط تلفن ۱۲۳ برنامه‌های اورژانس اجتماعی ما برای خودکشی اطلاع ندارند و کمتر به منظور کمک گرفتن در مورد خودکشی با ما تماس می‌گیرند. خط تلفن دیگری با شماره ۱۴۸۰ هم داریم که خیلی‌ها که از زندگی و مسائل آن خسته شده‌اند به این شماره تلفن می‌کنند.

مادری دو فرزند خود را در آسمان به دنیا آورد

خانمی از اهالی شهرستان شاهرود دو فرزند خود را در دو سال گذشته در هلی‌کوپتر اورژانس این شهر به دنیا آورده است. او که در ۱۲ کیلومتری شاهرود زندگی می‌کند بار اول در سال ۱۳۹۴ در فاصله خانه تا بیمارستان که در مرکز شهر واقع است در هلی‌کوپتر اورژانس بیمارستان صاحب فرزند شد.

وی هفته پیش نیز دقیقی قبل از رفتن به بیمارستان دچار درد شدید شد و بعد از تلفن به اورژانس هلی‌کوپتر امداد پس از سوار کردن او به سوی بیمارستان به پرواز درآمد، اما قبل از فرود آمدن در محوطه بیمارستان کودک قدم به عرصه وجود گذاشت. قرار است خانواده کودک با مسئولان کتاب گینس برای ثبت این حادثه تماس بگیرند.

قهرمان پرورش اندام ایران کشته شد



این جنایت بوده است، قاتلین این قهرمان هنوز دستگیر نشده‌اند. این دومین بار است که یک قهرمان ملی پرورش اندام در خیابان کشته می‌شود. چهار سال پیش نیز یک قهرمان دیگر پرورش اندام ایران به دنبال تصادف اتومبیل او با ماشین دیگری با ضربات چاقو یک جوان ۱۹ ساله به قتل رسید و چند ماه بعد قاتل او اعدام شد.

قهرمان پرورش اندام ایران در دسته ۸۰ کیلوگرم روز شنبه این هفته هنگام خارج شدن از باشگاه محل تمرین خود در اصفهان با ضربات چاقوی افراد ناشناس به شدت مجروح شد و ساعتی بعد در بیمارستان درگذشت.

به گفته امید جبلی رئیس کمیته داوران فدراسیون پرورش اندام ایران به احتمال زیاد مسائل خانوادگی دلیل

زن مشهedy دخترش را خفه کرد

خانم ۲۶ ساله‌ای این هفته از رفتار دختر پنج ساله‌اش که با فرزند یکی از بستگان او دعوا کرده بود به شدت عصبانی شد و پس از اینکه کتک مفصلی به او زد یک متکا روی صورت او گذاشت و خفه‌اش کرد. این زن بعد از این جنایت به کلانتری رفت و درباره جنایتی که مرتکب شده بود با مأموران صحبت کرد.

پلیس جسد دختر پنج ساله را به پزشکی قانونی منتقل کرد و مادر جنایتکار را بازداشت نمود.

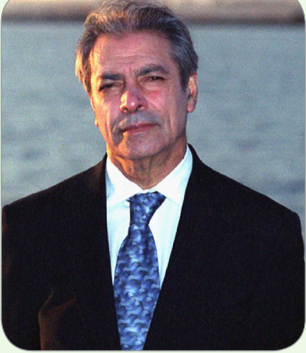
شمار مردها در ایران نیم میلیون بیشتر از زنها است



جمعیت ایران در سرشماری سال ۱۳۹۵، ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۲۷۰ نفر بوده و تعداد مردها پانصد هزار نفر بیشتر از بانوان بوده است. به گفته امیدعلی پارسا رئیس مرکز آمار ایران جمعیت ایران در حال حاضر چهار میلیون و ۷۷۶ هزار نفر نسبت به چهار سال پیش افزایش داشته و تعداد خانوارهای ایرانی نیز ۳ میلیون خانوار نسبت به سال ۱۳۹۰ بیشتر شده است.

جمعیت تا سن ۱۴ سال در سال ۱۳۹۵، ۱۹ میلیون و ۱۹۲ هزار و ۶۶۱ نفر بوده، جمعیت ۱۵ تا ۲۹ سال در سال ۱۳۹۵ به ۲۰ میلیون و ۵۲ هزار و ۷۲۵ نفر رسیده، جمعیت ۳۰ تا ۶۴ ساله هم در سال ۱۳۹۵ به ۳۵ میلیون

و ۸۰۷ هزار و ۹۶۵ تن بالغ شده و تعداد افراد ۶۵ سال به بالا در سال ۱۳۹۵ به ۴ میلیون و ۸۷۰ هزار و ۴۱۱ نفر رسیده است.



داريوش همایون (۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به باز نشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشیو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

ناشر

کدام شبخ افتاده است؟

کیهان لندن شماره ۱۲۳۰ - ۹ آبان ماه ۱۳۸۷

فرصت داده است که به حکومتی که آنان را بدترین دشمن خود می‌شمرد ببیند. در همین حال افراطیان که چند شاخه شده اند گاه بر ضد یکدیگر سخن می‌گویند، ناتوان شدن جریان اسلامگرا در عربستان سعودی بر قدرت هم‌تایان آن در بیرون نیز اثر خواهد گذاشت. در مقاله الوطن علی سعد الموسی،

همه کشورهای دیگر نشانی داشت) دیگر از امریکائیان مسلمان به عنوان ماهیت سیاسی مشخص نمی‌توان دادن امتیازات سیاسی (وارد شدن سخن گفت و آن هفت میلیون تن از هم‌رنگی به همسانی می‌رسند. اروپائیان نیز خواه ناخواه و دیر یا زود بر همان راه خواهند رفت و مسلمانان را در درون خود خواهند پذیرفت. در جامعه‌های اسلامی فرایند

آنچه از گفتمان سیاسی و فرهنگی در درون و بیرون کشورهای مسلمان، از خبرهای روزانه و منظره دلگیر کامیکازهای اسلامی و قربانیان همه گونه بمب‌ها و گلوله‌های آنان بر می‌آید، می‌تواند ما را به یاد مانیفست مشهور و پرهیبت (شیخ‌ی) که گویا بر جهان افتاده است بیندازد. اسلامیان در همه جا مسلمانان را در پشت



یک روزنامه نگار لیبرال و مدرس دانشگاه، بر این است که ۱۱ سپتامبر خطی است که دوران گفتمان اسلامگرای سعودی را از گفتمان مدرن با ویژگی بحث فعال و همه سویه آن جدا می‌کند. به نظر او آن ۴۵ دقیقه در ۱۱ سپتامبر بازگشت جهان را به حال پیشین نا ممکن ساخت؛ و در عربستان سعودی به بحث پر غوغایی درباره همه تابوها - حقوق بشر و جایگاه زنان، فساد، مواد درسی، و حقوق اقلیت‌ها و مانند‌های آن - دامن زد. قصد آن بود که گروه‌های گوناگون از چندگرا (پلورالیست) بودن جامعه و مکاتب مختلف مذهبی و فلسفی آگاه شوند و بدانند که همه چیز را به یک رنگ درآوردن و تحمیل یک ایدئولوژی، بر خلاف طبیعت بشری است. به گفته او دگرگونی‌ها فراوان بوده است. برای نخستین بار زنان و مردان به شمار برابر در میز گرد‌ها حضور یافتند؛ و امروز هیچ خواننده مطبوعات نیست که متوجه تفاوت آن با گذشته نشود. مردم هوای تازه‌ای تنفس می‌کنند. او می‌پذیرد که بیشتر بحث‌ها تا کنون بیش از واژه‌ها نبوده است. «با اینهمه ما دریافته‌ایم که گشاده نبودن موضوعاتی مانند مواد درسی چه هزینه سنگینی خواهد داشت و بزرگ‌ترین مانع پیشرفت، مقاومت در برابر دگرگونی و توسعه است. مهم‌تر از همه این است که همه چیز موضوع بحث و استدلال قرار گیرد.»

همانند شدن با جهان پیشرفته کندتر خواهد بود ولی سرانجام آن را از هم اکنون می‌توان دید. هیچ نیازی به دادن امتیازات سیاسی (وارد شدن در اتحادها) یا فرهنگی (پذیرفتن نسبی گرائی و چند فرهنگی) نیست. اسلام در دو جنبه حیاتی، در پهنه فرهنگ و کیفیت زندگی، با هم‌وردی روبروست که از آن بر نخواهد آمد. در پایان این نبرد اسلام به عنوان دین توده‌های بزرگ خواهد ماند ولی برای افراد به عنوان خودشان و نه یک کلیت زور و تهدید؛ و با آزادی عملی در اندیشه و گفتار که به هیچ جامعه اسلامی اجازه داده نشده است.

خود گرد می‌آورند و سرزمین‌ها و اجتماعات اسلامی را در هر جا، از جمله در حومه‌های شهرهای اروپا، فتح می‌کنند. شمشیر اسلام در دست تروریست‌های از جان گذشته کامیکاز برنده تر از همیشه است. جهان پس از کمونیسم با بزرگ ترین خطر روپرو شده است. این تصویر برای ما که به ویژه زخم انقلاب و جمهوری اسلامی را بر تن و جان خود داریم دلسرد کننده تر است. ولی موج بالا گیرنده اسلام «خرد متعارف» است conventional wisdom که زمان‌ش سر آمده است. اگر از نزدیک تر بنگریم آن گونه‌ها هم نیست.

نمونه‌ها بسیار است ولی شاید بهتر از عربستان سعودی، سرداب هزار و چهار صد ساله راست ائینی orthodoxy و گرمخانه اسلام رزمجو، نمی‌توان آورد. در هفته‌های پیش از یازده سپتامبر دو نوشته یکی در سامانه «الف» و دیگری در روزنامه الوطن از دو روشنفکر سعودی انتشار یافت. از این نوشته‌ها به خوبی پیداست که به دنبال حمله تروریستی گروه بن لادن به نیویورک و واشینگتن و کشتاری که راه انداختند در جامعه‌ای مانند عربستان نیز گفتمان دگرگونی، لیبرالیسم و آزاد اندیشی، دارد زیر نگاه موافق دستگاه حکومتی جایی باز می‌کند. صلاح الراشد یک روشنفکر لیبرال، در نوشته اول پس از اشاره به اینکه مسلمانان به چشمان خود دیدند که خونریزی جز ویرانی، انزوا و بدنامی و سرکوبی راه به چیزی ندارد، می‌نویسد که کشتن غیر نظامیان چه در غرب و چه در میان هم‌میهنان و هم‌کشیشان، مسلمانان را به هوش آورده است که چاره در پوشش فرهنگ و صلح است و چشم پوشی از جنگ و کشتاکش. او در خوشبینی‌اش تا آنجا می‌رود که - و با درسی که در ۱۳۵۷ گرفتیم - می‌باید پابرجا تر و تزلزل ناپذیر تر بایستیم. ملی مذهبی میانه‌کار، دمکرات اسلامی آماده برای زیر پا گذاشتن اصول، به ماندگاری آنچه از نظر تاریخی رو به پایان است کمک می‌کنند. وسوسه پیوستن به قدرت در همه هست ولی این بار دست کم قدرت را در جانی که هست، در جهانی که می‌خواهد دیوارهای نادانی و ناداری و ناتوانی را فرو ریزد، جستجو کنند. اگر شبخی هم افتاده باشد بر جهان اسلام است و نامی جز روشنگری و پیشرفت ندارد.

گذشته از پراکندگی و دشمنی‌های درونی و رقابت‌های مذهبی و ملی کشورهای مسلمان و اسلامی و یکدست نبودن رویکرد مذهبی مسلمانان در هر جا، مشکل اصلی نگارش ما در فراموش کردن این است که همه قدرتی که به پدیده اسلامی می‌دهیم از ضعف و نادانی و واپس ماندگی بر می‌خیزد. بنیادگرایی و پرورشگاه آن، جهان اسلام، بهتر است بگوئیم جهان کشورهای با اکثریت مسلمان، هر روز و در هر جا در کشتاکش با نیرو‌های است که آن را می‌فرسایند و هیچ دفاع موثری در برابرشان ندارد. زمانی ما توانستیم گردانیدن نقطه ضعف را به نقطه قدرت فرمول بندی کرد. او در شهرهای بزرگ ضعیف بود پس رو به روستاهای واپس مانده آورد تا شهرها را در محاصره روستاها گیرد. ولی همان‌طور که پس از پیروزی خواست روستاها را مراکز تولید صنعتی کند (جهش بزرگ به پیش) که ویرانی کلی به بار آورد. نقطه ضعف در تحلیل آخر همان ضعف است.

جهان اسلام نه ماؤو دارد نه نقطه‌های ضعف بزرگ آن اجازه چنان استراتژی را می‌دهند. اسلام رزمجو militant که اکنون بزرگ‌ترین تهدید «نظامی» در جهان قلمداد می‌شود در میان خود مسلمانان با مقاومت و بیزارگی روزافزون روبروست؛ و در رویارویی با جهانی که در کار گشودن از فرینش و طبیعت ماده و نیروهای است که اجزای روز افزون اتم را برگرد هم تگه می‌دارد (روز افزون به معنی کشف اجزای تازه) چه به معنی کشف اجزای اتمی است، پس مطالب به هر کس راجع است، او طرف است. من بدون انجام این سه مطلب محاکمه نخواهم کرد. روز دیگر از طرف وزیر علوم اخطار شد که محاکمه موقوف!

جهان اسلام نه ماؤو دارد نه نقطه‌های ضعف بزرگ آن اجازه چنان استراتژی را می‌دهند. اسلام رزمجو militant که اکنون بزرگ‌ترین تهدید «نظامی» در جهان قلمداد می‌شود در میان خود مسلمانان با مقاومت و بیزارگی روزافزون روبروست؛ و در رویارویی با جهانی که در کار گشودن از فرینش و طبیعت ماده و نیروهای است که اجزای روز افزون اتم را برگرد هم تگه می‌دارد (روز افزون به معنی کشف اجزای اتمی است، پس مطالب به هر کس راجع است، او طرف است. من بدون انجام این سه مطلب محاکمه نخواهم کرد. روز دیگر از طرف وزیر علوم اخطار شد که محاکمه موقوف!

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۱)

(کیهان لندن شماره ۱۱۹۱)

ناشر

احمد احرار

اگر نسبت به اعلیحضرت و یا به شخصی دیگر و یا به وکلا بد نوشت باید مجازات هر یک معین شود و اگر معین نشود از این مذاکرات هیچ فایده نیست.

روزنامه را کافر و بی‌دین و واجب‌القتل قلمداد کرد. «روح‌القدس» بلافاصله توقیف شد و در مجلس شورای ملی نیز این اندازه تندروی مورد انتقاد سخت قرار گرفت: آقا میرزا حسین طیبی - در قسمت روزنامجات بایستی قدری دقت شود

بر اساس شکایت وزارت علوم، نخستین جلسه محاکمه سلطان‌العلمای خراسانی روز دوازدهم شوال ۱۳۲۵ هجری قمری (۱۲۸۶ شمسی) به ریاست حاجی صدق‌الملک در «محکمه جنایات» تشکیل شد. ادیب خلوت به وکالت از طرف وزارت علوم، مقاله مندرج در «روح‌القدس» را در پنج فقره قابل تعقیب و مشمول مجازات دانست. در خصوص فقره پنجم (اهانت به ذات اقدس ملوکانه) رئیس محکمه به مدیر روزنامه گفت «شما حق نداشته‌اید به آن رکاکت از ذات مقدس ملوکانه اسم ببرید. چنان

روزنامه را کافر و بی‌دین و واجب‌القتل قلمداد کرد. «روح‌القدس» بلافاصله توقیف شد و در مجلس شورای ملی نیز این اندازه تندروی مورد انتقاد سخت قرار گرفت: آقا میرزا حسین طیبی - در قسمت روزنامجات بایستی قدری دقت شود

مقاله تندی که در سیزدهمین شماره روزنامه «روح‌القدس» انتشار یافت و محمدعلی شاه را مستقیماً طرف خطاب و تعرض قرار داده بود، روابط دولت و دربار را با مطبوعات از آنچه بود تیره‌تر ساخت و به نخستین محاکمه مطبوعاتی در ایران منجر شد.

«روح‌القدس» را سید احمد سلطان‌العلمای خراسانی منتشر می‌کرد. او در مقالاتش مرز نمی‌شناخت و تندروترین روزنامه‌نگار دوران منتهی به کودتای محمدعلی شاه و بستن مجلس و استقرار استبداد صغیر بود که خودش نیز قربانی آن شد و همانند میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و ملک‌المتکلمین و قاضی ارداقی در باغ شاه به هلاکت رسید.

مقاله «روح‌القدس» با عنوان «نطق غیبی یا اشاره لاریبی» چنین آغاز می‌شد:

«مگر به گوش سلیمان ز من رساند باد»

«نصیحتی که در او خیر سلطنت باشد»

ای کاش در این مملکت یک شاه‌پرست پیدا می‌شد چند کلمه بدخواهی «روح‌القدس» را به شاه دادخواه می‌رسانید. ما را نه هوای سلطنت است و نه خیال وزارت. در حفظ وطن و حمایت هموطنان به‌جان بکوشیم و از حرف حق گفتن چشم نبوشیم. میان رعیت و بنده فرق است. اطاعت شهوات نفسانی بر بنده لازم است نه بر رعیت. زیرا که رعیت، بنده نیست و آزاد است، بلکه با خود شاه هم مساوی است. فقط حقوق پاسبانی شاه را باید پادشاه داشته باشد در صورتی که شاه هم به وظیفه شبانی و پاسبانی خود عمل کند.

گوسفند از برای چوپان نیست بلکه چوپان برای خدمت اوست

به دنبال این مقدمه، بحثی را درباره رابطه «سلاطین سابقه ایران با رعیت» پیش می‌کشد و می‌رسد به محمدعلی شاه: «چون سلطنت به اعلیحضرت رسید مال ملت تمام غارت شده غیر از جانی برای ملت باقی نمانده است... از هر گوشه دردمندی و از هر کناره‌آه مستمندی بلند است. خوب است قدری از مستی سلطنت به هوش آمده، چشم باز کرده، نظری به دولت خود و باقی دولت‌ها بنمائی. آیا تمام سلاطین عالم از وظیفه و شغل خود خارج شده مشغول قضایی گشته‌اند؟ آیا تمام ملل عالم مثل ملت بخت‌برگشته ایران اسیر ظلم و شهوات نفسانی پادشاه خود هستند؟ ندانم چه باعث شده که تمام ممالک رو به آبادی و وسعت خاک و ازدیاد نفوسند جز ایران که هر سال و ماه قطعه‌ای از خاکش قسمت دیگران، و نفوسش طعمه گرگان، و آبادیش مبدل به خرابی می‌شود... ندانم اعلیحضرت ما به تصور چه فایده، و خیال چه نتیجه، از مشروطیت سرپیچان و با رعیت دست در گریبان شده است... مگر ممکن نیست که داستان لوئی شانزدهم در این مملکت اتفاق بیفتد؟ مگر یقین نکرده که از خون فدائی نمره ۴۱ (اشاره به عباس آقای تبریزی قاتل اتابک) فدائی بزرگتر برای بزرگتر از کار آن فدائی (کشتن صدر اعظم) تولید شده و منتظر اتمام حجت است... اگر اعلیحضرت پادشاه را تقرب و خاندان او را به پیشخدمتی بیگانه شرف و افتخار است لیکن ملت ما را از رعیتی و تسلط خارجه نهایت ننگ و عار است و الا باغ مشروطیت که از دو ماه قبل آب نیاشامیده به‌نهایت تشنه شده وقت آن است که به‌توسط باغبان فدائی غیبی شاداب و سیر شده گله‌ها و ریاحین در باغ مشروطه شکفته شود...»

مقاله، جنجالی برانگیخت. سید علی آقا یزدی در مسجد شیخ عبدالحمین به منبر رفت و با زبانی تندتر از زبان روح‌القدس، به مشروطه و مشروطه‌طلبان تاخت و مدیر

Advertisement for 'Lah-e-Qods' (لکه اقدس) featuring a large calligraphic title and a list of authors and contributors.

که همه روزنامه‌نگارها این مطالب را می‌نویسند ولی این طور نسبت نمی‌دهند که از آن جمله نسبت قضایی است.»

رئیس مجلس (احتشام‌السلطنه): این روزنامجات چیست که می‌نویسند جز بدگویی! مثل این که وزیر داخله را سرازیر می‌نویسند. روزنامه باید افکار را توسعه بدهد. مرا می‌گویند معارف پرور و در این باب حسن ظنی به من دارند. تاکنون هیچ نگفتم. هرچه ملاحظه کردم نمی‌شود ساکت ماند.

در جلسات بعدی (روزهای دوازدهم و سیزدهم شوال) مدیر روزنامه به عذر کسالت حاضر نشد و پس از چند روز، چون حکم احضار وی صادر شده بود در محکمه حضور یافت و پاسخگویی را مشروط بدان دانست که اولاً محاکمه علنی باشد.

آقا میرزا ابوالحسن خان: روزنامه اگر بر ضد دین و دولت چیزی نوشت باید محاکمه شود.

حاج امام جمعه: حالا یک سال است مجازات بالمرة در این مملکت موقوف شده است. مثل این که سر بریدند او را. من می‌خواهم بدانم چیزی مقدس داریم یا نه؟ البته داریم و آن دین است، بعد از آن اعلیحضرت. البته باید روزنامه در مملکت باشد و آزاد هم باشد. نباید بالمرة توقیف شود ولی باید مجازات داده شود و مجازاتش هم باید معین باشد که اگر کسی نسبت به دین چیزی نوشت مجازاتش چیست. مجازات او توقیف نیست، چیز دیگر است و همچنین

حاج امام جمعه: حالا یک سال است مجازات بالمرة در این مملکت موقوف شده است. مثل این که سر بریدند او را. من می‌خواهم بدانم چیزی مقدس داریم یا نه؟ البته داریم و آن دین است، بعد از آن اعلیحضرت. البته باید روزنامه در مملکت باشد و آزاد هم باشد. نباید بالمرة توقیف شود ولی باید مجازات داده شود و مجازاتش هم باید معین باشد که اگر کسی نسبت به دین چیزی نوشت مجازاتش چیست. مجازات او توقیف نیست، چیز دیگر است و همچنین

«ادامه دارد»

زیبایی های مرز پر گهر

از خاک تا افلاک، «قلعه فلک الافلاک»



قلعه فلک الافلاک

قلعه‌های تاریخی در مرکز شهر خرم‌آباد در استان لرستان است. قلعه‌های فلک‌الافلاک با نام قلعه دوازده برجی هم شناخته می‌شود. قلعه فلک‌الافلاک بر فراز تپه‌ای مشرف به شهر خرم‌آباد و در نزدیکی رودخانه خرم‌آباد قرار گرفته و چشم‌گیرترین اثر تاریخی و گردشگری در شهر خرم‌آباد است. این بنا مربوط به دوره ساسانی است و با شماره ۸۸۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است.

در مورد تاریخ دقیق ساخت قلعه اطلاعاتی در دست نیست اما برخی شواهد تاریخی قدمت این قلعه را به دوره ساسانیان می‌رساند. ساسانیان شهری با نام «شاپورخواست» در حدود منطقه کنونی خرم‌آباد ساختند که بعدها ویران شد و در حدود سده هفتم هجری خرم‌آباد فعلی به جای آن بنا گردید. گمان می‌رود که قلعه فلک‌الافلاک همان دژ «شاپورخواست» باشد که در دوره ساسانی کاربرد حکومتی و نظامی داشته‌است. از قرن ششم هجری پس از ساخته شدن شهر جدید خرم‌آباد این قلعه نیز بنام خرم‌آباد معروف شد و احتمالاً نام فلک‌الافلاک در دوره قاجار به آن اطلاق شده‌است.

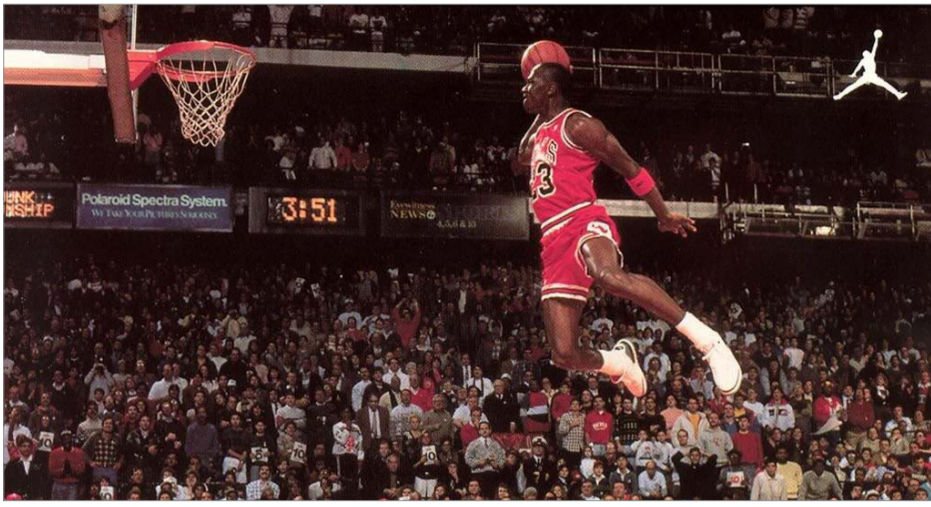
این قلعه به لحاظ موقعیت استراتژیکی خود در قرن چهارم هجری قمری به عنوان مقر حکومت آل حسنویه و گنجور در زمان آل بویه در آمد همچنین خزانه حکومتی خاندان بدر در قرن چهارم هجری و مقر حکومتی اتابکان لر کوچک و والیان لرستان در دوره صفویه تا قاجار و سرانجام پادگان نظامی و زندان سیاسی از مهمترین کاربردهای قلعه در گذشته محسوب می‌شود. این اثر ارزشمند در سال ۱۳۴۹ از ارتش به وزارت فرهنگ و هنر سابق واگذار و در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. در سال ۱۳۵۴ با راه‌اندازی موزه مردم‌شناسی و مفرغ‌های لرستان این بنا به موزه تبدیل شد. در سال‌های اخیر با مرمت نمای بیرونی و داخل قلعه موزه‌های باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، آزمایشگاه مرمت اشیاء، مرکز

فروش تولیدات فرهنگی و چاپخانه سنتی در این مجموعه فرهنگی تاریخی راه‌اندازی شده‌است. پس از آن که شاه عباس صفوی، در یک درگیری، شاهروردیخان را به قتل رساند و حکومت اتابکان لرستان را منقرض کرد، حسین خان را به حکومت لرستان منصوب کرد و به وی لقب والی داد و بدین ترتیب دور جدیدی از حکام محلی در تاریخ به نام والیان لرستان شکل گرفت که آخرین آنها غلامرضا خان والی نام داشت. در این دوران به مرمت زیارتگاهها و ایجاد باغها و تفرجگاهها توجه شد و آثار معماری قابل توجهی چون پل گپ خرم‌آباد و حمام حسین خانی به یادگار مانده‌است، و مسجد جامع خرم‌آباد نیز در این دوره به دستور سلطان حسین صفوی تعمیر شده‌است. با روی کار آمدن افشاریه نادرشاه افشار چندین بار به لرستان لشکرکشی کرده و با شورشیان لرستان از جمله مظفرعلی بیگ درافتاده‌است. مورخین این دوره در شرح مسافرتها و کشور گشاییهای نادر ذکری از قلعه فلک‌الافلاک به میان نیاوردند، شاید یکی از دلایل آن عدم اطلاق نام فلک‌الافلاک بر این دژ بوده‌است. به هر حال در عالم آرای نادری از قلعه‌های نام‌می‌برد که

مظفرعلی بیگ در آن متحصن شده و آن را به دوره طهمورث نسبت می‌دهد که در عالم آرای نادری ارتفاع برجهای آن را با برجهای فلک‌الافلاک برابر توصیف کرده‌است. محمد علی میرزا معروف به دولت‌شاه در سال ۱۲۳۷ هجری قمری به حکومت کرمانشاهان و لرستان منسوب شد. قلعه که تا این زمان به حالت نیمه مخروبه درآمده بود و فقط توسط شخصی به نام میرزا ابوطالب خان مرمت مختصری در آن صورت گرفته بود به دستور محمد علی میرزا مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت و دیوانخانه و سربازخانه را نیز در پایین قلعه احداث نمود.

در دوران پهلوی اول ساختمان‌هایی جهت اصطبل و سربازخانه و ستاد لشکر ۵ ارتش در محدوده حصار ۱۲ برجی احداث گردید که دو ساختمان از مجموعه ساختمانهای مذکور باقیمانده‌است و ساختمان دیگر که معروف به ساختمان اصطبل بود در سال ۱۳۷۸ توسط سپاه پاسداران تخریب گردید. همچنین دو ساختمان دیگر از مجموعه ساختمانهای مربوط به آن دوره در محدوده فعلی دانشگاه لرستان باقی مانده‌است.

پیدایش بسکتبال



زادگاه بازی بسکتبال آمریکا است. این بازی در اوایل پاییز سال ۱۸۹۱ میلادی توسط شخصی به نام جیمز نی اسمیت پایه ریزی و ابداع شد. اما، از قرن‌ها پیش در میان ساکنان نقاط مختلف قاره آمریکا، به ویژه آمریکای مرکزی و جنوبی انواعی از بازی و مسابقه رایج بوده که کم و بیش به بسکتبال شباهت داشته‌است.

جیمز نی اسمیت یک پزشک کانادایی بود که به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد و تابعیت آن کشور را گرفت. در سال ۱۸۹۱ یعنی زمانی که دکتر نی اسمیت در دانشگاه ورزش اسپرینگ فیلد (واقع در ایالت ماساچوست آمریکا) درس می‌داد، رئیس دانشگاه از او خواست ورزشی ابداع کند که دانشجویان بتوانند در فصل زمستان در سالن به آن بپردازند تا آمادگی جسمانی خود را برای پرداختن به مسابقات میدانی فوتبال، هاکی و بیسبال، در فصل بهار و تابستان حفظ کنند.

دکتر نی اسمیت پس از بررسی رشته‌های موجود ورزشی، دریافت که ورزش جدید باید: ● توپ در آن نقش داشته باشد. ● به صورت گروهی به اجرا در آید. ● اصل رقابت در آن رعایت شود. ● بر مهارت استوار باشد. ● هیچ گونه خشونت و برخوردهای سخت بدنی مبتنی نباشد.

در این حال، تیم مقابل باید بکوشد که مانع از انجام این کار شود و توپ را هم از چنگ حریف بریاید و تصاحب کند. نخستین مسابقه‌ای که به این ترتیب و به صورتی تجربی ترتیب یافت میان دو تیم ۹ نفره در کالج اسپرینگ فیلد بود و اولین گل تاریخ بسکتبال را هم یکی از بازیکنان به نام «ویلیام چپلیس» به سید انداخت. بعدها شخصی به نام «فرانک ماهان» با توجه به اینکه در زبان انگلیسی سید را بسکت (BASKET) و توپ را بال (BALL) می‌گویند، این ورزش را بسکتبال نامید. دکتر نی اسمیت، برای آنکه بازی بسکتبال خشن نشود، مقررات دقیقی برای آن به وجود آورد. با گذشت زمان قوانینی برای انجام بازی وضع شد. مثلاً تعداد بازیکنان هر تیم ۹ نفر تعیین گردید. سپس به ۷ نفر تقلیل یافت و بالاخره این تعداد به ۵ نفر کاهش یافت و تثبیت شد.

بسکتبال امروزی

امروزه با این که ورزش بسکتبال یکی از معروفترین و پرطرفدارترین ورزش‌های جهان است و تغییرات زیادی یافته‌است، هنوز اصول اساسی آن مانند زمان ابداع آن است.

حاصل این افکار و اندیشه‌ها ورزشی شد به نام بسکتبال که امروزه پس از سپری شدن بیش از یک قرن از اختراع آن، از پر طرفدارترین و هیجان

۸	۵				۶
	۷		۹		۵
۶		۵	۲		۷
	۵	۳	۷		۲
			۸		۵
		۱	۳	۷	۴
	۹	۶	۸		۱
		۸	۴	۵	۷
۴	۱			۵	۳

جدول اعداد
(سودوکو)

۱		۳			
	۲				
		۵			۶
۶		۲			
			۴		
				۶	۱

عمودی:

- از فلاسفه بزرگ آلمان در قرن هجدهم
- واحد پول کشوری است - رنگین
- درک - از عشایر ایران
- پایتخت کشوری است - موجودی افسانه‌ای
- عدل - از شهرهای کرمان
- او هم حرفه‌ای دارد - از وسایل نقلیه آبی
- دست - جواب «هوی» - علامت جمع
- از نویسندگان و داستانسرایان صاحب‌نام انگلیس در قرن نوزدهم
- میوه گرم‌زده - علامت جمع - داخل سر است
- آئینه عبرت
- بانوان - ایستایی و کساد

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

حل جدول شماره قبل

۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

افقی:

- از نوابغ عالم سینما
- حرفه‌ای است
- بهشت - مدخل - اسرار
- عددی است - قهرمان و یل
- مستغنی - رطوبت
- از اجرام آسمانی - واحد سنتی اندازه‌گیری وزن
- ولگرد - بخار متراکم - خاطر
- محل نیایش - واحد اندازه‌گیری سطح
- ندا و صدا - چوپان - عددی است
- از میوه‌ها - از هفت‌سین
- ناتنی نیست - بحری در شعر فارسی

جدول

عمودی:

- از جهانگشایان بزرگ تاریخ
- ظاهری - جبر - خجلت‌زده
- مستقیم - شهر و بندری معتبر در ایالت هاوایی
- از بازیهای سرگرم‌کننده - عقیده - دعوی باطل
- نظرات - ایفا - فرشته
- از نخست‌وزیران پیشین ایران
- سازش پنهانی - بیهوده
- گل - اشاره به دور - آدرس
- نخست‌وزیر جنجالی و پیشین فیلیپین - از ارتفاعات دامنه البرز و محل اسکی‌بازی
- افسوس و دریغ - از گلها - واحد پول کشوری است
- تکرار یک حرف - از ابزار و وسایل ورزشی - از حرکات آب دریا - بلندی
- از استادان عالیقدر، برجسته و پیشین جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و کارشناس صاحب‌نام بین‌المللی - نترس
- تفاله و شیرۀ چغندر - اخلاص و احترام - بی‌نیاز کردن
- نوعی حرکت اسب - کتاب مقدس زرتشتیان
- از اربابان - برتری‌ها

افقی:

- از هنرپیشگان برجسته، صاحب‌نام و قدیمی تئاتر ایران
- قسمت‌های پایانی - کشوری است
- حرفه‌ای است - تاقچه - از شهرهای ایران
- نوعی تشری - از حشرات موذی - سرپوشی است
- خواری و ذلت - هوس بانوان باردار
- او هم مقامی دارد پر مسؤلیت - از مربیان طراز اول و فقید آموزش و پرورش و پدر فوتبال ایران
- جدید - بخشی از منزل مسکونی - کوبک
- دامی است - بدهی - از شهرهای ایران - پسوند تشبیه
- جلگه‌های حاصلخیز در جنوب البرز - خدمتگزاران
- شناسا - رطوبت - از میوه‌ها
- هنرپیشه برجسته، قدیمی و صاحب نام تئاتر ایران - خرس - عددی است
- از شهرهای ایران - از چاشنی‌ها - سازمانی است بین‌المللی
- از نویسندگان و داستانسرایان برجسته و فقید معاصر ایران - تنگه
- سالن بزرگ - مرضی است
- از هنرپیشگان قدیمی و معروف سینمای ایران - ریاضی‌دان و فیلسوف معروف فرانسه در قرن هفدهم

نیمه خرداد ماه ۱۳۰۰ شمسی، قوام در چهل و چهار سالگی بر جایگاه قدرت و مسند صدارت بود. احمد شاه دو روز پس از عزل سید ضیاء شهبالدوله رئیس تشریفات سلطنتی را به زندان عشرت‌آباد که قوام در آن جا حبس بود فرستاد تا او را برای احراز مقام ریاست وزرایی به کاخ فرح‌آباد دعوت کند. رئیس تشریفات در بالاخانه آیین‌کاری عمارت کلاه فرنگی که روزگاری به انیس‌الدوله، سوگلی ناصرالدین شاه، تعلق داشت و اکنون محبس قوام بود با او ملاقات کرد و آن‌گاه به دیدار شاه رفتند. روز بعد با انتشار فرمان شاه مبنی بر «نظر» به حسن کفایت و خدمتگزاری جناب اشرف قوام‌السلطنه و امتحانات عدیده کافی که در این موقع در استقرار انتظامات مملکت، اعتماد همایون مارا به صداقت و دولتخواهی و شاهپرستی جلب نموده است...» به حکومت صد روزه روزنامه‌نگار جسوری که بنیاد قاجاریه را دستخوش مخاطراتی انکار ناپذیر ساخته بود، پایان داده شد.

در آستانه آزادی قوام از زندان، رضا خان، وزیر جنگ قدرتمند کابینه، با کلنل «گری» مقام عالی رتبه بریتانیا در تهران تماس گرفت و ضمن اعلام این امر که دولت سید ضیاء در حال سقوط است، نظرش را پیرامون جانشین او جویا شد. با توجه به محتوای گفتگویی که جریان داشت، رضا خان نه تنها تمایلی به انتصاب قوام نداشت، بلکه از فجوای کلامش چنین بر می‌آمد که خود را نامزد احراز چنین مقامی می‌دانست و نظر مقام انگلیسی را در این زمینه، هر چند به ایما و اشاره، پیرامون جانشین سید ضیاء جویا شده بود.

کلنل گری در جریان مذاکره با وزیر جنگ، که یک روز پیش از سقوط کابینه صورت گرفته بود، به او می‌گوید تنها کسی که قابلیت احراز چنین مقامی را داشت در زندان بسر می‌برد. او در مقابل واکنش رضاخان، که این امر را غیرممکن خوانده بود، چنین پاسخ می‌دهد: «این جا ایران است و چیزهای غیر مترقبه رخ می‌دهند. چرا او را آزاد نساخته و رئیس وزرایی نمی‌کنید؟» روز بعد، در پی سقوط دولت سید ضیاء، قوام با آزادی از زندان مأمور تشکیل کابینه می‌شود.

بی‌هیچ شبهه‌ای، انتخابی که بریتانیا پس از کودتای ۱۲۹۹، به اجبار یا اختیار، بدان روی آورده بود، بیش از آن که نشانه سرسپردگی یا سرپیچی و وابستگی یا استقلال بازیگران صحنه از سیاست‌های انگلستان باشد، بیانگر پذیرش این واقعیت بود که ایران به امنیت و اصلاحات نیاز داشت. امنیت و اصلاحاتی که بر نامنی و اغتشاش پایان بخشد و خطر کمونیسم را مرتفع سازد. از این منظر، در پی سقوط سید ضیاء، قوام تنها سیاستمداری بود که توانایی تشکیل دولتی نیرومند و مصمم به انجام اصلاحات را داشت و می‌توان گمان کرد که انگلستان نیز، با چنین محاسبه‌ای، موافقت خود را با انتصاب او اعلام داشته یا بدان تن داده بوده باشد.

قوام هنگام معرفی کابینه خطاب به نمایندگان مجلس چهارم گفت: «یک نظر به سرتاسر مملکت و مشاهده احوال عمومی به خوبی ثابت می‌نماید که دوره امرا و وقت سپری شده و روز سعی و عمل رسیده است. مشکلات کنونی و پیش‌آمدهای متنوعه کنونی را در میزان تجارب گذشته بسنجیم، خوب حس خواهیم کرد که بیش از هر وقت موافقت مجلس شورای ملی و هیات دولت لازم است تا با تولید مساعی و افکار به نتایج مطلوبه که دیر زمانی است ملت ایران از اصول مشروطیت انتظار داشته موفق گردیده، هر چه زودتر به اصلاح و تمیم خرابی‌ها شروع شود. آقایان نمایندگان محترم تصدیق می‌فرمایند که بهتر است در این موقع (از آن چه به مرام و آرزو شبیه است صرف نظر شده، نقشه در اصلاحات اتخاذ شود که به حال مملکت مفید و قابل اجراء باشد.»

آن چه قوام در آغاز ارائه برنامه دولت با نمایندگان مجلس در میان گذاشت، اساس نحوه تفکر او در رویارویی با دشواری‌های کشور و بیش از هر چیز چگونگی نگاهش به سیاست را تشکیل می‌داد. اصول مشروطیت برای او در همکاری

قوام السلطنه، مردی که نمی‌توان نادیده‌اش گرفت (۲)

احمد قوام، «قوام السلطنه» از آن جمله رجال سیاسی ایران در نیمه اول قرن بیستم محسوب می‌شود که زندگی آنان در خور بازنگری و بازنویسی است. به همین ملاحظه نیز، در سالهای پس از انقلاب اسلامی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، شماری از پژوهشگران به تحقیق در احوال قوام پرداخته و زندگی سیاسی او را موضوع کتابها و رسالات و مقالات متعدد قرار داده‌اند.

«در تیر رس حادثه» را می‌توان در شمار بهترین تحقیقات و تألیفات در این زمینه به شمار آورد. این کتاب، یک بررسی موشکافانه است درباره زندگی سیاسی قوام‌السلطنه از سوی نویسندگانی که در کارهای پیشین خود منحصرأ به جنبش چپ و چهره‌های چپ‌گرای ایران، به ویژه در کادر کنفدراسیون دانشجویی خارج از کشور نظر داشت. حمید شوکت، با تألیف «در تیر رس حادثه یا زندگی سیاسی قوام‌السلطنه» با دقت نظر و رعایت انصاف و بی‌طرفی به شرح زندگی و افت و خیزهای مردی همت‌گمارده که فرمان مشروطیت ایران به خط اوست، همچنان که نامه‌اش به محمدرضا شاه در مخالفت با تشکیل مجلس مؤسسان و دستکاری در قانون اساسی یک سند قابل اعتنای تاریخی محسوب می‌شود.

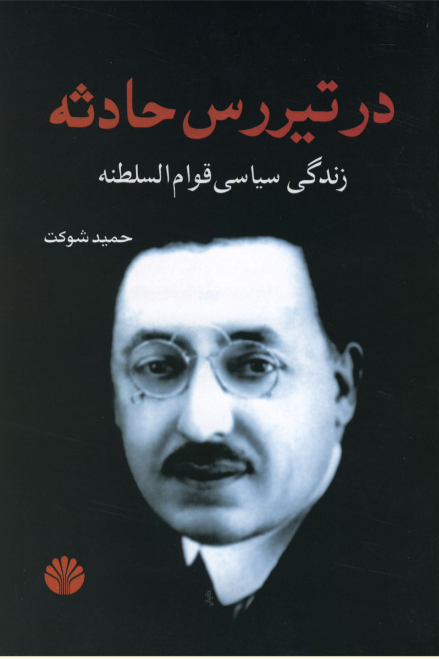
نقش ماهرانه قوام در فیصله مشکل آذربایجان به مجلس و دولت تحقق می‌یافت. اما در کارنامه سیاسی‌اش، چنان که در سالهای آتی نیز نشان داد، این سرانجام مجلس بود که می‌بایست در خدمت تحقق برنامه‌های دولت عمل می‌کرد. قوام ترجیح می‌داد هر گاه دولت و مجلس در مقابل یکدیگر قرار گیرند، دولت به اختیار حکومت کند و چه بسا بدون چنین رویارویی میان مجلس و دولت نیز چنین تمایلی وجود داشت، واقعیتی که از همان آغاز کار در ماجرای خلع سلاح مجاهدان در مجلس پیش کشیده شد و بعدها نیز در جریان کار شماری از دولت‌هایی که او ریاست آنها را بر عهده داشت به اجرا درآمد.

دلیل چنین تمایلی را می‌بایست به عواملی گوناگون منتسب دانست. نخست، تربیت سیاسی او که به رغم تمام پایبندی به نظم نوین برخاسته از حکومت قانون، به سنت و تربیت قاجاریه عجیب و آغشته بود. دیگر آن که، مبارزه پارلمانی از سابقه و تجربه‌ای برخوردار نبود و این، به ویژه در فقدان وجود احزابی متکی بر برنامه و قراردادهای اجتماعی، ایجاد توازنی معقول میان دولت و مجلس را با دشواری رو به رو می‌ساخت. مجلس و نمایندگان نیز گاه با سنت و سابقه‌ای مشابه، نه در خدمت مصالح عمومی، که بر پایه منافع شخصی و گروهی عمل می‌کردند و مانع تحقق اهداف خیرخواهانه هر دولتی بودند. اما در این میان، شاید آن چه بیش از هر چیز نقشی اساسی ایفا می‌کرد، همان نگاه او به نوعی از سیاست شماره می‌شد که جایی برای «مرام و آرزو» باقی نمی‌گذاشت. قوام استاد مسلم سیاست فارغ از ایدئولوژی، استاد مسلم پیش ساختن و پرداخته بود.

قوام در ارائه برنامه دولت خود به مجلس که از جهاتی بی‌شباهت به برنامه سیدضیاء نبود، بر سه نکته پای فشرده، برقراری نظم و امنیت، استفاده از منابع کشور از راه سپردن امتیاز به شرکت‌های بین‌المللی و تأسیس شرکت‌های داخلی، و حفظ مرزهای کشور و تشکیل ارتش منظم از راه استخدام مستشاران نظامی از کشورهای غیر همجوار. او اضافه کرد پس از ایجاد نظم و امنیت، بزرگ‌ترین نیاز مملکت «ایجاد و اصلاح وسایل ارتباطیه است» و از ضرورت ایجاد «راه آهن» که در دنیای امروز در حکم شرابین مملکت است سخن گفت. مقابله با فقر و بیکاری، اصلاحات مالی، جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و سازمان دادن به نظام مالیاتی که بر اساس آن «احتراز از تحمیل بر فقرا و ضعفا بیش‌تر از روی عدالت مجری گردد»، زمینه‌های دیگر سیاست دولت به شمار می‌آمدند. او مبارزه با بیکاری را یکی از اولویت‌های سیاست می‌دانست. اقدامی که علاج آن با «ازدیاد محصولات

تنهایی برای قرار دادن وی در عداد بازیگران نام‌آور سیاسی جهان در دوران بعد از جنگ دوم جهانی و آغاز جنگ سرد کفایت می‌کند.

در عین حال، قوام‌السلطنه سیاستمداری است که انواع تهمت‌ها را شنیده و از چپ و راست هدف شدیدترین حملات و بی‌رحمانه‌ترین خصومت‌ها قرار گرفته است. حمید شوکت در مقدمه کتاب خود، به این اتهامات سخت، تلخ و کوبنده «مخالفان از یکسو، و ستایش‌های فراوان موافقان از سوی دیگر اشاره دارد و می‌نویسد: «شماری او را به عنوان سیاستمداری در دستیابی به هدف از هیچ وسیله‌ای روی گردان نبود، به عنوان سیاستمداری که خمیرمایه درونی‌اش بر دو رویی و تزویر استوار بود، می‌شناسند. شماری دیگر از استقامت و شجاعتش یاد کرده و درایت و تدبیرش را ستوده‌اند. سیاستمداری که آگاهی طبقاتی‌اش خدشه‌ناپذیر، مین پرستی‌اش نمونه‌وار، و شگرد دیپلماتیکش چون گوهری ناب بی‌همانند تلقی شده است، گوهری که دستمایه پیروزی ملتی ضعیف و تحقیر شده در نبرد نابرابر با خصمی دیرین گردید. او در پیشبرد این نبرد همواره نگاهی نبخه‌گرایانه به سیاست داشت. نگاهی که در آن چندان جای اعتباری برای بسیج مردم در میان نمی‌بود. او کرنش در برابر تمایلات خفته توده



و غوغای عوام را بر نمی‌تایید». ما، چند فصل از کتاب «در تیر رس حادثه» را که به مهمترین برخوردهای قوام‌السلطنه در زندگی سیاسی او اختصاص دارد برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که در چند شماره به نظراتان خواهد رسید.

نخستین قدم در راه جذب سرمایه‌های آمریکایی به ایران قوام السلطنه، از زندان مستقیماً به کاخ نخست‌وزیری رفت و برنامه بلند پروازانه‌ای را با هدف رهاندن اقتصاد و سیاست ایران از سلطه انحصاری روسیه و انگلستان به اجرا گذارد

دشواری‌هایی روبه رو بود. قراردادهای اسارت بار گذشته و قدرت کارگزاران دولت‌های بیگانه در سرنوشت ایران، فضای را ایجاد کرده بود که هر اقدامی برای رابطه با کشورهای دیگر با تردید نگریسته شود و گاه در خصومتی نابخردانه، معنا و مفهوم خود را در ستیز با بیگانگان باز یابد.

سخنان شیخ‌الاسلام، نماینده اصفهان در مجلس، بیان‌اشکار چنین ستیزی بود: «... در تمام کله‌ها فرو برده بودند که ایرانی وحشی و سایرین متمدن هستند. ایرانی جاهل و سایرین عالم هستند».



هستند. ایرانی غیرامین و سایرین امین هستند. این حرف‌ها را می‌زدند و شاید بسیاری از ایرانی‌های منورالفکر هم خیال صحت می‌کردند... مستشاران خارجی یعنی مالک‌الرقابانی مطلق. یعنی فعالان مایشاء، یعنی دست‌های خارجی، یعنی آشوب‌طلبان بر ضد مملکت. بالاخره عینه، ابوموسی اشعری کسانیکه ریشه استقلال ما را از کنده دم آب می‌دهند و اسم ما را از صفحه روزگار بر می‌اندازند... امروز روح ایرانی‌ت از جلب مستخدمین خارجه بیزار است. باید هم بیزار باشد. ایرانی مسلمان است. در زمان خلافت عمر بن خطاب رضی‌الله عنه، ابوموسی اشعری والی مصر بود. یک نفر نصرانی را در مالیه استخدام نمود.

خلیفه نوشت: «مات‌النصرانی، ای ابوموسی، دست از جانم بردار، من نمی‌گذارم نصرانی در مالیه مسلمین مستخدم باشد. فرض کن امشب نصرانی مرد، فردا چه خواهی کرد؟ آن کار را امروز بکن.»

به گفته شیخ‌الاسلام، مستشار نه علاج درد، که خود درد بود و تا توصیفی

در تیر رس حادثه

زندگی سیاسی قوام السلطنه

حمید شوکت



بیاورند، چرتکه می‌اندازد و آن حساب را حل می‌کند. حساب قند بلژیک بیاورند، با چرتکه حل می‌کند. حساب قماش منجستر را می‌آورند، با چرتکه حل می‌کند... همین قسم ماها باید هر مطلبی که عنوان می‌شود، دین را در نظر بگیریم و آن قضیه را در سایه دیانت حل کنیم و این مطلب در همین مجلس شورای ملی هم سابقه دارد. در دولت مشروطه، موسسه‌ای بالاتر از مجلس شورای ملی نیست. وقتی می‌خواستند مجلس را مفتوح کنند، قرآن را گذارده‌اند و دو آیه را که دلالت می‌کرده است بر صحت شورا. «شیخ‌الاسلام تکیه بر دیانت را نه «حربه‌ای» در توجیه بیان‌اتش، بلکه نشان آزادی عقیده که آن را از «اصول مسلم» می‌خواند، به شمار می‌آورد. اصولی که خود نشان از چنین استدلالی استوار بود. این سیاستمدار عالیقدر، بیسمارک می‌گوید: «ایران اداره نمی‌شود، مگر در سایه اقتدار مذهبی.»

امتیاز نفت شمال

در گیر و دار مباحثاتی که پیرامون استخدام مستشاران خارجی جریان داشت، انتشار خبر واگذاری امتیاز نفت شمال به کمپانی استاندارد اوپل که طی جلسه‌ای سری به تصویب مجلس رسیده بود، جهان دیپلماتیک را با شگفتی رو به رو ساخت. قوام هر چند در جریان ارائه برنامه دولت به مجلس، اعلام داشته بود که برای پیشبرد اصلاحات، «یعنی به کار انداختن منابع ثروت و سایر اصلاحات نافع، تاگزیر از توسل به منابع ثروت خارجی هستیم و دولت در این باره مشغول مطالعاتی است که در موقع خود، لوائح آن را به مجلس شورای عالی تقدیم خواهد نمود»، با این همه، بی‌آن داشت که مبدا کارگزاران سیاست انگلیس و شوروی به موضوع بی‌برند و کوشش‌هایش را در تحقق برنامه‌ای که در پیش داشت عقیم گذارند. وسواس فوق‌العاده قوام در پنهان نگاه داشتن این اقدام چنان بود که حتی نمایندگان مجلس نیز، جز آنان که «محرّم» بودند، خبری از ماجرا نداشتند.

سام آبان ماه ۱۳۰۰ شمسی، طرح چهار ماده‌ای دولت برای واگذاری امتیاز به کمپانی استاندارد اوپل در مجلس مطرح شد. قوام اعلام داشت می‌خواهد این «ثروت خداداد بیش از این در قعر زمین مدفون و مستور نماند و مورد استفاده مملکت گردد.» او در دفاع از طرح خود گفت: «یکی از موارد مهمه پروگرام دولت، استخراج منابع ثروت مملکت است که به این وسیله موجبات ازدیاد منافع عمومی و تکثیر عایدات دولت و ترفیه حال اهالی فراهم شده، ضمناً قدرانی می‌کنیم، نسبت به ارامنه برای عده کثیری از اشخاص که فعلاً برای اعاشه خود، وسیله‌ای جز توسل به دواپر دولتی ندارند، تهیه شغل و کار شده باشد... آن چه را که دولت برای سعادت مملکت و رفاه عامه به انجام مقاصد مقدم می‌داند، موضوع استخراج معادن و جلب سرمایه‌های خارجی است تا به وسیله آن، منابع ثروت مملکت به جریان افتاده، اوضاع اقتصادی رو به بهبود گذارد.»

طرح دولت، پس از بحث و شور، نظر به اهمیتی که از نظر سیاسی و اقتصادی داشت، در اختیار کمیسیون‌های خارجه، فوائد عامه و تجارت مجلس قرار گرفت. کمیسیون نیز پس از ارزیابی از جوانب گوناگون طرح و افزودن ماده‌ای به آن، آن را به شور نمایندگان گذارد. نصرت‌الدوله فیروز، مخبر کمیسیون، هنگام ارائه گزارش، در پاسخ به اظهارات حاج شیخ اسدالله و نگرانی‌هایی که ابراز شده بود، اعلام کرد که این امتیاز نه به دولت آمریکا، بلکه به یک شرکت آمریکایی تعلق می‌گیرد.

اعتبار رئیس دولت که بر ناآرامی‌هایی چون مسأله خراسان پایان بخشیده و خطر تجزیه را مرتفع ساخته بود، و زنهای سنگین در کسب حمایت مجلس از طرح کابینه به شمار می‌آمد، اعتباری که پشتیبانی رضاخان، وزیر جنگ قدرتمند، و مصدق، وزیر خوشنام و پر کار مالی، پشتوانه آن بود. تا آن جا که برخی از نمایندگان، با وجود اعتراض به نحوه طرح پیشنهاد و فوریتی که دولت برای آن قایل شده بود، آن را ضرورتی غیر قابل انکار شمردند و همان روز از تصویب مجلس گذراندند.

«دنباله دارد»



کوچ بنفشه‌ها... مهر رضا شفیعی کدکنی

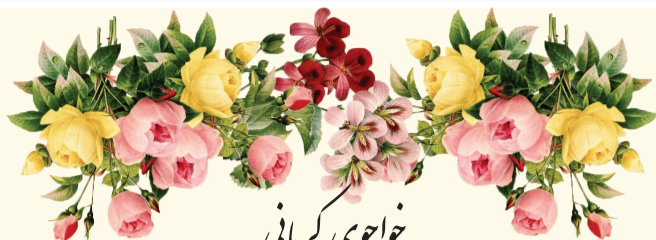
در روزهای آخر اسفند
کوچ بنفشه‌های مهاجر
زیبست
در نیم‌روز روشن اسفند
وقتی بنفشه‌ها را از سایه‌های سرد
در اطلس شمیم بهاران
با خاک و ریشه
می‌هن سیارشان
در جعبه‌های کوچک چوبی
در گوشه‌ی خیابان می‌آورند
جوی هزار زمزمه در من
می‌جوشد
ای کاش
ای کاش آدمی وطنش را
مثل بنفشه‌ها
در جعبه‌های خاک
یک‌روز می‌توانست
همراه خویش ببرد هر کجا که خواست
در روشنای باران
در آفتاب پاک



فریدون مشیری

بوی گل نرگس؟
- نه،

که بوی خوش عید است!
شو پنجره بگشا، که نسیم است و نوید است.
رو خار غم از دل بکن، ای دوست،
که نوروز هنگام درخشیدن گل‌های امید است.
بر لاله از برف برون آمده بنگر،
چون روی تو، کز بوسه من سرخ و سپید است.
با نقل و نبیدم نبود کار، که امروز
روی تو مرا عید و لب‌ت نقل و نبید است.
گر با دل خونین، لب خندان پیسندی
با من بزن این جام، که ایام، سعید است!
بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
شاخه‌های شسته، باران خورده، پاک
آسمان آبی و ابر سپید-برگهای سبز بید
عطر نرگس، رقص باد
نغمه و بانگ پرستوهای شاد
خلوت گرم کبوترهای مست
نرم نرمک میرسد اینک بهار
خوش بحال روزگار ...
خوش بحال چشمه‌ها و دشتها
خوش بحال دانه‌ها و سبزه‌ها
خوش بحال غنچه‌های نیمه‌باز
خوش بحال دختر میخک که میخندد به ناز
خوش بحال جان لبریز از شراب
خوش بحال آفتاب ...
ای دل من، گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی‌پوشی به کام
باده رنگین نمی‌نوشی ز جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می‌که می‌باید تهی است
ای دریغ از «تو» اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از «من» اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از «ما» اگر کامی نکیریم از بهار ...
گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
هفت رنگش میشود هفتاد رنگ



خواجوی کرمانی

عید آمد و آن ماه دل افروز نیامد
دل خون شد و آن یار جگر سوز نیامد

نوروز من از عید برون آمدی از شهر
چونست که عید آمد و نوروز نیامد

مه می طلبیدند و من دلشده را دوش
در دیده جز آن ماه دلافرز نیامد

آن ترک ختائی بچه آیا چه خطا دید
کامروز علی رغم بداموز نیامد

خورشید چو رسمست که هر روز برآید
جانش هدف ناوک دلدوز نیامد

تا کشته نشد در غم سودای تو خواجو
در معرکه‌ی عشق تو پیروز نیامد



حافظ شیرازی

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این باد از مدد خواهی چراغ دل برافروزی

چو گل‌گر خردهای داری خدا را صرف عشرت کن
که قارون را غلط‌ها داد سودای زراندوزی

ز جام گل دگر بلبل چنان مست می‌لعل است
که زد بر چرخ فیروزه صغیر تخت فیروزی

به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
به گلزار ای کز بلبل غزل گفتن بیاموزی

چو امکان خلودای دل در این فیروزه ایوان نیست
مجال عیش فرصت دان به فیروزی و بهروزی

طریق کام‌بخشی چیست ترک کام خود کردن
کلاه سروری آن است کز این ترک بردوزی

سخن در پرده می‌گویم چو گل‌از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج‌روزی نیست حکم میر نوروزی

ندانم نوحه قمری به طرف جو بیاران چیست
مگر او نیز همچون من غمی دارد شبانروزی

می‌ای دارم چو جان صافی و صوفی می‌کند عیبش
خدایا هیچ عاقل را مبادا بخت بد روزی

جدا شد یار شیرینت کنون تنهانشین ای شمع
که حکم آسمان این است اگر سازی و گرسوزی

به عجب علم نتوان شد ز اسباب طرب محروم
بیا ساقی که جاهل را هنیت می‌رسد روزی

می‌اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش
که بخشد جرعه جامت جهان را ساز نوروزی

نه حافظ می‌کند تنها دعای خواجه تورانشاه
ز مدح آصفی خواهد جهان عیدی و نوروزی

جنابش پارسایان راست محراب دل و دیده
جبینش صبح خیزان راست روز فتح و فیروزی



سعدی شیرازی

رسید موکب نوروز و چشم فتنه غنود
درود باد بر این موکب خجسته، درود

به کتف دشت یکی جوشنی است مینا رنگ
به فرق کوه یکی مغفری است سیم اندرود

سپهر گوهر بارد همی به مینا درع
سحاب لال باشد همی به سیمین خود

شکسته تاج مرصع به شاخک بادام
گسسته عقد گهر بر ستاک شفتالود

به طرف مرز بر آن لاله‌های نشکفته
چنان بود که سر نیزه‌های خون‌آلود

به روی آب نگه کن که از تپاول باد
چنان بود که گه مسکنت جبین یهود

صنیع آزر بینی و حجت زردشت
گواه موسی یابی و معجز داوود

به هرکه درنگری، شادایی پزد در دل
به هرچه برگذری، اندهی کند بدرود

یکیست شاد به سیم و یکیست شاد به زر
یکیست شاد به چنگ و یکیست شاد به رود

همه به چیزی شادند و خرم‌اند و لیک
مرا به خرمی ملک شاد باید بود



دقیقی مروزی

برافکند ای صنم ابر بهشتی
زمین را خلعت اردیبهشتی

بهشت عدن را گلزارماند
درخت آراسته حور بهشتی

جهان طاوس گونه گشت دیدار
به جایی نرمی و جایی درشتی

زمین برسان خون آلوده دیبا
هوا برسان نیل اندوده مشتی

بدان ماند که گویی از می و مشک
مثال دوست بر صحرا نبشی

ز گل بوی گلاب آید از آن سان
که پنداری گل اندر گل سرشتی

به طعم نوش گشته چشمه آب
به رنگ دیده آهوی دشتی

چنان گردد جهان هزمان که گویی
پلنگ آهو نگیرد جز به کشتی

بتی باید کنون خورشید چهره
مهی کو دارد از خورشید پشتی

بتی رخسار او هم‌رنگ یاقوت
مئی برگونه جامه کنشتی

دقیقی چارخصلت برگزیدست
به گیتی در زخوبیها و زشتی

لب بیجاده رنگ و ناله چنگ
می چون زنگ و کیش زرد هشتی



ایرج مصباحزاده



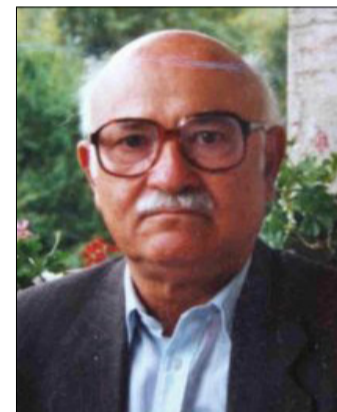
ایرج مصباحزاده روز پنجشنبه سوم نوامبر ۲۰۱۶ (۱۳ آبان ۱۳۹۵) در مرکز بیماری‌های سرطان بیمارستان اندرسون در شهر هوستون، تگزاس، در آمریکا درگذشت.

ایرج مصباح زاده در سال ۱۹۴۷ در تهران متولد شد. او پسر ارشد دکتر مصطفی مصباحزاده بنیانگذار و مدیر موسسه انتشاراتی کیهان بود.

ایرج پس از گرفتن دیپلم از دبیرستان «هدف» برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در دانشگاه واشنگتن دی سی مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۹۷۲ در رشته علوم سیاسی دریافت کرد. او سپس در سال ۱۹۷۴ مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم ارتباطات از دانشگاه بوستون نیز دریافت نمود. ایرج مصباحزاده پس از پایان تحصیلات خود به میهن عزیزش ایران بازگشت و در کنار پدر به عنوان معاون مدیر موسسه عظیم کیهان به کار مشغول شد. او در عین حال مدیریت کیهان بین‌المللی را که یکی از روزنامه‌های معتبر انگلیسی‌زبان در خاورمیانه بود را نیز بر عهده داشت. علاوه بر نظارت بر انتشار کیهان بین‌المللی، ایرج مسوولیت نظارت بر فعالیت‌های انتشاراتی موسسه بزرگ

کیهان را تا سال ۱۹۷۹ عهده‌دار بود. ایرج شخصیتی آرام و گرم داشت. خانواده و دوستانش او را می‌ستودند و در میان آشنایان و همکاران همواره مورد احترام بود. او حدود ۲۰ سال در شهر پرهیاهوی نیویورک زندگی کرد و سپس آنجا را به قصد کالیفرنیا ترک گفت تا در کنار پدر و مادرش زندگی کند که در آخرین سال‌های عمر از پاریس به آنجا کوچ کرده بودند. او سه سال پیش به شهر هوستون در ایالت تگزاس نقل مکان کرد تا نزدیک دخترش میترا و دامادش مایکل و همچنین دوستان و آشنایان قدیمی خود باشد.

پروفسور سیف‌الدین نجم‌آبادی،

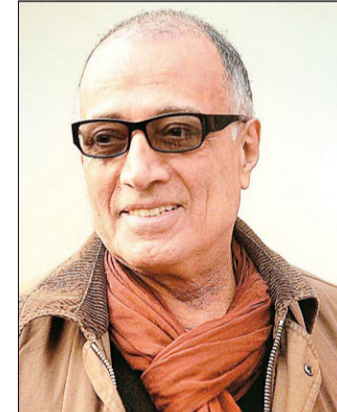


پروفسور سیف‌الدین نجم‌آبادی، استاد برجسته ایران‌شناسی در دانشگاه «هایدلبرگ» آلمان و از پژوهشگران شرق‌شناس در سن ۹۴ سالگی درگذشت. گرچه آفتاب عمر نجم‌آبادی فقید، زاده‌ی شهرستان ساوجبلاغ، در ۲۲ مهر غروب کرد، اما پیکر او در سکوت خبری دور از وطن اول آبان‌ماه در همان شهر هایدلبرگ به خاک سپرده شد.

خبرگزاری ایسنا در شرح مختصری از زندگی این پژوهشگر فقد نوشته وی در سال ۱۳۲۰ دیپلم خود را از مدرسه آلمانی‌ها گرفت و سال ۱۳۳۰ در رشته کارشناسی اسلام‌شناسی و ادبیات از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. پس از دریافت بورسیه از سازمان تبادلات آکادمیک «آلمان داد» راهی آلمان شد و تحصیلات خود در مقطع کارشناسی و ارشد را آغاز کرد. پس از تحقیق و پژوهش در زمینه‌های اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی و هندشناسی در سال ۱۳۳۵، پایان‌نامه دکترای خود را با

موضوع «زرتشت» آغاز کرد. او پس از گرفتن مدرک دکترای خود در سال ۱۳۴۶ به عنوان استاد در رشته زبان‌شناسی مشغول به تدریس بود و پس از آن بار دیگر راهی آلمان شد و در دانشگاه فرایبورگ و هامبورگ به عنوان استاد میهمان در شاخه‌های شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی به تدریس پرداخت.

عباس کیارستمی



عباس کیارستمی، کارگردان سرشناس سینمای ایران که از مدتی پیش بیمار بود، روز دوشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۵ در پاریس درگذشت او از چهره‌های شناخته شده سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی بود و دستاوردهای ارزنده‌ای در کارنامه حرفه‌ای خود داشت. از آثار مهم او می‌توان به «خانه دوست کجاست»، «کلوزآپ»، «زیر درختان زیتون»، «طعم گیلان»، «باد ما را خواهد برد» و «کپی برابر اصل» اشاره کرد.

عباس کیارستمی در سال ۱۹۹۷ با فیلم «طعم گیلان» برنده نخل طلای جشنواره سینمایی کن شد، او پنج بار نیز نامزد دریافت این جایزه شده بود. او تنها ایرانی بود که این جایزه را کسب کرد.

عباس کیارستمی دارای لیسانس

منصور پورحیدری



منصور پورحیدری بازیکنان پیشین تیم فوتبال تاج و از سرمربیان تیم استقلال بعد به علت ابتلا به سرطان، در سن ۷۱ سالگی درگذشت.

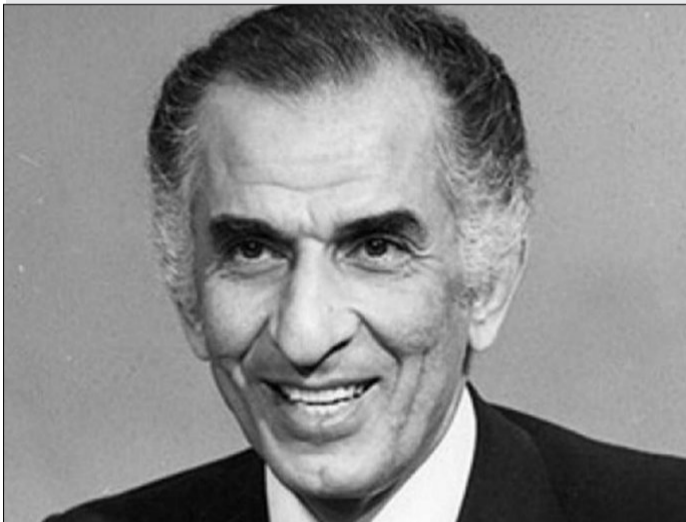
تیم فوتبال استقلال با مربیگری پورحیدری در سال ۱۳۷۰ موفق به کسب عنوان قهرمانی در آسیا شد. پیش از این تیم‌های تاج در سال ۱۳۴۹ و تیم پاس در سال ۱۳۷۱ موفق به کسب عنوان قهرمانی آسیا

شدند. پورحیدری در دوران قهرمانی تیم تاج نیز عضو این تیم بود. از دیگر افتخارات او سرمربیگری تیم ملی فوتبال ایران و قهرمانی در رقابت‌های آسیایی سال ۱۹۹۸ بود. پُست پورحیدری دفاع راست بود و ۹ سال در تیم تاج بازی کرد و در کنار با این تیم در سال ۱۳۴۹ عنوان قهرمانی باشگاه‌های آسیا را کسب کرد.

به یادماندگان

در سال ۱۳۹۵ نیز شماری از شخصیت‌های پیشین کشوری و لشکری، فعالان بخش صنعت و تجارت، استادان ایرانی دانشگاه‌های داخل و خارج کشور، چهره‌های سرشناس عرصه هنر، ادبیات، سینما و تأثر در ایران و دیگر نقاط جهان، روی در نقاب خاک کشیدند. اگر چه ذکر نام همه آنان مقدور نیست ولیکن **کیهان لندن** به همان میزان که مقذور است به رسم دیرین، یاد این انسان‌های سختکوش، فرهیخته، وطن‌پرست را گرمی می‌داند و با استفاده از فرصت، به بستگان و دوستان آنان تسلیت می‌گوید.

جمشید آموزگار



دکتر جمشید آموزگار در سال ۱۳۰۲ خورشیدی چشم به جهان گشود. او یکی از چهار فرزند حبیب‌الله آموزگار (جهانگیر، جمشید، کوروس و هوشنگ) بود که پدرشان، مؤلف لغت‌نامه‌ی موسوم به «فرهنگ آموزگار» و بیست و چند جلد کتاب دیگر، در شمار شخصیت‌های قضایی و فرهنگی کشور قرار داشت و نیز در عالم سیاست از روزنامه‌نگاری شروع کرد و به وزارت فرهنگ و ستاوتوری رسید.

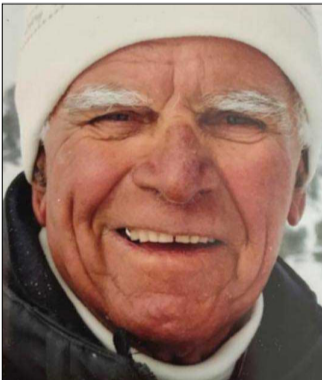
جمشید آموزگار، پس از پایان تحصیلات در دانشگاه تهران، به آمریکا رفت و در دانشگاه «کرنل» به تحصیل ادامه داد. در سال ۱۳۳۰ با درجه فوق لیسانس در رشته بهداشت و درجه‌ی دکترای در رشته مهندسی هیدرولیک به ایران بازگشت. مدتی رئیس اداره‌ی مهندسی آژانس عمران بین‌المللی بود و با اصل ۴ همکاری داشت. در سال ۱۳۳۴ دکتر جهانشاه صالح وزیر بهداری کابینه‌ی علاء او را به معاونت این وزارتخانه برگزید که آغاز فعالیت‌هایش در عرصه‌ی سیاسی بود.

دکتر جمشید آموزگار در سال ۱۳۳۷ در کابینه‌ی دکتر اقبال ابتدا وزیر کار و سپس وزیر کشاورزی شد. در کابینه‌ی حسنعلی منصور و سپس در دولت هویدا وزارت بهداری را برعهده داشت. در نخستین ترمیم کابینه‌ی هویدا، از وزارت بهداری به وزارت دارایی انتقال یافت و قریب ۹ سال این وزارتخانه را اداره می‌کرد.

در اوایل سال ۱۳۵۳ دکتر جمشید آموزگار وزارت کشور را به‌عهده گرفت و با تشکیل حزب «ستاخیز» در این زمان، دبیرکلی حزب نیز بر وظایف وی افزوده شد. در این زمان، جمشید آموزگار به‌عنوان شخصیتی کارآمد و پاکدامن شناخته شده بود. به‌همین سبب وقتی اوضاع و احوال سیاسی اقتضا کرد دولتی جدید روی کار آید و تحولی در اداره امور کشور انجام گیرد، قرعه فال به‌نام وی اصابت کرد.

دکتر جمشید آموزگار در دی ماه سال ۱۳۵۷ ایران را ترک گفت و به آمریکا رفت و با تأسیس یک دفتر مشاوره انترژی در واشنگتن، زندگی خود را اداره می‌کرد. وی روز ۷ مهرماه ۹۵ دور از خاک کشوری که سربلندی آن را آرزو داشت، درگذشت.

کاظم گیلانپور



کاظم گیلانپور همکار قدیمی و سردبیر پیشین مجله کیهان ورزشی روز چهاردهم فوریه سال ۲۰۱۷ در «آندورا» جایی که سال‌ها به تعلیم ورزش اسکی مشغول بود چشم از جهان فرو بست.

از زنده‌یاد کاظم گیلانپور باید به عنوان یک کیهانی تمام‌عیار که بسیاری از ویژگی‌های انسانی دوست‌داشتنی را داشت نام برد. او همکاری آرام، متین، موقر و مهربان و در عین حال بسیار جدی، پرکار، دقیق، وظیفه‌شناس، مبتکر و صاحب معلومات و اطلاعات

به شمار می‌رفت.

گیلانپور مسابقات دوچرخه‌سواری دور ایران را که از سوی موسسه کیهان برای نخستین بار در کشور برگزار شد اداره کرد. او بعد از انقلاب به لندن مهاجرت نمود و با همسر و دو فرزندش لایلا و کاوه در منطقه هاتفوردشایر اقامت گزید و سپس در کیهان لندن سرگرم کار شد. وی سواى تنظیم صفحه ورزش، مسؤلیت تحریریه لندن را هم به‌عهده داشت.

استاد گیلانپور سبک جدیدی در نگارش مطالب ورزشی که تلفیقی از خبر و تحلیل بود، در مطبوعات ورزشی ایران حوال داد که در آن زمان یک نوآوری به حساب می‌آمد. نشریه کیهان ورزشی در آن ایام با بهره‌گیری از چهره‌هایی مانند کاظم گیلانپور، دکتر صدرالدین الهی، مهدی اسداللهی، هنریک ترمز، مهدی دری و دیگران به الگویی برای نشریات بعدی ورزشی در ایران تبدیل شد.

زنده‌یاد کاظم گیلانپور هنگام درگذشت ۹۵ سال داشت.

امیر پورشجاع



پیش از ظهر روز یکشنبه ۲۹ ماه می ۲۰۱۶ برابر ۹ خرداد، شاهد حضور شمار بزرگی از ایرانیان ساکن منطقه متروپولیتن واشنگتن بود که برای شرکت در آیین خاک‌سپاری شادروان امیر پورشجاع، از اعضای وزارت دربار شاهنشاهی و عضو حزب مشروطه ایران شاخه واشنگتن، گردآمده بودند تا به میهن‌پرستی صدیق، شاه‌دوستی یگانه، مبارزی خستگی‌ناپذیر و انسانی شریف ادای احترام نمایند.

در این مراسم که از ساعت ۱۰ صبح در تالار تجمع ناشنال مموریال پارک آغاز گردید، اعلیحضرت شه‌پیار ایران شاهزاده رضا پهلوی و همسرشان

تیمسار کمال میرحبیب‌اللهی



تیمسار کمال میرحبیب‌اللهی در بهمن ۱۳۰۸ خورشیدی در خانواده‌ای آذربایجانی در استارا زاده شد. دوره ابتدایی را در زادگاهش و دوره متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۱۳۲۷ دیپلم متوسطه خود را از دبیرستان دارالفنون دریافت کرد و پس از تحصیل در دانشکده افسری به نیروی دریایی پیوست.

پس از آن تیمسار میرحبیب‌اللهی یک دوره آموزش‌های نیروی دریایی را در انگلستان از سر گذراند و چند سال بعد در ۱۹۶۹ دوره فرماندهی نیروی دریایی آمریکا در نیویورک به پایان رساند و در همان سال رئیس ستاد نیروی دریایی ایران شد. از آن پس تا سال ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست، تیمسار حبیب‌اللهی مراحل ترقی نظامی را طی کرد و سرانجام در سال ۱۳۵۴

به فرماندهی نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی ایران رسید و تا پس از انقلاب در این مقام ماند. وی که از امضاکنندگان اعلامیه بی‌طرفی ارتش در انقلاب سال ۵۷ بود تا مدتی پس از انقلاب فرماندهی این نیرو باقی ماند و سپس مانند بسیاری از پایوران رژیم سابق کنار گذاشته شد.

محمد اوشال



هنری کاخ های جوانان، رهبر ارکستر دربار، یکی از پایه‌گذاران استودیو وطنین.

محمد اوشال در موفقیت و شهرت خوانندگانی همچون فرهاد، گیتی، گوگوش، داریوش و ابی سهم بزرگی داشت. متاسفانه این خوانندگان در سال‌های دوری از وطن و حتی در دوران هفت سال بیماری او هیچ گونه

یادی از او نکردند. محمد اوشال یک سال بعد از انقلاب از ایران خارج شد. اول به وین رفت و بعد از شش ماه برای همیشه ساکن لندن شد. او بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۱۷ ژانویه ۱۰۷ در سن ۷۵ سالگی در لندن به سفر ابدی رفت.

تاریخ موسیقی ما، ارکستراسیون‌های درخشان او را که نسل از پی نسل با ترانه‌های «خونه»، «خاکستری»، «یه نفر یه روز میاد» ... همراهی شده‌اند، فراموش نخواهد کرد.

محمد اوشال بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشکده افسری با درجه ستوان دومی در رشته موزیک به خدمت ارتش شاهنشاهی درآمد.

او کار موسیقی را از وزارت فرهنگ و هنر با رهبری ارکستر فولکلوریک آن وزارتخانه آغاز کرد. دیگر فعالیت‌های او در زمینه هنر موسیقی عبارتند از: استاد فوق برنامه موسیقی دانشگاه تهران، بنیانگذار خانه هنر تهران، مشاور

صفا حائری



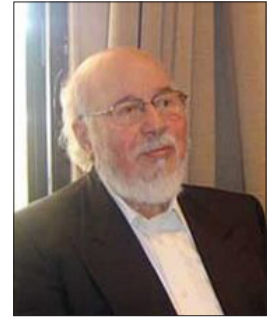
برای نشریات ایرانی و خارجی به ویژه رسانه‌های فرانسوی خبر و گزارش تهیه می‌کرد که جنگ ویتنام، درگیری‌های اعراب و اسرائیل، گردهمایی‌های سران در کنفرانس‌های پر اهمیت بین‌المللی و وقایع مربوط به انقلاب اسلامی از آن جمله‌اند. صفا از طرف پدر با خانواده‌های حائری، رهنما و رشیدی نسبت داشت و همسر وی نیز از منسوبین بسیار نزدیک دکتر علیقلی عالیخانی وزیر پیشین اقتصاد و رئیس پیشین دانشگاه تهران است.

صفا حائری روزنامه‌نگار سرشناس ایرانی این هفته در جنوب فرانسه چشم از جهان فرو بست. او که به زبان فرانسه تسلط داشت در ایران با خبرنگاری «فرانس پرس» و روزنامه‌های «ژورنال دو تهران» نشریه فرانسوی‌زبان موسسه اطلاعات، و همچنین با کیهان، کیهان بین‌المللی و آیندگان همکاری می‌کرد. او بعد از انقلاب نیز برای روزنامه کیهان چاپ لندن و روزنامه نیمروز خبر و مطلب می‌نوشت. وی پس از چند سال وب‌سایت: ایران پرس سرویس را

بنیان گذاشت که خیلی زود به عنوان یک منبع قابل اطمینان و خواندنی اخبار مربوط به ایران خود را در بین ایرانیان داخل و خارج باز کرد. صفا با وجود وقت زیادی که صرف تهیه مطالب این سایت می‌کرد با روزنامه ایندپندنت چاپ لندن و نشریه اکسپرس چاپ فرانسه نیز در همه این سال‌ها همکاری داشت و در مجموع چهره‌های شناخته شده در رسانه‌های بین‌المللی بود.

صفا حائری در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از رویدادهای بزرگ جهان

دکتر عباس مهاجرانی



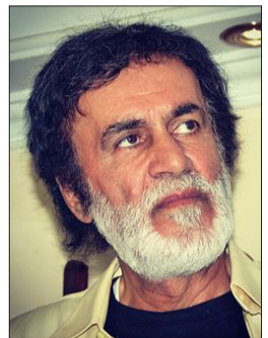
دکتر عباس مهاجرانی روحانی روشن فکر و خطیب نامدار روز پنجشنبه ۱۶ فوریه ۲۰۱۷ پس از یک دوره ممتد بیماری در آستانه ۹۰ سالگی در لندن چشم از جهان فرو بست. وی زاده همدان و دانش آموخته علوم حوزوی و حکمت و فلسفه در

حوزه های علمی همدان و تهران بود و از دانشکده الهیات به کسب درجه دکترا نایل شده بود.

دکتر مهاجرانی پیش از انقلاب در بین اهل منبر از جهت دانش و مبینش دینی و تسلط بر کلام از پایگاه برجسته ای برخوردار بود و سال ها در سازمان اوقاف به عنوان مدیر کل دین خدمت می کرد. پس از وقوع انقلاب اسلامی دکتر مهاجرانی مورد نامهربانی های انقلابی قرار گرفت و مدتی زندانی شد. وی پس از رهایی از زندان چون نگران امنیت خود و خانواده اش بود با زحمت بسیار ایران را ترک کرد و به انگلستان پناه آورد و در لندن به انگیزه علاقه حرفه ای و تسلط بر موازین دینی در گردهمایی های محدود به ایراد خطابه دینی می پرداخت. دکتر مهاجرانی در مناسبت های مذهبی با برگزاری جلسات دینی و سوگواری به اعتلای شعائر اسلامی و تشریح معالم دینی می پرداخت. وی در طول بیش از ۳۰ سال دوران تبعید خود با وجود دشواری ها و ناراحتی های جسمی و روحی و مالی هیچگاه از یاد ایران غافل نبود و یک روحانی اندیشمند و علاقمند به خاندان رسالت باقی ماند.

دکتر مهاجرانی سال هایی که هنوز از یاد نیافته بود به دعوت هفته نامه کیهان لندن به مشکلات و پرسش های دینی خوانندگان کیهان پاسخ می داد. وی شخصیتی جذاب داشت و در جامعه ایرانیان مقیم انگلستان از احترام ویژه ای برخوردار بود.

حبیب محبیان



حبیب محبیان معروف به حبیب خواننده، آهنگساز، نوازنده و ترانه سرای ایرانی بود. او در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی با آلبوم مرد تنهای شب به شهرت رسید. جنس صدای متمایز حبیب، استفاده اش از گیتار ۱۲ سیمی و آهنگسازی متأثر از موسیقی راک غربی، او را به عنوان

هنرمندی متفاوت به موسیقی پاپ ایران معرفی کرد. حبیب در سال ۱۳۶۰ به دلیل ممنوعیت خواندن وی در ایران را ترک کرد و در سال ۱۳۶۴ در لس آنجلس در ایالات متحده آمریکا ساکن شد. او در سال ۱۳۸۸ با نگاشتن نامه ای به رئیس جمهور وقت، خواستار حضور در کشور شد و با موافقت ضمنی و پذیرفتن رعایت برخی شرایط به همراه خانواده اش به ایران بازگشت. در سال ۱۳۹۳ حبیب در جاده ماسوله و شهرک تاریخی ماسوله در حال تولید یک ویدئو کلیپ بود که توسط نیروی انتظامی بازداشت شد و به واسطه شهرت و همچنین عدم به همراه داشتن مجوزهای مربوطه برای ضبط فیلم، به دادسرا معرفی شد تا روند قضایی معمول پیگیری شود. در پایان، حبیب با تودیع قرار وثیقه آزاد شد. حبیب مدت ها از بیماری قلبی رنج می برد و در نهایت در ساعت ۹ صبح جمعه ۲۱ خرداد ۱۳۹۵ بر اثر ایست قلبی در روستای نیاسته، کتلم، رامسر و در ۶۸ سالگی درگذشت.

حسن جوهرچی



حسن جوهرچی فرزند حمید در سال ۱۳۴۷ در یک خانواده اردبیلی در تهران متولد شد. وی لیسانس عکاسی از دانشگاه هنر تهران داشت. بازی در سینما را در سال ۱۳۶۷ با «فیل در تاریکی» که بعد از پانزده سال کامل شد شروع کرد. اولین بازی مطرح او در سینما در سال ۱۳۷۰ با

فیلم برخورد به کارگردانی سیروس الوند بود. اما با بازی در سریال در پناه تو در سال ۱۳۷۳ به شهرت رسید. حسن جوهرچی در بیش از ۳۰ اثر هنری نقش ایفا کرده بود. وی در ماه رمضان سال ۱۳۸۹، مجری برنامه ماه غسل بود.

حسن جوهرچی در ساعت ۵ بامداد روز جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۹۵ پس از تحمل عارضه کبدی و عفونت ریوی و کلیوی به علت ایست قلبی در سن ۴۸ سالگی درگذشت.

مهرداد اولادی



مهرداد اولادی بازیکن فوتبال باشگاه ملوان بود. مهرداد اولادی در رده ملی برای تیم های جوانان ایران، امید ایران، ب ایران و تیم ملی بزرگسالان ایران به میدان رفت. اولادی در رده باشگاهی سابقه بازی در تیم های الشباب امارات، ملوان، پرسپولیس، استقلال، تهران و نفت تهران را داشت. مهرداد اولادی در روز ۳۱ فروردین ۱۳۹۵ ساعت ۱۴:۵۶ به علت ایست قلبی در بیمارستان شهدای تجریش تهران در سن ۳۰ سالگی درگذشت، تلاش پزشکان برای احیای قلبی ریوی وی ناموفق بود.

پوران فرخزاد



پوران فرخزاد شاعر، نویسنده، مترجم، منتقد ادبی، روزنامه نگار و پژوهشگر ایرانی بود. او در دوران فعالیتش حدود ۳۰ کتاب منتشر کرد که از مهمترین آن ها «کارنامی زنان کارای ایران»، نخستین فرهنگ مبسوط درباره زنان ایرانی است.

پوران در بهمن ۱۳۱۲ در نوشهر زاده شد. او فرزند توران وزیری تبار و سرهنگ محمد فرخزاد است. از دیگر اعضای خانواده او می توان خواهر کوچکترش، فروغ فرخزاد و برادرش، فریدون فرخزاد را نام برد. پوران فرخزاد چند روز پیش از مرگش در کما بود و در بخش مراقب های ویژه بیمارستان ایرانمهر تحت نظر مراقبت های پزشکی قرار داشت و سرانجام صبح روز پنجشنبه ۹ دی ۱۳۹۵ (۲۹ دسامبر ۲۰۱۶) در سن ۸۲ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت.

علی جوان



پروفیسور علی جوان فیزیک دان و مخترع ایرانی در ام آی تی و ساکن ایالات متحده آمریکا بود. علی جوان در دسامبر ۱۹۶۰ نخستین لیزر گازی دنیا که ترکیبی از دو گاز هلیوم و نئون بود و به همین نام نیز معروف است را اختراع کرد. این لیزرز نوع لیزرهای بی خطر به حساب می آید که رنگ آن سرخ است و در آزمایشگاه های دانشگاه ها برای بررسی پدیده هایی مانند تداخل امواج و آزمایش دو شکاف یانگ کاربرد دارد.

علی جوان در تهران از والدینی آذری اهل تبریز به دنیا آمد. او از سن ۵ سالگی شیفته ریاضیات و بازی با اعداد بود. دوران دبیرستان را در دبیرستان البرز گذراند. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران انجام داد. سپس در سال ۱۹۴۸ (میلادی) به ایالات متحده آمریکا رفت و تحصیلات خود را در مقطع دکترای فیزیک در دانشگاه کلمبیا ادامه داد. جوان به هنر و به ویژه به موسیقی هم عشق می ورزید و در کلاس های هنری دانشگاه کلمبیا شرکت می کرد. خودش گفته است موسیقی باخ جلوه ای از عالم ریاضی است. وی در سال ۱۳۹۵ در سن ۹۰ سالگی درگذشت.

علی معلم



علی معلم نویسنده، ناشر، منتقد، تهیه کننده، کارگردان، مجری تلویزیون و بازیگر ایرانی بود. او سردبیر و مدیرمسئول ماهنامه دنیای تصویر بود. علی معلم در هیئت های داوری و انتخاب جشنواره بین المللی فیلم فجر (هفت دوره)، جشنواره بین المللی فیلم کشورهای غیرمتحد (پیونگ یانگ)، جشنواره سینمای جوان، جشنواره فیلم های دانشجویی، جشنواره فیلم های خانوادگی، نخستین جشنواره فیلم و کیفیت، جشنواره فیلم جوان، جشنواره فیلم رویش و جشنواره بین المللی فیلم شهر (دو دوره)، نخستین جشنواره فیلم های ویدئویی تهران، جشنواره فیلم زنان (پروین اعصامی) عضویت داشته است. وی همچنین سه دوره عضویت در هیئت انتخاب فیلم ایران برای آکادمی اسکار را بر عهده داشته است. او مجری، تهیه کننده و پایه گذار جشن سینمایی/تلویزیونی دنیای تصویر (تندیس حافظ) است که نخستین جشنواره سینمایی بخش خصوصی در ایران می باشد.

علی معلم در روز ۲۳ اسفند ماه ۱۳۹۵ در سن ۵۴ سالگی به دلیل ایست قلبی درگذشت.

محمد کاظم افراندیا



محمد کاظم افراندیا بازیگر سینما و تلویزیون اهل ایران بود. سید احمد، متولد سال ۱۳۲۴، دوران دبستان را در شهرستان گلپایگان - دیستان امین - سپری کرد و از کودکی شیفته مثنوی مولوی بود و ابیات موسی و شبان را در مدرسه با صدای خوش می خواند. کاظم افراندیا متولد نائین بود و در هنرستان هنرهای زیبا تحصیل کرد. وی بازیگری را در سال ۱۳۵۳ با بازی در فیلم «ناجورها» به کارگردانی سعید مطلبی آغاز کرد و در بیش از صد فیلم و سریال، از جمله سردار جنگل و کشف های میرزا نوروز و کانی مانگا و سگ کشی، نقش بازی کرد. کاظم افراندیا در شب ۱ بهمن ۱۳۹۵، در منزلش دچار سردرد و سپس خونریزی و سکتة مغزی شد و به بیمارستان منتقل شد. وی پس از سه عمل جراحی مغزی تا زمان مرگ در کما فرورفته بود. افراندیا سرانجام در صبح روز شنبه ۹ بهمن ۱۳۹۵ پس از نه روز فرورفتن در کمای مغزی در سن ۷۱ سالگی درگذشت.

فرهنگ شریف



فرهنگ شریف، نوازنده صاحب سبک تار اهل ایران بود. وی از چهارسالگی تحت تأثیر آموزش موسیقی به وسیله پدرش و نیز رفت و آمد بزرگان موسیقی که از مهمترین آن ها «کارنامی شهنازی»، موسیقی را فراگرفت. پدر فرهنگ شریف دکتر داروساز بود و با اهل هنر نیز معاشرت می کرد. او تار را نزد استادان عبدالحسین شهنازی و مرتضی نی داوود، تارنوازان بزرگ اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی آموخت، اما شیوه نوازندگی وی به استادانش شباهتی نداشت و مخصوص خود او بود. در دوازده سالگی نخستین تک نوازی خود را که زنده از رادیو پخش می شد با موفقیت اجرا کرد و به دنبال آن در اغلب برنامه های گل ها به عنوان تک نواز آواز، خوانندگان برنامه را همراهی می کرد. وی با ابداعاتی که در نحوه انگشت گذاری و مضراب زنی در نقاط مختلف سیم های تار انجام داده، از تار صدایی کاملاً متفاوت به وجود آورده که بسیاری معتقدند زیباترین صدای تولید شده از ساز تار است. فرهنگ شریف در کارنامه هنری خود با خوانندگانی چون حسین قوامی، گلپا، ایرج، تاج اصفهانی، دلکش، غلامحسین بنان، محمدرضا شجریان، علیرضا افتخاری، محمود محمودی خوانساری، حسام الدین سراج، مرضیه، حمیرا، هایده و روح انگیز هم نوازی داشته و در چند فستیوال بین المللی از جمله فستیوال موسیقی برلین توانسته است ساز تار را به خوبی به جهانیان بشناساند. فرهنگ شریف چند سالی را در دانشگاه های مطرح آمریکا به امر آموزش موسیقی مشغول بوده است. فرهنگ شریف در ۱۷ شهریور ۱۳۹۵ در ۸۵ سالگی در تهران درگذشت.

سلیم مؤذن زاده اردبیلی



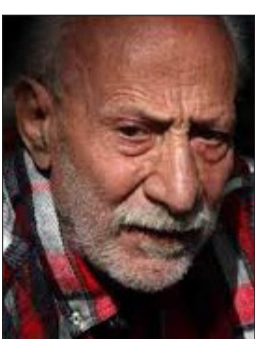
سلیم مؤذن زاده اردبیلی یکی از مداحان ایرانی به زبان های ترکی، فارسی و عربی بود که در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در شهر اردبیل زاده شد. وی که بیش تر نوحه هایی را به زبان ترکی آذربایجانی سروده، به زبان های فارسی و عربی نیز تسلط داشت. پدرش شیخ عبدالکریم مؤذن زاده اردبیلی نخستین مؤذن رادیوی ایران است و برادرش رحیم مؤذن زاده اردبیلی نیز از مؤذنان اسلامی است. سلیم مؤذن زاده در مراسم ختم حیدر علی اف رئیس جمهور پیشین جمهوری آذربایجان برای اجرای نوحه دعوت شده بود. وی در دوم آذر ۱۳۹۵ در سن ۸۰ سالگی درگذشت.

پرویز کلاتری



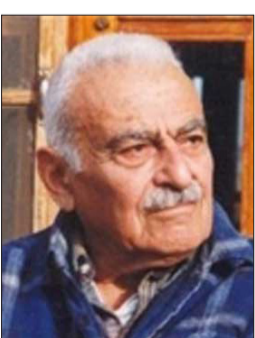
پرویز کلاتری نقاش، طراح، نویسنده و روزنامه نگار معاصر ایرانی و از نقاشان مطرح نوگرایی ایران بود. بسیاری از نقاشی های آشنا برای کودکان دبستانی - به ویژه در کتاب های نظام قدیم آموزش و پرورش - همچون «روبه و خروس»، «چوپان دروغگو»، «حسنک» و «مرغابی ها و لاک پشت» و «روبه و زاغ» از آثار او بودند. کلاتری در جمعه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ پس از مدت طولانی بیماری درگذشت.

فرشید رمزی



فرشید رمزی تهیه کننده سرشناس تلویزیونی در تلویزیون ملی ایران در سال های پیش از انقلاب اسلامی بود. فرشید رمزی بعد از انقلاب از ایران خارج شده و به آمریکا رفت و بعد از مدتی در لندن اقامت کرد. او در دوران اصلاحات به ایران سفر کرد اما به او اجازه خروج از کشور و بازگشت به لندن را ندادند. رمزی دو سال پایانی زندگی اش را در خانه سالمندانی در کرج گذراند. فرشید رمزی در اثر پیامدهای سکتة مغزی، بعد از ظهر دوشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۵ درگذشت. وی هنگام مرگ ۷۵ سال داشت.

منوچهر ستوده



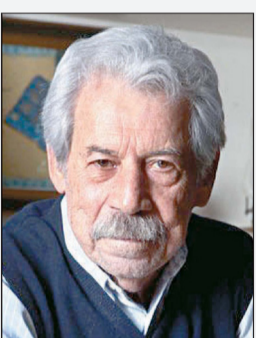
منوچهر ستوده ایرانی شناس، جغرافی دان تاریخی، استاد دانشگاه تهران و پژوهشگر برجسته ایرانی بود. او حدود ۶۰ جلد کتاب و نزدیک به ۳۰۰ مقاله به جا مانده است. او نخستین ایرانی است که اولین فرهنگ گویشی را به چاپ رسانید. منوچهر ستوده در ۵ فروردین ۱۳۹۵ بر اثر بیماری عفونت ریه در بیمارستان طالقانی چالوس بستری شد و سرانجام در ۲۰ فروردین ۱۳۹۵ در ۱۰۲ سالگی درگذشت.

دنیا فنی زاده



دنیا فنی زاده هنرمند تئاتر عروسکی و عروسک گردان «کلاه قرمزی» که از سرطان رنج می برد، سرانجام صبح امروز ۸ دی ماه در بیمارستان از دنیا رفت. دنیا فنی زاده، متولد ۱۳۴۶ فرزند پرویز فنی زاده (بازیگر) بود.

داوود رشیدی



داوود رشیدی حائری هنرپیشه تئاتر، سینما و تلویزیون ایران بود. او بیشتر با نقش هایی مانند «آقا حسینی» در فیلم «مفتش شش انگشتی» در سریال هزار داستان در همچنین با بازی تأثیرگذارش در فیلم فرار از تله جلال مقدم شناخته می شود. داوود رشیدی همراه جمشید مشایخی، علی نصیریان، عزت الله انتظامی و محمدعلی کشاورز پنج چهره برجسته ای بودند که در دهه چهل شمسی از تئاتر پا به عرصه سینما گذاشتند. وی به خاطر فعالیت هایش نشان درجه یک فرهنگ و هنر را دریافت کرده بود. احترام برورند، مجری برنامه های کودک در تلویزیون همسر او بود و لیلی رشیدی دختر این دو از بازیگران تلویزیون ایران است.

رشیدی در سال های پایانی زندگی دچار آلزایمر شده بود و در بامداد ۵ شهریور ۱۳۹۵ در ۸۳ سالگی در پی ایست قلبی در خانه اش درگذشت.

ثریا حکمت



آذر مهدی قلی خانی نام هنری ثریا حکمت بازیگر سینما و تلویزیون اهل ایران بود. او بازی در سینما را از سال ۱۳۵۳ با فیلم «ناجورها» به کارگردانی سعید مطلبی شروع نموده است. ثریا حکمت در آثاری چون «نقطه ضعف»، «تصویر آخر»، «خواستگاری»، «تیش»، «آواز قو» و فیلم به یاد ماندنی «ای ایران» نقش داشته است.

آخرین کار سینمایی او، بازی در فیلم آواز قو در سال ۱۳۷۹ بود. ثریا حکمت، صبح دوشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۵، بر اثر سکتة مغزی، به کما رفت و در بامداد جمعه ۲۰ فروردین ۱۳۹۵ در سن ۶۲ سالگی به دلیل تشنج و لخته شدن خون درگذشت.

جعفر والی



جعفر والی کارگردان تئاتر، بازیگر و فیلم نامه نویس اهل ایران بود. والی در سال ۱۳۱۲ در تهران چشم به جهان گشود. از دهه ۱۳۳۰ به طور حرفه ای کار نمایش را آغاز کرد. والی نخستین کسی بود که از بهرام بیضایی و غلامحسین بساعی نمایش اجرا کرد.

در سال های بعد بازیگری را آموذ و در فیلم های مهمی مانند ناخدا خورشید نیز بازی کرد. جعفر والی که از روز ۱۸ آذرماه ۱۳۹۵ به علت عارضه ریوی در بیمارستان تهران کلینیک بستری شده بود، پس از ۹ روز بستری شدن، صبح روز شنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۵ درگذشت.

اصغر بیچاره



اصغر بیچاره عکاس، بازیگر و کارگردان ایرانی بود. او به عنوان قدیمی ترین عکاس سینمای ایران یاد می شود. بیچاره بزرگترین آرشيو عکس ایران را در اختیار داشت. اصغر بیچاره در ۱۳۰۶ (۱۳۰۹) در تهران به دنیا آمد و از ۱۳ سالگی به عنوان کارگر ساده در یک عکاسی به کار مشغول شد، پس از چند سال در لاله زار تهران مغازه ای باز کرد که نام او عکاسخانه شهزاد بود و به زودی تبدیل به پاتوق هنرمندان و نویسندگان معروف آن زمان شد. نخستین بار با گرفتن کپی از تمام عکس های فیلم دختر لر برای عبدالحسین سینتا فیلم نامه نویس این فیلم، رسماً وارد دنیای هنر شد. سپس با آشنایی با تئاتر، افزون بر عکاسی از نمایش ها، گاه در بعضی از آنها هم به بازی پرداخت. چند سال بعد با گروه دوبله مرتضی حنانه و حسین سرشار در ایتالیا همکاری کرد. او عکاسی را از سال ۱۳۲۳ آغاز کرد و از نمایشگاه های متعددی در داخل و خارج از ایران برپا شده است. اصغر بیچاره خانه خود را در خیابان کوشک به فیلم های قدیمی سپرده بود که حدود ۴۰۰ فیلم در آن فیلم برداری شد. اصغر بیچاره مدتی به سلطان حنجره دچار شده بود و سرانجام در سن ۸۹ سالگی در سالروز تولد خود در آپارتمانش در آمریکا درگذشت.

بیژن فره‌ودی - اجتماع هزاران ایرانی در هفتم آبان ۱۳۹۵ در کنار آرامگاه کوروش کبیر در پاسارگاد، بازتاب گسترده‌ای در میان ایرانیان داخل و خارج کشور داشت.

این مراسم برای بزرگداشت آنچه به روز کوروش مشهور شده برگزار شد و طی آن مردم شعارهای گوناگونی سر دادند که شاخص‌ترین آنها «ما آریایی هستیم، عرب نمی‌پرستیم» و یا «ایران وطن ماست، کوروش پدر ماست». بود. این مراسم که با واکنش برخی از معینین روبرو شد به دستگیری عده‌ای از شرکت‌کنندگان نیز انجامید. با این همه این اجتماع نشان داد که با وجود تلاش ۳۷ ساله حکومت اسلامی برای زدودن آثار ناسیونالیسم از جامعه ایران، ایرانیان، کوروش بنیانگذار سلسله شاهنشاهی هخامنشی را نه تنها سمبل ملی گرامی و عظمت ایران باستان می‌دانند، بلکه از آن به عنوان وزنه‌ای در برابر حاکمیت دین بر جامعه ایران استفاده می‌کنند. گفتگو با دکتر محمود کویر کارشناس تاریخ و ادبیات در مورد برخی جنبه‌های زندگی این چهره محبوب تاریخی را در ادامه می‌خوانید.

دکتر کویر در ابتدا مایلیم یک شمه کوتاه از بیوگرافی شما بشنویم برای نسل جوان ایرانی که ممکن است بانام شما آنچنان آشنا نباشند. من لیسانس تاریخ را از دانشگاه تبریز و فوق لیسانس و دکتریام را از پژوهشکده فرهنگ ایران که مدیریت‌تان با دکتر خاتری بود و کسانی مثل مهرداد بهار، سعیدی سیرجانی، دکتر پرویز ورجاوند باستان‌شناس برجسته ایرانی در آنجا تدریس می‌کردند گذراندم و چندین سال قبل از انقلاب تا سال ۱۳۶۱ در دانشکده‌های مختلف ایران مثل دانشگاه هنرهای دراماتیک، هنرهای زیبا، هنرهای تزئینی تدریس می‌کردم و یک سری کارهای پژوهشی و تحقیقاتی و باستان‌شناسی همان موقع در نقاط مختلف از جمله در اطراف بوشهر که مربوط می‌شود به داستان کوروش به سرپرستی دکتر پرویز ورجاوند انجام دادیم. آثاری را از آنجا بیرون آوردیم. از تقریباً سی سال پیش در لندن زندگی می‌کنم. نزدیک ۴۰ جلد کتاب نوشتم. که از ۵ یا ۶ سال قبل از انقلاب شروع می‌شود تا امروز. بعضی به فارسی و بعضی انگلیسی و عموماً راجع به تاریخ و ادبیات ایران است.

آخرین کتاب‌تان نام‌اش چیست؟
-نگاهی به تاریخ اندیشه در ایران» که فکر می‌کنم کتاب یگانه‌ای است در این زمینه و ما هیچ کتابی در زمینه بررسی تاریخ اندیشه در ایران تا امروز نداشته‌ایم.
در این چند ساله من شاهد اجرای برنامه‌های مختلفی از جانب شما بوده‌ام در محافل ایرانی در رابطه با تاریخ ایران باستان که یکی از آخرین آنها برنامه‌ای بود تحت عنوان «منم کوروش، شاه شاهان» که چندی پیش برگزار شد و مورد استقبال قرار گرفت. شما در آنجا به جنبه‌های مختلف زندگی کوروش پرداخته‌اید هم‌را با نشان دادن اسلاید‌های بسیار جالب. واکنش و برداشت شما نسبت به اجتماع هفت آبان ۹۵ در پاسارگاد چه بود؟ آیا کوروش از خواب برخاسته، اینطور که بعضی‌ها می‌گویند؟

من بر این باورم که گرمی‌داشت و جشن‌ها و مراسمی مانند مهرگان و یلدا و اینها، در حقیقت واکنشی است بر آنچه بر این سرزمین می‌رود و آرزوی مردم برای دستیابی به آزادی و همواره در تمام جهان رسم بر این بوده است وقتی که نیرویی ستیزنده غلبه می‌کرده، یک نگاه به گذشته یعنی تکیه بر آن ریشه‌ها، بر آن آبخشورها، و احیای آنها می‌آمده در متن قرار می‌گرفته. و بزرگداشت کوروش هم در همین زمینه می‌گنجد و در حقیقت واکنش مردم است به ستم و سرکوبی که بر آنها روا داشته می‌شود و سابقه هم داشته است. از سال پیش شروع کردند و امسال خیلی انبوه‌تر شد. ولی من هم بر این باورم که مردم ما در آستانه یک رستاخیز و یک رنسانس دیگری قرار گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد که آرامگاه کوروش به صورت یک «زیارتگاه» برای ایرانیان درآمد. اگر یادتان باشد، ۲۰ مهر ۱۳۵۰ بود که محمدرضا شاه پهلوی جشن‌های

بزرگ ۲۵۰۰ ساله را برگزار کرد و سخنرانی معروف «کوروش آسوده بخواب که ما بیداریم» را ایراد کرد. و این باعث تمسخر و سخره گرفتن این حرف شاه توسط بعضی از ایرانی‌ها شد. آیا شما هیچ وقت فکر می‌کردید که ۴۵ سال بعد از آن تاریخ هزاران ایرانی بروند به آرامگاه کوروش و در آنجا حتی سجده بکنند و چنین شعارهایی ادا کنند؟

-شوربخانه جوابم مثبت است. یعنی اینکه به منتظر بودم. به دلیل اینکه ما حافظه تاریخی مرتبی نداریم. تجربه نمی‌گیریم. نمی‌خوانیم تاریخ گذشته را. و اشتباهات و فاجعه‌ها را هی تکرار می‌کنیم. این ماجرای که بر ما رفته، فقط اشاره بکنم که تنها در شاهنامه ده بار فردوسی داستانی را آورده که اگر چنین بکنید نتیجه آمیختن دست‌های دینی و دولتی به چه فاجعه‌ای خواهد بودیم. ما اگر واقعا شاهنامه خوانده بودیم، در داستان گشتاسب یا داستان جمشید صحنه‌هایی هست که عینا تکرار می‌شود یعنی آنچه در سال ۵۷ رفت ما بارها قبلا هم شاهدش بودیم. امیدوارم این دفعه درس بگیریم.

به شاهنامه اشاره کردید.

در شاهنامه هیچ اشاره‌ای به نام کوروش نشده. چرا؟

-در زمانی که فردوسی می‌زیست، سه الگوی تاریخ‌نویسی وجود داشت. یک الگو که طبری و دیگران از آن استفاده کردند. اینها باید از آدم و حوا شروع می‌کردند تا می‌رسیدند به تاریخ زمانه خودشان. منابع‌شان چه بود؟ تورات، انجیل و قرآن. یک گروه از این الگو پیروی کردند. یعنی شما تمام کتاب‌های تاریخ گردیزی را نگاه بکنید الگو این است. از حضرت آدم شروع می‌شود و داستان‌ها هم از قرآن و تورات و انجیل است. یک گروهی مثل بیرونی از الگوی یونانی‌ها پیروی کردند. در کتاب‌های آنها نام کوروش و اشکانیان هست. فردوسی در حقیقت از هیچ کدام از این دو الگو پیروی نکرد. الگوی خاص خودش را که از خدای‌نامه‌های ساسانی و فرهنگ پیاده کرد و در کتاب‌های عصر ساسانی هیچ نشانی از نه تنها کوروش، بلکه از هخامنشیان و اشکانیان نیست. چرا نیست؟ برای اینکه هخامنشیان و اشکانیان آزادی دینی داشتند، آزادی زبان وجود داشت. و حکومت ساسانی اولین حکومت دینی است که داشت تشکیل می‌شد. در نتیجه روی خوشی نداشته به آن گذشته و در کتاب‌هایی که مورد استناد فردوسی قرار گرفت، هیچ نشانی از هخامنشیان نبود حتی در مورد اشکانیان که بیش از پانصد سال بر ایران حکومت کردند! فردوسی می‌گوید از ایشان به جز نام شنیده‌ام. آیا بر آن منابع آگاهی داشت؟ داشت. ولی او داشت حماسه ملی ایرانیان را می‌نوشت و ترجیح داد بخش‌های اساطیری از اساطیر کهن ایرانی گرفته بشود و داستان تاریخ را از اسکندر که یک شکست است تا شکستی دیگر؛ یعنی شاهنامه آخرش خوش نیست، همه بخش‌های پهلوانی، حماسی و اسطوره‌ای شاهنامه به تلخی خاتمه پیدا می‌کند. الگوی خاصی بود که در آن زمان خیلی‌ها هم پیروی کردند.

در کتاب عهد عتیق، در تورات، حدود ۲۲ بار به نام کوروش اشاره می‌شود. در انجیل می‌گویند بیش از سی بار از کوروش نام برده شده. با این همه عده‌ای از افراد در ایران هنوز به نوعی وجود کوروش را در اصلا به پرسش می‌گیرند. افرادی که با حکومت ارتباط دارند. این را شما یک‌بار و برای همیشه می‌توانید بگویید که کوروش وجود داشته، ساختگی نیست، دست آمریکایی‌ها نبوده و مسائل مسخره دیگری که می‌شنویم از سوی برخی مراکز در ایران امروز...

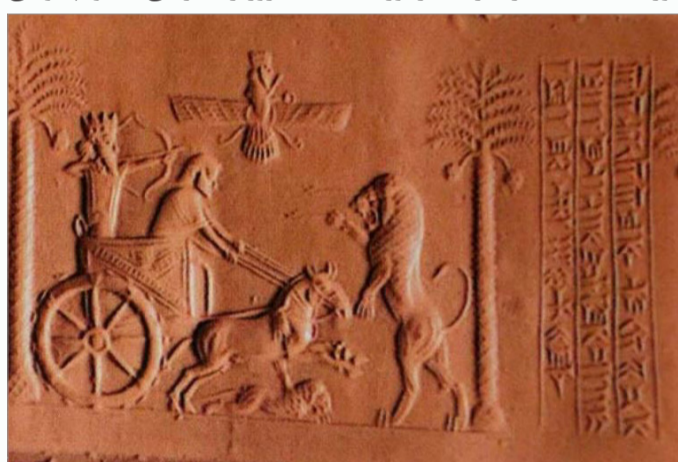
-ببینید، وقتی می‌خواهیم چنین حادثه تاریخی‌ای را مورد بررسی قرار دهیم، یک سری سایت‌ها و آثار تاریخی است. ما تنگه بلاغی را داریم، پاسارگاد را داریم، آرامگاه کوروش را داریم، کاخ‌های اطراف‌اش را داریم. کتیبه‌هایی که در پاسارگاد پیدا شده‌اند را داریم، کتیبه بیستون را داریم. داریوش نوشته و می‌گوید که پدر من کوروش است. کتیبه نبونعید را داریم. نبونعید پادشاه هم‌زمان کوروش است. سالنامه‌ای دارد که می‌نوشته تمام وقایع را. و در آنجا

منم کوروش، شاه شاهان



آشکارا کتیبه آشور بانی‌پال را داریم. یعنی اینقدر سند در این باره مربوط به همان زمان از داخلی و خارجی وجود دارد که هیچ تردیدی در این زمینه باقی نمی‌گذارد. کتیبه‌ها، مهرها کاملا وجود دارند. یک گروه تاریخ نگاران یونانی بودند که از همان زمان کوروش شروع می‌شود تا عصر ساسانی. مثل گزنفون، کتزیاس، هرودوت. گزنفون یک کتابی می‌نویسد به نام کوروش‌نامه که اگر چه یک زمان سیاسی است، ولی کاملا به زندگی کوروش پرداخته. به اضافه همان موردی که شما اشاره کردید در تورات

آشکارا کتیبه آشور بانی‌پال را داریم. یعنی اینقدر سند در این باره مربوط به همان زمان از داخلی و خارجی وجود دارد که هیچ تردیدی در این زمینه باقی نمی‌گذارد. کتیبه‌ها، مهرها کاملا وجود دارند. یک گروه تاریخ نگاران یونانی بودند که از همان زمان کوروش شروع می‌شود تا عصر ساسانی. مثل گزنفون، کتزیاس، هرودوت. گزنفون یک کتابی می‌نویسد به نام کوروش‌نامه که اگر چه یک زمان سیاسی است، ولی کاملا به زندگی کوروش پرداخته. به اضافه همان موردی که شما اشاره کردید در تورات



و انجیل. یعنی وقتی که دانیال می‌آید به ایران و به دربار کوروش می‌رود و به عنوان معاون پذیرفته می‌شود و در آنجا زندگی می‌کند کتاب می‌نویسد و بعد مهمی‌ا و عدرا که فرستاده می‌شوند تا اورشلیم را بازسازی بکنند، در کتاب‌های اینها به وضوح این داستان البته با شاخ و برگ‌های افسانه‌ای و تاریخی همراه شده. منابعی که می‌گویم همه در طرفداری از کوروش نیست مثل کتزیاس دشمن کوروش است ولی به هر حال سندی است و کتیبه‌ها و اسناد بسیار معتبری در این زمینه وجود دارد. خود پاسارگاد نمونه برجسته آن است که نشان می‌دهد این شخصیت وجود داشته و این کارکرد و زندگی‌اش بوده است.

پس چگونه است که حتی عکس‌های ساتلاپت نشان داده‌اند که اصلا این آرامگاه وجود ندارد!
-بله این کار را کرده‌اند در حالی که ما می‌دانیم این آرامگاه در زمان حیات و زندگی خود کوروش ساخته شده. کوروش طرحی ریخت که شهر پاسارگاد را که قبیله‌اش آنجا زندگی می‌کرد یعنی نخستین بهشت زمین را در آنجا برقرار کند به صورت چهارباغ؛ بنیانگذار باغ در ایران بود. پریس کوروش و آن آبراهه زیبایی که در وسط آن کشید. بعلاوه آرامگاه خودش را بر افراشت و روبرویش هم البته آرامگاهی است که مربوط و منسوب به کمبوجیه است. ولی به گمان من این آرامگاه کاساندان تنها

عصر شکل‌گیری ملت‌ها و کشورها در جهان است و کوروش با نبوغی که داشت این زمانه را درک کرد. کوچ‌نشینان آمده بودند و رسیده بودند به آشور و متوقف شدند. یعنی یک نژاد دیگر یک قبیله دیگر که سد راهشان بود. از آن‌ور با قبایل ترک روبرو شده بودند. در نتیجه این قبایل پراکنده که ایلامی‌ها بودند و پاسارگادها بودند و مادها بودند و در داخل ایران پراکنده بودند، کوروش این را فهمید که برای در افتادن با یونان و آشور و قبایل آن‌طرف، تنها راه، اتحاد این قبایل ایرانی با همدیگر است و از این فرصت استفاده کرد. نبوغ نظامی بی نظیری هم داشت یعنی کارهایی کرده که کمتر شاید راجع به آنها صحبت شده. اینکه مثلا اولین الفبای رمز ارتش را اختراع کرد، با سپر و دود. برای اینکه لشکر بسیار بزرگی داشت و کنترل آن به این سادگی امکان‌پذیر نبود.

چند ساله بود وقتی به قدرت رسید؟

-وقتی به قدرت رسید تقریباً ۲۶ ساله بود. من فکر می‌کنم بیشتر از اینکه به عنوان یک پادشاه به او نگاه کنیم به عنوان یک فیلسوف و یک جهانگشا و یک مدیر باید او را دید. مدیریتی که کوروش داشت باید مورد توجه قرار بگیرد به عنوان یک رهبر و اولین حکومتی که گفت من با یک جامعه چندفرهنگی روبرو هستم که اینها دین‌شان، زبان‌شان با هم تفاوت دارد و می‌خواهم اینها را متحد کنم با هم‌دیگر و بر تمام اینها حکومت کنم.

یعنی سیاست مدارای فرهنگی را در پیش گرفت. بعضی‌ها می‌گویند کوروش را باید بیشتر یک آزادب‌خش بنامیم تا یک فاتح. نظر شما چیست؟

-ببینید به هر حال در تاریخ امرواله مقدس دور سر شخصیت‌ها ساختند و از آنها امر مقدس درست کردن راه را بر پژوهش و تحقیق می‌بندد. کوروش به هر حال با یک‌سری از کشورها جنگید و آنجاها را فتح کرد. در جنگ آنجاها را به دست آورد. البته در بابل، بابلی‌ها رفتند به استقبال‌اش. حتی نبونعید که پادشاه آنجا بود و دشمن بود می‌گوید مردم با شاخه‌های سبز تمام خیابان‌ها را گسترده بودند و به استقبال کوروش رفتند. برای اینکه ناراضی بودند. شما کتیبه کوروش یا منشور کوروش را دارید و به فاصله چند سال منشور آشور بانی‌پال را. وقتی مقایسه می‌کنیم این دو را می‌فهمیم. البته خیلی طبیعی بود و هنوز کشور و ملت به این اعتبار امروز شکل نگرفته بود. قبایل پراکنده در آرزوی وحدت بودند و او منجی وحدت بود با آزادی. یعنی می‌گفت آمده‌ام پیویدی‌ها را آزاد کنم که برگردند. شما آزادی دینی دارید. آزادی زبانی دارید. چیزی به عنوان زبان رسمی، دین رسمی وجود نداشت. و بخش‌های بزرگی از این سرزمین‌ها هم بدون جنگ فتح شد. یعنی استقبال کردند برای اینکه احساس می‌کردند بعد از این خیلی بهتر خواهند زیست.

کوروش بزرگترین امپراتوری زمان خودش و امپراتوری تاریخ را بنا نهاد. هیچ رهبر دیگری نتوانست یک امپراتوری به آن عظمت ایجاد بکند. درست است؟

-بله در تاریخ جهان بی‌مانند است و اینکه اینها نزدیک سی سال بدون هیچ‌گونه شورش بدون هیچ‌گونه طغیانی زندگی کردند. بعد در زمان داریوش با جریان گئومات دیگری روبرویم. با یک عصر طلایی. در یونان هم عصر تمدن طلایی‌اش بود و بی‌تردید مغز شگفت‌انگیزی می‌خواست که این ملیت‌های مختلف را از نزدیکی مرز چین تا مصر بتوان کنترل کرد.

اگر یادتان باشد چند سال پیش هالیوود فیلمی ساخت به نام «۳۰۰» که در آنجا به سخره گرفت این امپراتوری هخامنشی را. حتی گفتند رهبر همجنس‌گرای بود و اسراییلی از کشورهای مختلف زیر دست‌اش هستند و یک تصویر خیلی بدی از ایران آن زمان ارائه داد. واکنش شما چیست نسبت به این گونه کارهایی که مثلا توسط هالیوود صورت می‌گیرد. چگونه باید مقابله کرد با آن؟

-با کار. با ارائه کاری در مقابل آن. متأسفانه در کشور ما حکومتی است که اصلا به تنها چیزی که فکر نمی‌کند این است و سینما، احتیاج به

سرمایه کلانی دارد. گفتن، نوشتن، فیلم ساختن. برای اینکه پیدا بود این یک جعل تاریخی است و در شرایط خاصی به عنوان یک بازار مورد توجه قرار گرفته و زیاد هم این مسائل برایشان اهمیتی نداشت. مادر برابرش به جای خشم و خروش و فریاد باید آن چهره واقعی را که داریم عرضه می‌کردیم. ولی به گمان من واقعیت و اهمیت این شخصیت در خود آمریکا شناخته شده است. کسی نیست امروز در آمریکا از محققین و پژوهشگران که نداند که بعد از کتاب «شهریار» ماکیاولی کتاب کنار دست رئیس جمهورهای آمریکا حتی جفرسون که قانون اساسی را نوشته، «کوروش‌نامه» گزنفون بوده است. می‌دانید چقدر تابلوی نقاشی و چقدر اپرا راجع به زندگی این آدم ساخته شده. چقدر نقاشان معروف دنیا زندگی این آدم را نقاشی کرده‌اند. تا آنجایی که من اطلاع دارم هفتاد و هشت رمان تاریخی در اروپا و آمریکا راجع به زندگی کوروش نوشته شده که یکی از طولانی‌ترین رمان‌های تاریخ که سیزده هزار صفحه است را یک بانوی فرانسوی در مورد زندگی کوروش نوشته.

چند رمان در خود ایران در مورد کوروش نوشته شده؟

-خیلی کم. این اواخر البته بیشتر شده. خیلی جالب است که این اواخر بیشتر شده ولی متأسفانه ما کار زیادی در این زمینه‌ها انجام ندادیم. و لااقل برای ما که در بیرون هستیم همین گفتگوی کنونی ما هم راهگشایی خیلی‌ها خواهد بود که توجه بکنند. نمی‌گویم که هر چه من می‌گویم را بپذیرند. اینها آغاز راه است. گفتگو، بکنیم. ما ارزش‌های واقعا والایی در فرهنگ‌مان داریم که باید مورد توجه قرار بگیرد.

به یاد دارم جشن‌های ۲۵۰۰ ساله که برگزار می‌شد، آن منشور کوروش را به ایران آوردند در آن موزه‌ای که زیر عمارت شهیاد بود آنجا نگهداری می‌شد برای تماشای عموم. این منشور کوروش چگونه به دست بریتانیایی‌ها افتاد؟

-یک باستان‌شناس نیمه آشوری نیمه‌ایرانی به نام هرمز درسام فکر می‌کرد که در عراق باید چیزهایی باشد و شروع کرد به تنهایی کنکاش کردن و بعد منشور کوروش را پیدا کرد. به محض اینکه پیدا کرد، انگلیسی‌ها که آن موقع در عراق فوق‌العاده فعال بودند این آدم را آوردند به انگلیس دانشگاه آکسفورد پی‌اچ دی گرفت، بریتیش پاسپورت گرفت و همراه بیش از دویست سرباز فرستادند او را همراه با آدم‌های محقق و مهندس که ادامه کارش را در بابل بگیرد و نتیجه پیدا بود که وقتی پیدایش کردند و خود این آدم را که چنین کشفی کرده بود که بعد می‌دانید آن دوازده لوح گیل گمش را هم پیدا کرد که قدیمی‌ترین اسطوره بشری است و همه الان در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

از منشور همیشه به عنوان اولین اعلامیه حقوق بشر یاد می‌شود. ولی وقتی با بعضی از کارشناس‌ها من صحبت می‌کردم می‌گفتند که این اعلامیه حقوق بشر به آن معنا نیست و فقط آن قسمتی که اشاره کرده یهودیان می‌توانند برگردند به بابل است که مورد توجه قرار می‌گیرد. نظر شما چیست؟

آیا واقعا می‌شود این را اولین اعلامیه جهانی حقوق بشر دانست؟
-با برداشتی که ما امروز داریم و این اعلامیه حقوق بشری که امروز وجود دارد، نه اینطور نیست. این اعلامیه حقوق بشر نیست. این منشوری است که بیش از سیزده نسخه از آن تهیه شده بوده و رسم بر این بوده همه چنین می‌کردند، مثلا هم‌زمان آشور بانی‌پال. وقتی می‌رفتند جایی را فتح می‌کردند، اصول و قانون‌هایی را که می‌خواستند اجرا بکنند آنجا می‌نوشتند و کوروش هم همین کار را کرده. قصدش این نبوده که اعلامیه حقوق بشر صادر بکند. ولی در آن منشوری که وجود دارد اصولی وجود دارد و دیدگاهی نسبت به دین و نه فقط راجع به یهودی‌ها، راجع به بابلی‌ها، راجع به مردم ایران، راجع به بردگی، اصولی را مطرح کرده که بسیار بسیار پیشرو هست.

ادامه در صفحه ۱۹

منم کوروش، شاه شاهان

از صفحه ۱۸

یعنی حتی نسبت به زمانه ما بسیاری از این اصول پیشروست. یعنی می گوید که من برده داری را بر انداختم و ما می بینیم که در امپراتوری هخامنشی برده وجود ندارد یعنی تخت جمشید را بردگان نمی سازند؛ کارگران آزادی که از کشورهای دیگر آمده اند می سازند و آزادی دینی به همه می دهد. شما در هیچ لوحه ای در زمان هخامنشیان یک خدا را در آن بالا نمی بینید. اگر اهورمزدا هست، میترا و آناهیتا هم هست و احترامی که اینها می گذارند به مردوک، خدای بابلی ها یا به تمام ادیان. این اصولی که در منشور هست اگر لاقال مقایسه اش بکنیم با لوحه آشور بانی پال که اتفاقا در فتح بابل نوشته شده یا حتی از پادشاهان خود ایران، مثلا لوحه ای که شاپور اول نوشته وقتی فتح کرده حران را، آنوقت بی می بریم که کوروش یک انسان بسیار والا با اندیشه های فوق العاده ارجمند در زمینه حقوق بشر بوده. ولی به گمان من این باور خطایی است که فکر کنیم کتیبه ی کوروش اولین لوحه حقوق بشر است.

یک مقداری از این لوحه افتاده و وجود ندارد. یک جوکی ساخته بودند که می گفتند آن قسمتی که وجود ندارد مربوط به حقوق زنان است در ایران! آیا این قسمت ها پیدا شده؟ و اصولا آیا برابری زنان و مردان آن موقع بود؟ - ما یک مجموعه قوانین داریم به نام دات. مربوط به زمان کوروش و هخامنشیان است. می شود این قانون را مطالعه کرد. لوحه حمورابی هم در همان زمان نوشته شده. این هم الان وجود دارد. مجموعه قوانینی که در زمان هخامنشیان بوده با بابل در زمان حمورابی، قابل مقایسه نیست. ما بسیاری شواهد داریم که زن ها از حقوق فوق العاده بالایی برخوردار بودند. کتیبه هایی که در ایران هست در ایزد و در اشگفت سلیمان نقش شهبانوهایی داریم که متاسفانه در تاریخ ما اسم شان نیست. ما نمی دانیم اینها کی بودند و می دانیم که آن سی هزار لوحه ای که در تخت جمشید پیدا شد و بعد بردند به شیکاگو و تعداد را برگرداندند، زبان مهندسی هستند در تخت جمشید که دوپست کارگر زیر نظرشان کار می کرد. حتی شش هفت هزار سال پیش هم در آرتا تمام مهرهای اقتصادی که پیدا شده در گور زن هاست. ما می دانیم که زن ها به مقامات بالا می رسیدند. آرتامیس در ایسارلای خشیارشا و فرمانده نیروی دریایی بوده و ارتادخت وزیر داریی اشکانیان بوده. ما شواهد بسیار زیادی داریم که حقوق، مثلا ارث به نسبت تقسیم می شده...

... دو به یک نبوده...

ولی این را در نظر داشته باشید که زمانی که این حکومت های مرکزی شکل می گرفتند چه در یونان چه در ایران چه در چین، این مردها بودند که جنگیدند و این حکومت ها

را به قدرت رساندند و پایان عصر زن سالاری در جهان بود. در نتیجه طبیعی بود که بیشتر پادشاهان مرد باشند و از طریق پسر انتقال پیدا بکند. ما حقوق زنان را در ایران هخامنشی اگر می خواهیم ببینیم چقدر بوده، نباید با قوانین امروز بلکه باید با تلمود مقایسه بکنیم. آنوقت بی می بریم که چقدر اینها قدرت عظیمی داشتند. چه قدرت سیاسی چه قدرت اجتماعی و چه نقشی در تاریخ ایران بازی کردند.

دین کوروش چه بود؟

- تا آنجایی که ما اطلاع داریم هیچ نشانه ای خودش بروز نداده که چه آئینی را پیروی می کرده. هر جا رفته به خدای آنجا احترام گذاشته. هیچ سندی برای اینکه خودش آئینی را می پرستیده و یا تبلیغ می کرده وجود خارجی ندارد. ما در چیزهایی که در خود پاسارگاد که به هر حال مربوط به خودش هست می بینیم، نشانه هایی است از یک شخصی که آگاهانه می خواهد بگوید که من نماینده تمام این فرهنگ ها و تمام این دین ها و آئین ها هستم.

به کتاب ها و رمان های عشقی اشاره کردید. در مورد زندگی عشقی کوروش چه می دانیم؟ اشاره کردید به نام همسرش و گفتید آرامگاهش در روبروی آرامگاه خودش قرار داشته.

- شاید تنها شاه ایران است که بیش از یک زن نگرفت و فوق العاده هم دوستش داشت و در کارهای سلطنتی ما می دانیم که با او مشورت می کرده و راهنمایی می گرفته از کساندان. در تمام کتاب هایی که دیگران نوشته اند این زن را به هوش و درایت و مشورت با کوروش ستایش کرده اند.

تصویری از او هست؟

- تصویری وجود ندارد. ولی آشیل در نمایشنامه ایرانیان بسیار این زن را ستوده با وجود اینکه می دانیم آشیل یونانیان را در دشمنی با ایرانیان نوشت. یا هرودوت چندین صفحه راجع به اینکه این زن چقدر آدم دانشمند و فیهمی است از او سخن گفته کوروش به هر حال شاید تنها شاه ایرانی است که بیش از یک زن اختیار نکرد. بسیار دوستش داشت و از او صاحب پنج فرزند شد. همسرش پیش از کوروش در گذشت. برخی معتقدند که کنار قبر کمبوجیه است در نقش رستم. ولی من فکر می کنم آنجایی که اتفاقا به نام کمبوجیه معروف است در پاسارگاد باید آرامگاه کساندان همسر محبوب کوروش باشد. بی نهایت به این اصل پایبند بود و این را در رابطه با پاتنه هم می بینیم که با وجودی که زیباترین زنی بود که وقتی سرزمین شوش را فتح کردند به اسارت در آمد، کوروش وقتی فهمید که او همسر دارد او را به ابرادانس سپرد و گفت نگهش دار و بعد برش گرداند به شوهر که بعد آن سردار آمد و شد جزو سرداران کوروش.

در مورد مرگ کوروش دو تئوری خوانده ام. یکی گویند که مرگ عادی چهارم دسامبر ۵۸۰

و این آرامگاه را یونانی ها آن موقع

قبل از میلاد بود و تئوری دیگر می گوید که در جریان یکی از این جنگ ها به قتل می رسد.

- ببینید، بسیاری بر این باورند وقتی که رفت به شمال ایران و با ملکه سمرت ها که عاشقش هم گویا بوده، جنگید و در این جنگ شکست خورد و کشته شد و سرش را جدا کردند. تقریباً در هر موزه و گالری در دنیا بروید به ویژه در اروپا، یک نقاشی از سر بریده کوروش هست که آن ملکه ایستاده و تشتی از خون و جمله معروفی داخل این تشت است. و جمله معروفی است که می گوید با چوب زد به سرش و گفت که تو که اینقدر تشنه خون بودی حالا بیا بیاشام!

یعنی از پسرش خونخواهی کرد...

- بله. همه این داستان برخلاف تمام وقایع تاریخی است. در این صورت ما با آرامگاه کوروش چه کنیم که در آنجا اسناد بسیار زیادی وجود دارد که در آنجا به فاصله چند صد سال کسانی که رفته اند این آرامگاه را کاملا به شکل امروزی آن توصیف کرده اند. نقاشی کشیده اند از آن و هیچ کس چنین افسانه ای نگفته. شاید حدود ششصد سال بعد یونانی ها شروع کردند به ساختن این افسانه و به باور من در این افسانه او را به قتل رساندند. من سند معتبری جز این تابلوهای نقاشی و افسانه های یونانی ها برای اینکه رفته آنجا و کشته شده و بعد پیکرش را آورده اند اینجا دفن کرده اند ندیدم. حتی یونانی هایی که آمده اند و بازدید کرده اند از پاسارگاد گفتند که در آنجا در گذشت و همانجا هم دفن شده.

پس شما به این تئوری ارزش بیشتری برایش قائید؟

- بله، این تابلو به هر حال مضمون خوبی بوده برای نقاشی کردن به ویژه در یک دوره ای از تاریخ نقاشی اروپا قرن های ۱۷ و ۱۸ که اینها تازه با شرق آشنا شده بودند دنبال این افسانه ها بودند که پر و بال اش بدهند و نقاشی بکشند و بیشتر این داستان را گسترش دادند که بدین گونه به قتل رسیده.

ولی تاریخ درگذشت چه مرگ طبیعی و چه کشته شدن، همان ۴ دسامبر ۵۸۰ پیش از میلاد را می گویند.

- بله. بله.

اشاره فرمودید به اینکه اسنادی هست که نشان می دهد که کوروش در این آرامگاهی که الان می گویند به خاک سپرده شده. ولی باز عده ای ناباوران فکر می کنند که کوروش آنجا به خاک سپرده نشده و این آرامگاه را یونانی ها آن موقع

می ساختند برای افراد مختلف و ممکن است کس دیگری آنجا خاک شده باشد.

- قدیمی ترین سندی که داریم غیر از کتیبه هایی که در خود پاسارگاد هست، وقتی که اسکندر لشکر کشی کرد به ایران، یکی از تاریخ نگارانی که با ایشان می آمدند و وقایع را می نوشتند می رود و این مقبره را می بیند و کاملا داخل این آرامگاه چند و چون اش را تصور کرده. یعنی شاید یک صفحه و نیم جزئیات اینکه شمشیری که آنجا بود چه شکلی بود، لباسی که آن تو گذاشته بودند، اتاقی که در کنارش وجود داشت برای دو نگهبانی که آنجا بودند. با دقت اینها را تصویر کرده. بعد شاید تا سال ۱۳۳۰ ما اینقدر نقاشی از کسان مختلف در جاهای مختلف دنیا داریم که آمدند و این را نقاشی کردند، در موردش نوشتند. اسناد فراوانی وجود دارد که این مقبره از همان زمان بوده و جالب این است که اولین تصویری که شاید صد و خورده ای سال بعد از مرگ کوروش ما از آنجا داریم از مورخ یونانی، با آن آرامگاهی که امروز می بینیم هیچ تفاوتی ندارد. جز دو تا در سنگی که گویا کنارش بوده و این درها کنده شده و معلوم نیست الان کجاست.

در آن برنامه ای که چندی پیش در لندن داشتید تصویری را نشان می دادید از کاخ های دیگری که در اطراف پاسارگاد بوده که در طول تاریخ این کاخ ها ناپدید می شوند، سنگ هایشان را بر می دارند... دقیقا چه چیزهایی دو

رو بر مقبره کوروش قرار داشته؟ - پاسارگاد شهر خیلی بزرگی بوده. قبیله کوروش در آنجا زندگی می کردند. کوروش در حقیقت اولین باغ یا پردیس جهان را و اولین آبراهه فواره دار جهان را در آنجا به شکل یک علامت «بعلاوه» به عنوان چهار عنصر آب و باد و خاک و آتش و چهار سوی جهان ایجاد کرد و آرامگاه اش را گذاشت در قلب آن علامت «بعلاوه» که ساخته بود. در چهار گوشه ی این مقبره هم کاخ هایی ساخت. این کاخ ها بقایای پراکنده اش هنوز هست. ولی در طول تاریخ کسان مختلف نه تنها آرامگاه بلکه این کاخ ها را ویران کردند از جمله اینکه مثلا یک بار تمام سنگ های آن را کنندند در دوره مظفریان و یک مسجد آنجا ساختند. یکبار اتابکان تکه های دیگری را ویران کردند و کاروانسرای را آنجا ساختند. این کاروانسرا هنوز هست. ولی این مسجد را زمان جشن های

۲۵۰۰ ساله سنگ هایش را کنندند و برگرداندند به جاهای اصلی. من فکر می کنم اگر یک روزی کسی بخواهد می شود در دور و بر شیراز تمام پاسارگاد را بازسازی کرد. برای اینکه ویران اش کردند و مسجد از آن درست کردند، آرامگاه درست کردند و شهر از آن ساختند. بخش هایی هم در شاهچراغ شیراز و بخش هایی در هفت تنان شیراز هست. اینها را ویران و غارت کردند و بردند به اطراف دنیا. تصاویری هست که می بینیم چقدر از زمانی که اینجا بوده به صورت شهر همینطور هر کسی که از راه رسیده پاره هایی از تن این شهر را کنده و با خودش برده.

بعد از انقلاب آیا قسمت هایی

بوده که برداشته شده باشد؟ من یادم هست اوایل انقلاب پسر آیت الله منتظری مرتب اشیای عتیقه را می برد به لیبی و سوریه و آنجا می فروخت. آیا قسمت هایی از این آرامگاه را هم ممکن است برده شده باشد؟

- بی تردید اینطور است. برای اینکه ما تصاویری داریم که پیش از جشن های ۲۵۰۰ ساله و بعد از آن هست. از ۱۳۳۰ داریم که آقای علی سامی تهیه کرده. بعد خود شاه را داریم بر آرامگاه کوروش پیش از جشن های ۲۵۰۰ ساله. ما تصاویر بسیار زیادی داریم که آنجا ستون هایی بوده و دروازه های بوده و امروزه از هیچ کدام اینها نشانی نیست. من حتی خاطراتان باشد نقاشی هایی را نشان دادم که این انسان بالدری که برخی می گویند نیست من معتقدم این دقیقا تصویر خود کوروش بوده بر بالای این کتیبه که گفته بوده

منم کوروش شاه شاهان. این کتیبه را شکسته اند. ما نقاشی هایی از اوژن

فلاندن و نقاشان دیگری داریم که کاملا و بدون اینکه خوانده باشند (که بعد فوری به فرمان نرود که اینها می خواستند کوروش را بزرگ کنند و آن تئوری توطئه، در آن زمان خط میخی خوانده نشده بوده) اینا با دقت تمام آن حروف را در آن نقاشی کردند ولی امروز دیگر آن کتیبه وجود ندارد. شاید جالب باشد بگویم که در نزدیکی برازجان، یک ساختمان دیگر هست که شبیه آرامگاه کوروش است. در تمام دنیا فقط این دو ساختمان شبیه هم هستند که به نام گوردختر معروف است. فکر می کنم آنجا آرامگاه دختر کوروش باشد و اگر در آن تصویر هم مردم بروند و نگاه بکنند بالای سردرش جای خالی کتیبه را می بینند. بله، اتوسا دختر



کوروش. شما در همین موزه بریتانیا در قسمت ایران باستان تصاویری از سرباز هخامنشی، سنگ هایی از سرباز هخامنشی می بینید که تا حدود ۱۶ و یا ۱۷ سال پیش در پلکان تخت جمشید بوده است و امروز در موزه بریتانیا است.

در مورد ساخت و ساز در

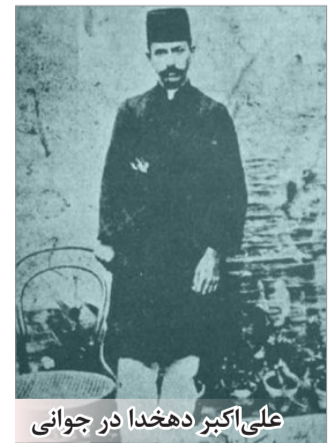
تنگه بلاغی و آن سد سیوند، چند سال پیش صحبت این بود که حکومت جمهوری اسلامی عمدا دارد آنجا سد سازی می کند برای اینکه این آرامگاه از رطوبت نابود شود. الان این آرامگاه در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا می تواند حفظ بشود با توجه به اینکه سد سیوند را ساخته اند؟

- سد سیوند آسیب هایی به آثار باستانی آن منطقه زد. بخش هایی از آثار تاریخی آن دوره که می توانست مربوط به دوره کوروش و بی گمان نزدیکی های آن باشد برد به زیر آب. بی تردید رطوبت سد چون در دشت است می تواند تاثیراتی در آینده بگذارد و می شود جلوگیری را گرفت. الان از نظر باستان شناسی کار بسیار ساده ای است. تا امروز آیا صدمه ای زده به آرامگاه کوروش؟ نه زده. برای اینکه میزان آب به آن حدی که فکر می کردند نرسید و مخالفت هایی که صورت گرفت یک تاثیراتی گذاشت. چون آب آمده بود بالا و داشت سرریز می شد به خود آن دشت مرغاب و همانجایی که پاسارگاد هست. فعلا آسیبی نرسانده ولی اگر همچنان بی توجهی و بی دقتی به این شکل باشد بیم این هست که در آینده این کار صورت بگیرد.

دکتر کویر، اگر کوروش کبیر

امروز زنده بود فکر می کنید با این بحران هویتی که جوانان ایرانی الان با آن روبرو هستند چگونه برخورد می کرد؟

- من فکر می کنم که همان کاری را می کرد که ۲۵۰۰ سال پیش کرد. چون همان موقع هم ما با چنین مشکلی روبرو بودیم. دعوت به دوری از دروغ، به تحمل، مدارا. یعنی تمام منشور کوروش این است که فرهنگ مختلف بتوانند در کنار همدیگر در صلح و آشتی زندگی کنند. به عقاید همدیگر، به زبان همدیگر، احترام بگذارند و پیام اش فکر می کنم پیام خرد و دانایی و آگاهی می بود همچنان که در ۲۵۰۰ سال پیش با این پیام توانست بزرگترین امپراتوری تاریخ را شکل بدهد. تاریخ انتشار گفتگوی ویدیویی: ۱۳ دسامبر ۲۰۱۶



علی اکبر دهخدا در جوانی

دیگر از «صوراسرافیل» را در ایوردون سویس منتشر کند. بعد هم که به سفر استانبول رفت چند شماره از روزنامه «ساوات» را و چندی بعد روزنامه «سروش» را انتشار داد. محتوای این انتشارات از بیسم الله تا ت تمت در ستایش آزادی، تقبیح استبداد و تنقید از ملایان بود. گفتار و رفتار علی اکبر دهخدا در سراسر زندگی پر حادثه او می توانست الگویی باشد برای همه آزادی خواهان تجربه اندوز ولی گمان می رود تجربه اندوزی از جامعه ی ما رخت بر بسته است.

از دوره ی دهخدا تا زمان ما چیزی حدود نود سال می گذرد. در این مدت دراز بارها و بارها نبرد میان آزادی و استبداد، بدعت و سنت، روشن اندیشی «این کار مجازات سنگین دارد و حالیچه چون انجام آن مجازات میسر نیست اقلا قتل را مجری بدارید!» عشق انتشار که در وجود دهخدا در اوج بود لحظه ای او را بیکار نمی گذاشت. به نیروی همین عشق توانست سه شماره

رو در رو با استبداد و ...

از صفحه ۵

او نیز می اندیشید که تا منادیان ارتجاع و واپسگرایی بر ذهن و عقلائیت ما تاثیر می گذارند برای ظلم و جور کارگران زمینه فراهم می آورند. پس مبارزه با استبداد هنگامی بار و بر می دهد که با ستیزه با واپسگرایی توام باشد. حتی می توان گفت که مبارزه با واپسگرایی باید مقدم بر درگیر شدن با استبدادیان باشد.

شماره های مختلف «صوراسرافیل» نشان می دهد که دهخدا تا کجا با آخوندها می جنگید و خطرات این کار را به جان می خرید. نمونه می آوریم: در مقاله ای با عنوان «ظهور جدید» با طنزی کمیاب و گزنده درباره ملایان نوشت:

«دو چیز را باید سبب بدبختی مردمان دانست: اول جهل و دوم تعبد. جهل را ملایان می پرانند و تعبد را کارگزاران حاکمیت برای حفظ وضع موجود به کار می بندند.»

دهخدا در یکی دیگر از مقالات خود در «صوراسرافیل» مرزها را زیر پا گذاشت و خطرها را نادیده گرفت و همه متولیان دین را علیه خود شوراند. او بدبختی ملت ایران را ناشی از

سرگشتگان آرمانی

از صفحه ۵

حکومت گل های پیرنیا یک بار هم با صدای الهه یکی از خوش صداترین خوانندگان سنتی پخش شده و به راستی خوب خوانده است. البته بعضی ها تفسیر قوامی را ترجیح می دهند. از آنجا که پری در ادبیات ایران مونث است عاشق سرگشته پری الزاما باید مرد بوده باشد.

این را هم حضوری از «سایه» شنیده ایم که در همان زمان شکفتن های هنری، شعر تازه ای را به خرم داده با عنوان «ستاره و آهو» که به ترانه برگرداند. انقلاب که پیش آمد همه کاسه و کوزه ها را به هم ریخت. «ستاره و آهو» نیز در میان آنها گم شدند. در اینجا نیز آهو در دشت و بیابان، سرگشته ی ستاره شده است و یک لحظه چشم از او بر نمی دارد. در واقع پری به آسمان ها رفته تا آهو خسته، دل اش را به دیدن ستاره خوش کند.

بعضی موارد وزیر مختارشان را نمی پذیرفته و کارهایی که می کند به هیچ وجه برایشان قابل قبول نبود. انگلیسی ها با زحمت زیاد امتیازات زیادی به دست آورده بودند که رضاشاه این امتیازات را رفته رفته از بین برد از جمله انتشار اسکناس و این چیزها را که از آنها گرفت و بانک ملی را ایجاد کرد. از همه اینها گذشته رضاشاه شروع کرد به اینکه در مورد درآمد نفت ایران از شرکت نفت لاقفل دو بار، به روایتی سه بار، ولی من دوبارش را به طور قطع دیده ام، به اصطلاح «دبه» در آورد که این کافی نیست. و این را آنها خیلی علیه رضاشاه به دل گرفتند. و از آنجاست که به نظر من بخصوص بار دوم کمر به قتل اش بستند. بار دوم زمان جنگ بود که انگلیسی ها ناچار شدند لاقفل برخی از چیزهایی را که رضاشاه می خواست در قرارداد جدید بکنجانند.

● در مورد خدمات رضاشاه، علاوه بر انتشار اسکناس و همین طور تشکیل بانک ملی، چه خدمات دیگری رضاشاه برای مدرن ساختن ایران انجام داد؟

- قبل از زمان رضاشاه، در مملکت ما به هیچ وجه مظاهر تمدن جدید پیدا نشده بود مثلا ما حتی مدرسه عادی نداشتیم. تمام بچه ها در مکتب خانه درس می خواندند و حتی کتاب درسی و اینها وجود نداشت. ایجاد مدرسه، ایجاد دانشگاه که در ایران نداشتیم از ایشان است. البته باز می گویند که ایشان سواد نداشتند ولی اطرافیان خوبی انتخاب کرده بود برخلاف پسرش، این اطرافیان آدم های تحصیل کرده ای بودند امثال فروغی، تقی زاده، داور و غیره. به کمک اینها ایشان توانست کشور را از آن وضع برهاند بخصوص توانست با برکنار کردن شیخ خزعل از خوزستان، درآمد نفت را برای ایران حفظ کند. به نظر من اگر رضاشاهی رضاخانی یا سردار سپهی پیدا نشده بود و نتوانسته بود خوزستان را برخلاف نظر انگلیسی ها، البته یکی از چیزهایی که ظاهرا انگلیسی ها را خیلی از رضاشاه دل آزرده کرده بود، همین گرفتن خوزستان بود برای اینکه ظاهرا انگلیسی ها می خواستند خوزستان را هم مثل کوبت به یک شیخ نشین تبدیل بکنند، باعث شد که ایران بتواند پولی داشته باشد و با آن پول بتواند مملکت را بسازد و اگر ما این خوزستان را نداشتیم، فکر می کنم وضع ما از وضع کشوری مثل افغانستان در آن سال و یا حتی کشورهایی مثل بنگلادش و غیره بهتر نمی توانست باشد.

● در مورد ایجاد راه آهن سراسری که شمال ایران را به جنوب وصل کرد، بعضی ها معتقد بودند که باید این راه آهن از شرق به غرب کشیده می شد. ولی رضاشاه مخالف این بود، درست است؟

- کاملا درست است. این مطلب حتی در مجلس مطرح شده بود و تعدادی از نمایندگان اصلا مخالف کرده بودند با ایجاد راه آهن. ولی رضاشاه متوجه بود که این وسیله ای است که در تمام کشورهای پیشرفته برقرار شده و از نظر ارسال محمولات اهمیت دارد. ایشان نه تنها راه آهن بلکه به راه سازی و جاده های شوسه هم خیلی توجه داشته. در زمان ایشان وزارت راه که ظاهرا راه آهن هم جزو آن می شد یکی از مهم ترین وزارت خانه ها بود. بعضی ها گفته اند به جای راه آهن بایستی کارخانه ی قند و فلان و بهمان بسازند. البته آن کارها را هم ایشان کرد. ولی ساختن راه آهن را واقعا لازم می دانست. و بعد هم به درستی معتقد بود که این راه آهن باید خلیج فارس را به شمال ایران متصل بکند برای اینکه راه ارتباط ما با دنیا از راه خلیج فارس است. در تمام این سال ها هر چیزی که به ایران وارد می شود با کشتی به خلیج فارس است بخصوص آن موقع. حالا یک مقداری هم با هواپیما می آید. ولی آن موقع همه چیز با کشتی می آمده به جنوب ایران و این بایستی به شمال می رسید. در صورتی که ساختن راه آهن از شرق به غرب به هیچ وجه نفعی برای ایران نمی توانست داشته باشد. فقط می توانست عراق را به افغانستان متصل بکند.

● کشف حجاب یکی دیگر از کارهایی بود که رضاشاه انجام داد. هم از ایشان تجلیل شده هم خرده گرفتند. ولی می دانیم که کشف حجاب یکی از خواست های اصلی انقلاب مشروطیت بود. ایرج میرزا، عشقی و ملک الشعراء بهار از جمله کسانی بودند که در آثار خودشان به این موضوع اشاره کرده بودند. نظر شما درباره کشف حجاب چیست؟ اگر کشف حجاب نمی شد آیا زنان ایرانی می توانستند پیشرفت هایی که تا کنون کسب کرده اند را داشته باشند؟

- کشف حجاب فکری نبود که با رضاشاه آغاز شده باشد. قبل از ایشان هم خیلی ها در این فکر بودند. برای اینکه رفته رفته بودند کشورهای اروپایی را حتی آمریکا را دیده بودند و فکر می کردند که این کار به نفع مملکت است و تا زمانی که این کار نشود، ۵۰ درصد مردم یعنی زن ها از امکانات اجتماعی بخصوص کمک به بهبود وضع اقتصادی به کنار می مانند. یعنی ۵۰ درصد جمعیت مملکت واقعا کمکی به پیشرفت مملکت نمی تواند بکند.

ادامه در صفحه ۲۳



رضاشاه

درآینه تاریخ

اطلاع می دهند خود احمدشاه بوده که خیلی نگران می شود و سعی می کند با وزیرمختار انگلیس تماس بگیرد ولی او در دسترس نبوده با کس دیگری در سفارت خانه تماس می گیرد و می گوید که گروهی در نزدیکی کرج جمع شده اند و می خواهند بیایند تهران را بگیرند و این باعث می شود که سفارت انگلیس دو نفر افسر (در مورد اسم اینها هم در جاهای مختلف به صورت مختلفی گفته شده یکی سرهنگ دوم هیگ یکی سرهنگ اسمایس یکی سرهنگ دیکسون و غیره) از سفارت به اضافه معین الملک رییس دفتر مخصوص احمدشاه و ادیب سلطنه سمیعی که معاون نخست وزیر را به اضافه آن دو افسر انگلیسی می روند آنجا و با رضخان و سید ضیال الدین ملاقات می کنند که اینها را منصرف بکنند. ولی رضخان که شخصا با اینها طرف می شود به هیچ وجه حرف اینها را قبول نمی کند و می گوید که وضع در مملکت اشفته است و ما این همه فداکاری کردیم و برای نجات مملکت آمده ایم. بعد هم وقتی که مکاتبات وزیر مختار انگلیس که بعد از وزیر مختاری که فرمودید وزیر مختار دیگری به اسم سر پرسی لورن رفته بود، او بخصوص روی این مطلب تکیه کرده در مکاتبات با وزارت خارجه و می گوید سردار سپه مرد خیلی وطن پرست و کارآمد و شایسته ای است و طرح هایی که سردار سپه برای برقراری امنیت و بخصوص تقویت حکومت مرکزی در ایران دارد را خیلی متهورانه و دلبرانه می داند. و جالب این است که مقامات انگلیسی در لندن به هیچ وجه به رضخان نظر خوبی نداشتند و این آقای سر پرسی لورن مرتب مجبور می شده که بگوید چرا ایشان فکر می کند که رضخان کسی است که به قدرت خواهد رسید و بخصوص تاکید می کند که به نفع دولت بریتانیا نیست که با ایشان در بیافتند. جالب این است انگلیسی ها که به شرط بندی روی اسب علاقه دارند و خیلی در انگلستان متداول است، سر پرسی لورن وقتی که رضخان به سلطنت

خوبی توانست این کار را انجام بدهد. بعد در حدود ۱۹۲۰ که انگلیسی ها نیرویی به شمال ایران به سواحل بحر خزر فرستاده بودند برای اینکه جلوگیری بکنند از نفوذ روسیه شوروی به شمال ایران، آن نیروها که اسم شان هم بود North Persian Force یا به طور خلاصه Nor Per Force، اینها در سواحل بحر خزر بودند و بعد در واقع قرارداد ایران و روسیه هم بسته شد و دیگر روس ها ظاهرا و برای مدتی به ایران نظری نداشتند و فعالیت زیادی در شمال ایران نداشتند، طبعاً انگلیسی ها تصمیم گرفتند نیروهاشان را از شمال ایران خارج بکنند و چون آبرونساید معروف شده بود به اینکه در این کار تخصص دارد او را به ایران فرستادند. ایشان وقتی که به ایران آمد چون نیروهای انگلیسی در شمال مستقر بودند طبعاً قسمت عمده این چهارماه و نیم را در شمال گذراند. یعنی در تهران هم نبود که اصلا رجال عمده یا چهره های شاخص آن زمان ایران را نظری به او نداشتند. علت اینکه این کتاب بیش از ۵۰ سال بعد از دوران اقامت ژنرال آبرونساید در ایران نوشته شده از دو حال به نظر من خارج نیست. یکی اینکه فرزند ایشان لرد آبرونساید می خواسته نقش پدرش را بزرگ بکند و دوم که به نظر من بیشتر قابل قبول است، خود انگلیسی ها می خواستند که رضاشاه را تخطئه بکنند و در نظر مردم ایران ارزش ایشان را پایین بیاورند و خواستند بفهمانند که ایشان دست نشانده آنها بوده.

● خبرگزاری فارس در مقاله ای که در پنجم اسفند ۱۳۹۲ منتشر کرده مدعی شده که ژنرال آبرونساید انگلیسی در دفتر یادداشت اش نوشته «تصور می کنم همه قبول دارند که من کودتا را مهیا کرده ام. دقیقا می توان گفت که من کودتا کردم.» نقش ژنرال سر ادموند آبرونساید انگلیسی در کودتای سوم اسفند چه بود؟

- این کتابی که به آن اشاره شده تحت عنوان Diaries of Sir General Ironside هست. یعنی یادداشت های روزانه، نه خاطرات. خاطرات می شود Memories. ولی این کتاب که من با زحمت زیاد نسخه ای از آن را پیدا کردم و مطمئن هستم کسانی که ادعا دارند این کتاب را دیده اند و براساس آن می گویند رضاشاه را آبرونساید روی کار آورد به هیچ وجه این کتاب را ندیده اند. این کتاب به صورت یادداشت های روزانه نیست و کتاب کوچک و مختصری است که فرزند ژنرال آبرونساید که اسمش لرد آبرونساید بود نوشته است نه خود آبرونساید. تکرار می کنم که به صورت یادداشت های روزانه نیست و این کتاب چیزی که جالب است بیش از ۵۰ سال بعد از زمانی که آبرونساید در ایران بود نوشته و چاپ شده است. آبرونساید در سال ۱۹۲۰ میلادی در ایران بوده و تمام مدت اقامت ایشان در ایران حدود ۴ ماه و نیم بوده است یعنی از ۴ اکتبر ۱۹۲۰ تا ۱۷ فوریه ۱۹۲۱. باید بینیم که اصلا آبرونساید برای چه به ایران آمده بود. همان طور که اطلاع دارید بعد از انقلاب بلشویکی در روسیه، کشورهای غربی و به خصوص بریتانیا سعی کردند که به اصطلاح

● یک مورخ روس به نام آقایف هفت سال قبل از انقلاب اسلامی نوشته بود که رضاشاه ناسیونالیست ترین فرد در تاریخ ایران است، انگلیسی نبوده و انگلیسی ها با او خوب بودند. بعد به نقل از آقای نورمن که سفیر بود در ایران گفته شده که رضاشاه آنقدر ضد انگلیسی است که هر کاری می خواهید در ایران انجام دهید شایعه کنید که این کار به ضرر انگلیسی هاست.



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

می رسد در خاطرات اش می نویسند خوشحالم که من پولم را روی اسب برنده گذاشتم. یعنی از اول فکر کردم که این آدمی است که به قدرت می رسد و آدم لایقی است و به نفع ما نیست که باهاش در بیافتیم. به هر حال در لندن مقامات انگلیسی همیشه با ایشان نظر موافقی نداشتند ولی سر پرسی لورن از ایشان خیلی تعریف می کند. ولی به هیچ وجه حالت این را ندارد که دست نشانده اینها بوده.

● می بینیم که خصومت انگلیسی ها با رضاشاه تا آن سال های آخر ادامه پیدا می کند و سعی می کنند اذهان عمومی را نسبت به رضاشاه بسیج بکنند با توجه به اینکه رادیوی بی بی سی هم مطالبی را علیه رضاشاه مرتب پخش می کرده.

- این کاملا قابل فهم است برای اینکه به زودی متوجه می شوند که رضخان حتی در

انقلاب بلشویکی را در نطفه خفه بکنند و برای این کار نیروهایی به شمال روسیه فرستادند که با روس های سرخ بجنگند. البته در این کار موفق نشدند و لنین و اطرافیان اش توانستند آن حکومت جدید را برپا کنند. ولی چیزی که بعدا پیش آمد این بود که انگلیسی ها می بایست این نیروی خودشان را از شمال روسیه بیرون بکشند. برای این کار البته از نظر نظامی که مخلص یک مدتی مدرسه نظامی رفته ام و می دانم این کار راحتی نیست، تعداد زیادی سرباز را از یک جایی به محل فرستادن منتقل کردن مستلزم وقت زیاد و کار زیاد است و می تواند با مشکلات زیادی روبرو بشود.

به این جهت ژنرال آبرونساید را انگلیسی ها به شمال روسیه فرستادند برای اینکه نیروهای انگلیسی را از شمال روسیه تخلیه بکند و ایشان این کار را کرد و ظاهرا هم به صورت

بیژن فرهودی - بیست و چهار اسفند، سالروز تولد رضاشاه، بنیانگذار سلسله پهلوی بود که در تاریخ ایران از وی به عنوان بنیانگذار ایران نوین نیز یاد می شود. دکتر ماشالله آجودانی در کتاب مشروطه ایرانی در مورد رضاشاه می نویسد: او قهرمان توانمند و مقتدر مشروطیتی بود که دموکراسی در آن در پای درخت استقلال و اقتدار ایران قربانی شده بود. رضاشاه دو خواست مهم مشروطیت ایران یعنی ایجاد حکومت مقتدر مرکزی و مدرن ساختن جامعه سنتی عقب مانده را با همه تناقضاتی که در تجدد ایرانی وجود داشت در برنامه کار خود قرار داد و در دو دهه چهره جامعه ایران را دگرگون ساخت. بعد از انقلاب اسلامی اما چهره دیگری از رضاشاه در رسانه ها و کتب درسی ترسیم شد و او را دیکتاتوری تحت کنترل انگلیسی ها که فقط به فکر منافع شخصی بود توصیف کردند. در گفتگویی با دکتر هوشنگ عامری نویسنده کتاب «رضاشاه و تحولات ایران معاصر» برخی جنبه های دوران سلطنت رضاشاه را که دکتر عامری از وی به عنوان «درخشان ترین چهره تاریخ معاصر ایران» یاد می کند مورد بررسی قرار می دهیم.

● یکی از نخستین پرسش هایی که در مورد رضاشاه مطرح می شود این است که چه عواملی باعث شد رضاشاه، سید ضیا و دیگران به فکر کودتا بیافتند؟

- این مطلب که رضاشاه را بسیار تخطئه کرده اند این به خیلی قبل بر می گردد و از همان سال های حکومت ایشان انگلیسی ها شروع به این کار کرده بودند و به نظر من برای اینکه بخواهند ارزش ایشان را در نظر مردم ایران پایین بیاورند زیاد در مورد ایشان بد گفته بودند و تشویق کرده بودند که بگویند که ایشان دست نشانده آنها بوده. بعد از دوران ایشان هم به نظر می رسد که توده های با این کار ادامه دادند برای اینکه نشان بدهند که ایشان دست نشانده انگلیسی ها بوده.

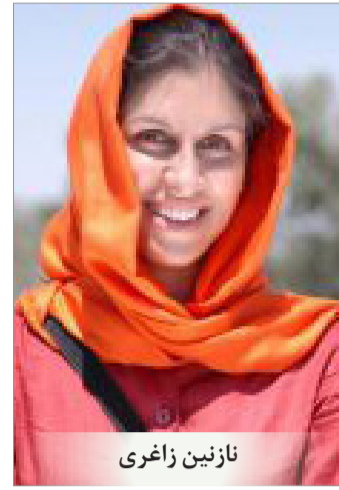
به نظر من علت اصلی اینکه یک گروه ۵ نفری به فکر کودتا افتادند وضعی بود که در دوران پاننی سلطنت قاجاریه به وجود آمده بود. این ۵ نفر عبارت بودند از رضا خان، سید ضیا، مازور مسعود خان کیهان و کاپیتان کاظم خان سیاح و احمد امیراحمدی بود که بعدها به عنوان سپهبد امیراحمدی معروف شد. کشور در حال تجزیه بود. در هر گوشه ای از کشور ما یک نفر به پا خاسته بود و علیه حکومت مرکزی که بسیار ضعیف بود فعالیت می کرد. مثلا در گیلان، میرزا کوچک خان جنگلی حکومت جمهوری سوسیالیستی برپا کرده بود. در مازندران امیر موید سوادکوهی، نایب حسین کاشی در یزد و اصفهان و کاشان مشغول شرارت بود. در آذربایجان غربی اسماعیل آقا سمیتقو که با داشتن نزدیک به ۲۰۰۰ سوار مسلح سر از اطاعت دولت پیچیده بود و تمام خطه آذربایجان را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده بود و همینطور در قسمت دیگری از آذربایجان شیخ محمد خیابانی که به اصطلاح بنیانگذار دموکرات های آذربایجان بود دست به قیام مسلحانه زد و آذربایجان را به «آزادبستان» تبدیل کرد و از اوامر حکومت مرکزی سرپیچی کرد. در فارس صولت الدوله قشقایی، در کردستان سردار رشید، در لرستان مهرعلی خان و در بلوچستان شخصی به نام دوست محمدخان. البته در خراسان که این معروف تر بود، کلنل محمدتقی خان پسپان افسر ژاندارم در صدد تهیه مقدمات برقراری یک دولت مستقل بود. ولی از همه بدتر در خوزستان شیخ خزعل با حمایت بی دریغ دولت بریتانیا دعوی سلطنت و حکومت مستقل آن خطه را داشت و با تشکیل اتحادیه عشایر جنوب در فکر جدایی خوزستان و تشکیل عربستان آزاد بود. به نظر من این وضع بود که باعث شده بود که مردم آماده بشوند آدمی مثل رضخان را در آن شرایط سیاسی و اجتماعی بپذیرند و این وضع کشور در آن زمان بود که زمینه های ظهور زمامدار قدرتمندی را که در عین حال اصلاح طلب و وطن پرست بود اقتضا می کرد و اینها با هم یک پیمان اتحادیه بستند و هم قسم شدند که به همدیگر خیانت نکنند و هر ۵ نفر هم همیشه تاکید کرده اند که برای نجات ایران از چنگ بیگانه به طرح این کودتا و اجرای آن پرداخته اند و جالب این است که رضا خان و مازور مسعودخان کیهان هیچ وقت چیزی در مورد کودتا نگفتند. ولی دکتر صدرالدین الهی در سال های آخر زندگی سید ضیا موفق شد یک رشته مصاحبه های طولانی با ایشان و بعد هم مصاحبه هایی با کاظم خان سیاح انجام بدهد که اینها را آقای دکتر الهی به صورت کتابی منتشر کرده که خیلی خیلی جالب است و خیلی از نکات غیر روشن آن دوران را روشن می کند. ولی خود رضاشاه و مازور مسعودخان هیچ چیز در این مورد نگفتند سپهبد امیر احمدی هم در یک کتابی که آقای غلامحسین زرگری نژاد به عنوان خاطرات نخستین سپهبد ایران نوشته توضیحاتی درباره آنچه در آن روزها گذشته داده که آن هم کتاب بسیار جالبی است.

● یعنی اگر رضاشاه دست به یک چنین

انقلاب بلشویکی را در نطفه خفه بکنند و برای این کار نیروهایی به شمال روسیه فرستادند که با روس های سرخ بجنگند. البته در این کار موفق نشدند و لنین و اطرافیان اش توانستند آن حکومت جدید را برپا کنند. ولی چیزی که بعدا پیش آمد این بود که انگلیسی ها می بایست این نیروی خودشان را از شمال روسیه بیرون بکشند. برای این کار البته از نظر نظامی که مخلص یک مدتی مدرسه نظامی رفته ام و می دانم این کار راحتی نیست، تعداد زیادی سرباز را از یک جایی به محل فرستادن منتقل کردن مستلزم وقت زیاد و کار زیاد است و می تواند با مشکلات زیادی روبرو بشود. به این جهت ژنرال آبرونساید را انگلیسی ها به شمال روسیه فرستادند برای اینکه نیروهای انگلیسی را از شمال روسیه تخلیه بکند و ایشان این کار را کرد و ظاهرا هم به صورت

ویدئو

رضا شاهینی، گرفتار پروژه امنیتی سپاه و سکوت معنی دار دولت روحانی



نازنین زاغری

● سکوت آقای روحانی و دولت، این رویکرد را تأیید و تشدید می کند که انگار تقسیم کار کرده اند: یک عده برای ایرانیان دوتابعیتی دانه می پاشند و عده ای دیگر پس از ورود به کشور آنها را دستگیر می کنند؛ مگر اینکه دولت به صراحت در مقابل آن ایستادگی کند که تا امروز چنین نکرده است.

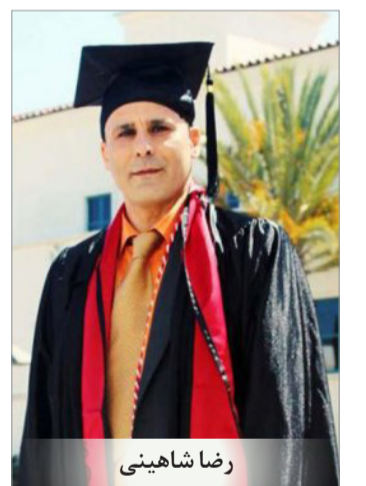
کامیار بهرنگ - در سال های اخیر شهروندان دو تابعیتی در ایران به تکرار بازداشت و زندانی شده و با تبدیل به ابزار فشار علیه کشورهای غربی به ویژه آمریکا مورد معامله قرار گرفته اند.

شناخته شده ترین مورد، دستگیری و قتل زیبا (زهرا) کاظمی شهروند ایرانی - کانادایی بود که حتی به مجلس شورای اسلامی (دور ششم) کشیده شد و البته بدون آنکه از نظر حقوقی به نتیجه ای برسد.

پس از روی کار آمدن دولت روحانی در چهار سال پیش، این بازداشت ها بیشتر و به گروگانگیری تبدیل شد.

در حال حاضر سعید ملک پور، کمال فروغی، رویا نوبخت، سیامک نمازی، باقر نمازی، نازک افشار، نازنین زاغری، احمد رضا جلالی، کارن وفاداری، آفرین نیساری و رضا شاهینی به عنوان شهروندان دو تابعیتی در زندان بسر می برند. این در حالیست که خانواده های برخی از زندانیان دوتابعیتی به گمان اینکه اعلام نکردن نام عزیزان شان می تواند به آزادی آنها کمک کند، بازداشت آنها را پنهان می کنند و به همین دلیل آمار دقیقی از زندانیان دوتابعیتی در دست نیست.

برخی از زندانیان دوتابعیتی که خبرهای جسته و گریخته از آنها شنیده می شود در وضعیت روحی و جسمی بسیار بدی قرار دارند؛ بر اساس آخرین خبرها، نازنین زاغری دچار ریزش مو



رضا شاهینی

شده و تعادل خود هنگام راه رفتن را از دست داده است.

در این میان، در هفته گذشته تعدادی از روزنامه نگاران و فعالان سیاسی، سکوت در مورد وضعیت رضا شاهینی، شهروند ایرانی - آمریکایی را شکستند و در مورد او اطلاع رسانی گسترده ای را آغاز کردند. بخشی از این پیام های ویدیویی در صفحه فیس بوکی «کارگاه آموزش شهروندی» منتشر شده است. حسن شریعتمداری، پژوهشگر و فعال سیاسی از اولین کسانی بود که در این زمینه اقدام کرد. وی در گفتگویی با کیهان لندن به بررسی دستگیری و زندان رضا شاهینی و همچنین موضوع بازداشت و گروگانگیری شهروندان دوتابعیتی پرداخته است.

● آقای شریعتمداری، شما یکی از اولین کسانی بودید که در روزهای گذشته برای آزادی رضا شاهینی، شهروند ایرانی - آمریکایی که در حال حاضر در زندان به سر می برد کارزاری به راه انداختید. دلیل این اقدام چه بود؟

- در بین دو تابعیتی هایی که چندین

سال گذشته دستگیر شده اند تا به واسطه آنها نظام با کشورهای غربی مذاکره کند ایشان وضعیت خاصی دارد. خاص بودن از آن جهت که فرد یا نهادهای به طور مشخص پیگیر وضعیت او نبود و بعد از اینکه حکم اش به اجرا درآمد بنا به اطلاعاتی که به دست من رسید، اعتصاب غذا کرده بود که حتی خبرش هم در همان موقع منتشر نشد. از سوی دیگر در زندان گرگان با بد رفتاری بسیاری مواجه شده؛ مجموعه این عوامل بود که دیدم باید صدای بی صدایان باشیم. افرادی که در شهرستان های زندانی هستند اغلب بیشتر مورد ظلم قرار می گیرند چرا که واکنشی در مقابل این ظلم ها وجود ندارد. نمی خواهم بگویم باید میان زندانیان فرقی قائل شد اما از این جهت وی دارای اهمیت بیشتری در این مقطع زمانی است و ما باید یک مورد مشخص را برجسته کنیم تا نشان دهیم جمهوری اسلامی چگونه هموطنان خود را به گروگان می گیرد و آنها را وسیله ای برای معامله قرار می دهد.

● بحث معامله بر سر این شهروندان دو تابعیتی سابقه طولانی دارد. به باور شما نظام از این اقدامات به دنبال چه اهدافی است؟

- در حقیقت با این کار جمهوری اسلامی می خواهد با حساس کردن افکار عمومی فشاری به روی دولت



حسن شریعتمداری

آمریکا یا یک دولت غربی دیگر بیاورد. حالا این فشار منجر به یک داد و ستد یا گفتگوی پنهانی می شود که هدف اصلی جمهوری اسلامی ست یا اینکه یک عدم تعادل در دستگاه سیاسی آن کشور اعمال می کند. هر کدام از اینها باشد در واقع جمهوری اسلامی موفق شده و به هدفش رسیده است.

اما باید بگویم که ماجرا عمیق تر از این است. جمهوری اسلامی اصولاً نظامی ست دشمن انگار که به هر کسی که در خارج از ایران باشد و به نوعی با دستگاه های مربوط به نظام در تماس نباشد یا خودش را به آنها نزدیک نکند با دیده شک و امتیعی نگاه می کند. از دید آنها این افراد با دشمن نظام در داد و ستد هستند، بخصوص اگر در حال رفت و آمد به ایران باشند. حال اگر موردی را پیدا کنند که این فرد در فیس بوک یا هر رسانه اجتماعی دیگری فعالیت هایی را که مطابق سلیقه آنها نیست داشته باشد آن وقت این تئوری توطئه تکمیل می شود و شخص را دستگیر و محاکمه می کنند.

ادامه در صفحه ۲۳

سبزه و ماهی قرمز، جزو سفره های هفت سین یا مخرب محیط زیست؟



سبزه را در آب جاری و نه آب ساکن بیاندازند تا غذای حیواناتی بشود که در آب زندگی می کنند به این معنی که حتی قسمت دور انداختن آن هم نباید موجب آلودگی محیط زیست شود. ابوعمشان الجاحظ کتابی به نام «المحاسن والأضداد» دارد که در آن به همین مساله پرداخته است که حتی در دوره ساسانیان هفت دانه را روی هفت ستون می کاشتند و بعد از آن غذا تهیه می کردند، اگر به آن شکل به موضوع سبزه نگاه کنیم که باید اصلاً مساله گل و گلکاری و همه اینها را به دور بیاندازیم!

● در مورد ماهی قرمز برخی بر این باورند که ماهی نقش تاریخی و فرهنگی در سفره هفت سین ندارد. چقدر این نظر به واقعیت نزدیک است؟

- باید این موضوع را به صورت ریشه ای نگاه کنیم. ماهی قرمز و سفره هفت سین و چهارشنبه سوری امور جدید و از اروپا آمده و مربوط به دوران قاجار نیست. در مورد تاریخ نگاری باید به این موضوع توجه کنیم که به هیچ عنوان رسم بر این نبوده که جایی نوشته باشند «ما بر سر سفره خود ماهی قرمز می گذاشتیم»، بلکه تاریخ نگاران به نوروز دربار می پرداختند و کمتر به فرهنگ مردم و عامه اشاره می شد. پس ما باید به سراغ سنگ ها و سفال ها و نقاشی ها و از داخل زندگی مردم به دنبال ریشه ها باشیم.

در ایران باستان نمادی از حاصل خیزی و نقش دو ماهی به عنوان علامت ماه اسفند از نزدیک به پنج هزار سال پیش وجود داشته است. الهه مادر در ایران باستان که نقشی از آن در پاسارگاد دیده می شود کاملاً به شکل ماهی ست. در تمام تصاویر که در سه هزار سال پیش به این سو وجود دارد برای مثل در درخت زندگی که نمادی بسیار مهم در تاریخ ایران محسوب می شود ماهی در واقع محافظ این درخت محسوب می شود. از سوی دیگر نشانه هایی از ماهی در زندگی مردم عادی آن هم در مناطقی که ماهی وجود نداشته در دسترس است. شما به همین نماد در تخت جمشید نگاه کنید متوجه این امر می شوید. نمونه های بسیاری از وجود نماد ماهی در زندگی ماهی و استفاده آنها در مراسم خاص وجود دارد.

باید بگویم این ماهی ها در باورهای مردم هم حضور داشته است. همان طور که نماد آخرین ماه سال دو ماهی ست و درست در نقطه اعتدالی یعنی در اعتدال بهاری قرار می گیرند. از آنجا که در آخرین روز سال این دو ماهی حرکت می کنند و ناپدید می شوند که برج حمل آغاز می شود مردم باور داشتند که اگر ماهی به تقلید از دو ماهی در آسمان در لحظه تحویل سال رقصی در بلور آب خواهند کرد و برای همین این دو ماهی قرمز را بر سر سفره های هفت سین خود قرار می دادند.

امیدواریم با این توضیحات از زاویه محیط زیست و همچنین تاریخ و فرهنگ، در سفره های هفت سین ایرانیان و همه ای کسانی که نوروز را جشن می گیرند، هم به نکات حفظ و حرمت محیط زیست توجه شود و هم بر اساس آن آیینی باستانی حفظ شود که هزاران سال سینه به سینه به نسل های امروز رسیده است.

نوروزتان با هر سفره ای هفت سینی که چیده اید، شاد و خجسته باد!

اطلاعاتی که در اختیار ما گذاشتند، پای صحبت دکتر محمود کویر نشستیم تا از نظر تاریخی نگاهی به سفره های هفت سین بیندازیم.

● آقای دکتر کویر، اگر امکان دارد برای خوانندگان کیهان لندن توضیح بدهید که سبزه چه نقشی در هفت سین داشته و آیا این سبزه در طول تاریخ به شکل های گوناگون در سفره های نوروزی ایرانیان حاضر شده؟

- سبزه تاریخی بسیار طولانی دارد و به شکل های متفاوتی هم استفاده



دکتر محمود کویر

می شد. نشانه های گوناگونی از اینکه سبزه بر سر سفره هفت سین بوده در تاریخ ما وجود دارد. افراد بسیاری هم در طول تاریخ نقل کرده اند که این سبزه به چه شکل هایی بوده است، برای مثال می دانیم که برابر تخت جمشید ۱۲ ستون در همان پلکان آپادانا وجود داشته که به روی آنها ۱۲ غله را برای باروری، نیرو گرفتن از طبیعت و شادمانی کردن نوروزی سبزه می کردند. نمونه های دیگری هم وجود دارد که برای مثال گفته می شود بر سر سفره های هفت سین هفت گیاهی که با سین آغاز می شده را می گذاشتند و همگی نماد طبیعت بوده. حتی در مواردی گفته



می شود که از این هفت سبزه آشی تهیه می کردند یا نان می پختند.

ما موضوع سبزه را در فرهنگ خودمان در ادبیات و فرهنگ عامیانه و کلاسیک مشاهده می کنیم. نکته جالب اینجاست که این موضوع در فرهنگ های دیگر هم دیده می شود. آغاز اعتدال بهاری و فصل کشت و کار هم اهمیت دارد و این در واقع جدا از آن ریشه ای آیینی اش است.

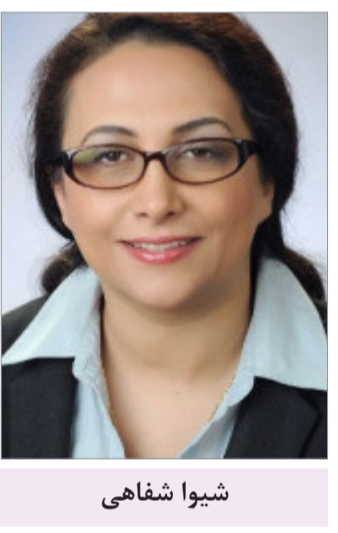
● البته موضوع بازگرداندن سبزه ها به طبیعت هم مطرح است. آیا این کار در طول تاریخ به شکل های گوناگون انجام می شده؟

- به این موضوع توجه داشته باشید که در گذشته این رسم بود که حتما

این در مورد کانال ها و آب های ساکن وضعیت بدتری هم خواهد داشت. حذف سبزه را همانطور که گفتیم کاملاً نادرست می دانم چرا که حذف بخشی از فرهنگ ماست. این می شود که به تدریج باید در مورد سمینو و سیب و... هم بحث کنیم و به این ترتیب هفت سین از هویت خود خالی خواهد شد. افراط را به پای فرهنگ خودمان ننویسیم و توجه داشته باشیم که خواسته یا ناخواسته به اسم محیط زیست به سمت حذف فرهنگی نرویم که اتفاقاً در صورت رعایت نکاتی ساده، هیچ ضرری برای ما ندارد.

● مورد دیگری که مطرح می شود در مورد ماهی قرمز است. چقدر این نگهداری و البته انداختن آنها به طبیعت می تواند ضرر داشته باشد؟

- ماهی قرمز به باور من ربطی به سفره های هفت سین ندارد. از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که محل نگهداری این ماهی ها در خانه ها (تنگ های کوچک) برای زیست آنها بسیار نامناسب است. یعنی میزان مترمکعب آبی که برای آن ماهی باید در نظر گرفته شود هم از جهت امکان شنا کردن و هم میزان اکسیژنی که در آب وجود دارد نامناسب است. از سوی



شیوا شفاهی

دیگر تنگ شیشه ای به صورت طبیعی مواد غذایی ندارد و به همین دلیل شما باید به ماهی غذا بدهید (با اینکه این مدل از ماهی های قرمز جزو دسته همه چیز خوار محسوب می شوند). از سوی دیگر از آنجا که شرایط نگهداری بسیاری از این ماهی های قرمز نیستند از خرید مشخص و بهداشتی نیستند امکان سرایت بیماری پوستی از طریق آنها وجود دارد. از دید من حبس کردن ماهی در یک فضای کوچک جدا از تمام آنچه گفتیم کاری انسانی هم محسوب نمی شود.

این ماهی از جنس ماهی های آکواریومی نیست. این ماهی ها در

حجم بالایی تنها به همین منظور تولید می شوند و بسیاری از آنها حتی به صورت رنگ شده به فروش می رسند. بر گرداندن این ماهی ها به طبیعت هم می تواند مشکل زا باشد؛ همان طور که بیشتر گفتیم این ماهی های توانمند بیمار و صد البته ناقل بیماری باشند. جدا از امکان انتقال بیماری هم می توانند تخم ماهی های دیگر را مصرف کنند و تعادل زیستی آنها را بر هم بزنند. این ماهی های قرمزی که امروز می بینیم با آنهایی که یک زمانی در حوض خانه ها بودند متفاوت هستند و باید به این نکته توجه کنیم.

● برخی از این صحبت می کنند که انداختن این سبزه ها به آب هم ضرر دارد، اگر امکان دارد در این مورد توضیح بدهید.

- نکته این است که در فرهنگ ما بوده که سبزه را باید روز سبزه بدر به طبیعت بازگردانیم. من در مورد اینکه حتماً سبزه را به آب بیاندازیم باید بگویم شاید دو هزار سال پیش ممکن بوده و مشکلی هم پیش نمی آمد اما اگر امروز جمعیت ۷۰ میلیونی ایران بخواهد این کار را انجام دهد به یقین مشکل ساز خواهد شد. اما در مورد اینکه آن سبزه به طبیعت بازگردد دقیقاً به همان بخش اول صحبت هایم برمی گردد که اگر حجم این سبزه ها کم باشد می توان آنها را در مکان های مشخص کاشت یا حتی کاری کرد که سریع به خوراک پرندگان تبدیل شود. امروز انداختن سبزه ها مخصوصاً در حجم زیاد به رودخانه ها می تواند به صورت بیولوژیک رودها را آلوده کند.

نوروز

حصر و زندان نمی شناسد

کیهان لندن و کارکنان‌اش فرا رسیدن بهار و نوروز ۹۶ را به همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران و به همه‌ی هم‌میهنانی که در حصر و محدودیت بسر می‌برند و خانواده‌های آنان شادباش می‌گوید.

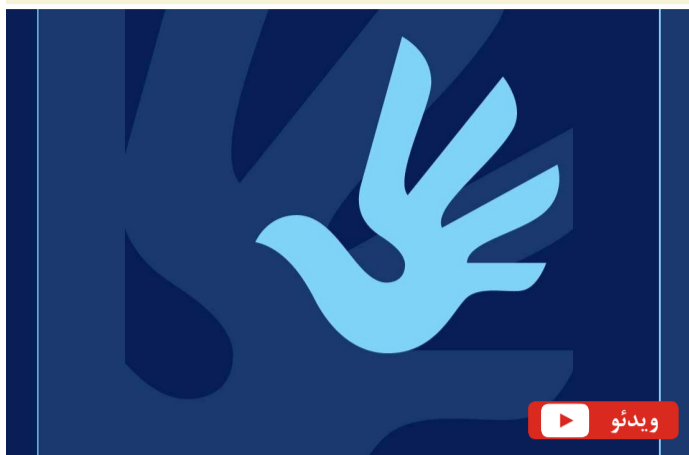
برای یادآوری حقوق زندانیانی که به دلیل عقاید سیاسی و باورهای خود نمی‌توانند بر سفره‌ی هفت‌سین در کنار خانواده و عزیزان خود، آغاز سال نو و بهاری دیگر را جشن بگیرند، نام آنها را که در دست داریم در این شماره‌ی نوروزی منتشر می‌کنیم.

این فهرست به دلیل عدم آزادی اطلاع‌رسانی و شرایط موجود در ایران ممکن است ناقص و یا نادقیق باشد و یا (امیدواریم) برخی از اینان در آخرین روزها و ساعات سالی که پشت سر می‌گذاریم، آزاد شده باشند. ما فقط می‌خواهیم تأکید کنیم که دیوارهای حصر و زندان سبب فراموشی زندانیان سیاسی و عقیدتی نمی‌شود، به ویژه در نوروز.



عبدالکریم گرجی	کامیل نجاتی	رضا عبیدلوی	نامدار قادری	بهناز زاکری	عمر قادر عبدالله	عبدالمالک میربلوچزی	مصیب وطنخواه	ایوب آراسته	محمدعلی عمورینژاد
فرهاد ساعد موحشی	ملکمحمدآبدیان	احمد نصیری	حسین ساعدموحشی	کامران شیخه	پرویز عثمانی	ناظم برهه‌ی	ایوب پرکار	یحیی سهرابزی	قدریه قادری
نوید شجاعی	سامن ابراهیمپور	حسن عیبات	مطهره بهرامحقیقی	داود عبدالهی	فواد بابائی	ایوب کریمی	فرهاد شاهنظری	عبدالرحمان ریگی	لطیف حسینی
احسان مازندرانی	نعمت فتحی	جاسم سواعدی	سید احمد هاشمی	هیوا پورمند	ناصر پیری	رضا اکبریمفرد	امینالله دهمرده	فریدین فرجی	ابراهیم قدریفر
علیرضا اشترک	محسن دانشپور مقدم	سهیل عربی	امیرامیرقلی	عزیز محمدزاده	سلمان خلیلیپور	علیرضا فرهانی	طاها کریمی	فرزاد پورمرادی	عبدالله المنصوری
ابراهیم زرین	سید محمدمیلاد شهبانی	جاسم کروشاوی	سوسن سلیمانی	فرشاد دارائی	فرامرز نجفی	محمدشیر کوحسنپور	جمال قادرنژاد	مصطفی سمعی	مراد ثقفی
محمد بلوچ	علی محمدی مقدم	محمد متین	ریحانه طباطبائی	کاوه شریفی	کریم زمانی	هادی تام	امید تام	بهرام مرومی	امجد سلیمانی
جووا گرجی	سیمین میرزائی	جووا گرجی	زیبا پورحبیب	فواد یوسفی	علی لویی	خلف زبیدی	محمد شاهقاسمی	سید سامی حسینی	سید سامی حسینی
سامان نسیم	رضا مکرری	سامان نسیم	حسین درویشی	عمر پیرنیا	حامد عزیزی	ناصر جلالی	حامد تقیپور	امیررضا عارفی	میتاق یزداننژاد
طاهره ریاحی	شیرزاد فلاحی	طاهره ریاحی	سعید فقیهپور	شهابالدین ایوری	الهه برمکی	یپه‌زاد ترحکی	مسعود بهنام	حمید بابائی	علی عبدالله المنصوری
زینب کریمیان	قادر ریگی	زینب کریمیان	ابوبکر هزبری	خسرو بشارت	خالد عمونی	وریا امیری	رسول عبداللهپور	عباس اوغر	علی حسینیانندی
مهدی رجبیان	چنگیز مقدمپور	مهدی رجبیان	علی رحیمی	اسد صلواتی	راضیه حکیمی	سامان محمدی	رحمان وفائی	چنگیز قدمخیر	کیوان مومنیفرد
حسین رجبیان	سعید صلواتی	حسین رجبیان	احمد دانشپور مقدم	فواد رزاززاده	موسی اشرفی	محمدعلی طاهری	لقمن مرادی	علی آذر یفر	باقر غلامی
یوسف عمادی	عبدالقادر بازبانی	یوسف عمادی	مهدی دولتی	هیوا طاها احمد	فرحناز مقدم	سیامک یاقوتی	محمدامین رئیس	عیسی سحرخیز	سحر الیاسی
رسول رضوی	علی اهرم	محمد مظفری	یاسر مجیدی	فاطمه رهنما	فرهاد اقبالی	فرهاد اقبالی	عمر قهرمانزهی	علی باقری	سحر الیاسی
محمد مظفری	علی عبدی	محمد مظفری	حمزه حسینزاده عساکره	رحیم مدادی	امیرنوذر نوذرپور	امیرنوذر نوذرپور	جعفر شاکری	فرهاد اطلسی	تاجمحمد کلکی
سمکو خلقتی	محسن دریانوش	سمکو خلقتی	مهدی عزیززاده فخرآبادی	بهزاد امینی	اسماعیل عبدی	اسماعیل عبدی	والی دورودی	علی یگانه	عبدالحق براهونی
علی توفیقی	سهند علممحمدی	علی توفیقی	صابر مامدی	مصطفی فقیه	فریدون نجفی	فریدون نجفی	محمد مهدی ستودهنیا	دیاکو رسولزاده -	عبدالله مچگوری
مجید کمبی	سامان محمودی	مجید کمبی	رحمان رشیدزاده	حجارت خاتمی	شاپور اسرخ	شاپور اسرخ	عثمان مصطفیپور	مصطفی عزیز	عبدالقادر بازبانی
میرحسین موسوی خامنه	محمد شریف	میرحسین موسوی خامنه	غلامرضا حسینی	محمد امینیپور	مصطفی سبزی	مصطفی سبزی	حسن سیسختی	جلیل محمدی	جلیل محمدی
موحد	نیکا خلوصی	موحد	سروه عبدی	جهانبخش احمدی	مسعود رضائی	مسعود رضائی	ماتی خوارزمی	ضیالدمین نبوی	ضیالدمین نبوی
مهرداد آهنخواه	علیرضا بابائی	مهرداد آهنخواه	علیرضا بابائی	محمد امین عبدالمهدی	همن حسنزاده	همن حسنزاده	گلناز آهنگخوش	مختار صالحی	حسین فروهیده
حسن ناصر	رحیم علائی	حسن ناصر	رحیم علائی	علی مرادی	جمال امینزاده	جمال امینزاده	رضا انتصاری	یعقوب ملکی	ابراهیم ریگی
علی قادری	نظمین حیدری	علی قادری	احمد اعلمه‌پولی	حسن اوهامی	امید دیباچی مگری	امید دیباچی مگری	طاها اسکندریان	مصطفی محمدی	فرزاد هنر جو
جوواد آبادیان	قادر عبداللهزاده	جوواد آبادیان	کیخسرو شرفیپور	علی صالحی	داود اسدی	داود اسدی	ادریس بلیدهای	ارداهالی	محمدصابر مالکرتیسی
حسن آشتیانی	چاری محمدمرادف	حسن آشتیانی	عماد منابی	احمد قربانی	فرهاد اقبالی	فرهاد اقبالی	حافظتوحید قریشی	سعید رضائی	محمداسماعیل ملازهی
سید امین موسوی	امیر قاضیانی	سید امین موسوی	امیر قاضیانی	منصور زردویی	محمد حسین ایپانلو	محمد حسین ایپانلو	علی شرعیتی	میثم محمدی	عالم برهمنشی
میلاد بنسعد	امیر گلستانی	میلاد بنسعد	علیرضا رسولی	حسین نوذری	مرتضی رحمانی	مرتضی رحمانی	فتحالله آشتیانی	کامران مرتضائی	عبدالحق کوهی
علی زینبوند	جوواد یوسفپور	علی زینبوند	عطا فرساد	عبدالله عمر پور	ناصر حسینیاصفهانی	ناصر حسینیاصفهانی	امانالله بلوچی	نوید خانجانی	عباس حیدری
فرید آزموده	محسن خداندهلو	فرید آزموده	هادی حیدری	عادل مرادی	انور رحمانی	انور رحمانی	فاطمه مثنی	رضا زارع	یونس آقایان علیبیگلو
زهرا رهنورد	حسین نجفی	زهرا رهنورد	وحید جعفری	افشین ندیمی	صالح کهندل	صالح کهندل	امین رئیسی	حبیبالله لطیفی	ابراهیم عیسیپور
مهدی کربویی	عبدالامیر چلچلوی	مهدی کربویی	عبدالاحد جلیلزاده	امیر حسین صیرفی	بشیر بلیدهای	بشیر بلیدهای	شورش آینه بوکانی	محمدشیر شاهنوش	حیدر رشیدی
محمدامین اکرمیپور	احمد مثنی	محمدامین اکرمیپور	عبدالامام زابری	اکبر امینی ارمنکی	امید زارعینژاد	امید زارعینژاد	سالا سعیدی	حسین عثمانی	علی معزی
عبیدالله بلوچ	سجاد بیتعبالله	عبیدالله بلوچ	ارژنگ داوودی	هادی عبادیان	حمید نوید	حمید نوید	صابر شیخعبالله	عقیف نعیمی	مصطفی سلیمی
کامیل شیربفرازه	آرمان پرویزی	کامیل شیربفرازه	فواد فهندژ	عبدالستار شیخ	جمال قادری	جمال قادری	حسین رفیعانود	حسن رستگاری	طالب ملکی
محمد رضا احمدی	نجف عبدالرحمان	محمد رضا احمدی	محمد عمر پور	نورمحمد فویدل	مصطفی مصری	مصطفی مصری	بهنود قلینزاده	عزیزالله سمندری	امید محمودی
عرفان مجیدی	ابوبکر بهرامزهی	عرفان مجیدی	پویا تیبانیان	حامد روحینژاد	مهرداد پناهی	مهرداد پناهی	شاهین دادخواه	صبا گلشن	کاوه ویسی
انور خضری	سعید شیرزاد	انور خضری	فرزاد مرادینیا	حسین حمزوشجاع	کامیار ثابتیصنعت	کامیار ثابتیصنعت	کیوان رحیمیان	فریبا کمالآبادی	وریا قادر یفرد
حمزه سواری	زینب جلالیان	حمزه سواری	هادی اقبالی	زاهد مصطفوی	محمد خدایان	محمد خدایان	خیات محمدزاده	لغمان امینی	لغمان امینی
سید مختار آلبوشوکه	عبدالله سروربان	سید مختار آلبوشوکه	سیامک صبور	حمزه بنیشجاع	بسمهر حمن الجبوری	بسمهر حمن الجبوری	احمد رضا هاشمپور	تورج اسماعیلی	محمدیابور رحیمی
نازنین زاغری	مهدی جلیلی	نازنین زاغری	محمدامین ایرانشهری	شاکر باقی	حسن فرجیموسوی	حسن فرجیموسوی	محمدباقر نمازی	کاوه حیاتی	امید پیوند
حسین عزیززاده	پیمان مرکزی	حسین عزیززاده	حسن رسولنژاد	جلیل آقاجانی	عمر قادر عبدالله	عمر قادر عبدالله	رضا سمعیمنفرد	شهرام اشراقی نجفآبادی	علی عبدالکریم
مرتضی مرادپور	عبدالله قاسمزاده	مرتضی مرادپور	صدیق کاکهمامی	عبدالله ضالیجی	سلیمان رحیمزاده	سلیمان رحیمزاده	حسین رونقیملکی	وحید تیزفهم	آوات حسینزاده
حافظمحمد دارابی	هوشنگ رضائی	حافظمحمد دارابی	علی احمدسلیمان	سهراب اسماعیلپور	سید عمر پور	سید عمر پور	احمد کربدور	حامد ریگی	محمد کیوان کریمی
ریحانه حاجابراهیم دیاب	احمد مگانگر	ریحانه حاجابراهیم دیاب	کاظم بر جسته	رستم آرکیا	اردشیر لایبی	اردشیر لایبی	محمدعلی محمدی	جهانبخش محمدی	محمد صدیق کبودوند
روئین عطوفت	منصور ریگی	روئین عطوفت	فواد محمدی	نادر مجیدیان	داود بهرمزهی	داود بهرمزهی	جلیل محمدی باروقی	مریم نقاشنژاد گران	محمد عفر
عادل صدونی	محمد عبدالهی	عادل صدونی	رئوف شهبازی	طاهر تمیمی	سیوان صابری	سیوان صابری	علی اصغر محمودیان	محمد رضا سیفزاده	روحالله توانا
کمال فروغی	شهاب زرین	کمال فروغی	مجید ویسی	شاخوان حسینی	مختار رحیمی	مختار رحیمی	رسول حیدرزاده	پزشکان	مهدی فرحی شانندیز
سیدجابر آلبوشوکه	احمد دهناد	سیدجابر آلبوشوکه	حسن فاطمی	علیرضا کاهه	بیژن لطفی	بیژن لطفی	حبیبالله طوسی	کمالحسن رمضان	علی کنعانی
احمد عیبات	مجید ریکافراز	احمد عیبات	فرهمنده سنائی	جوواد طوماری	قاسم آبهسته	قاسم آبهسته	شاهین شاخی	حسن یوسفی	علیاکبر نیکبخت
کامبیز عباسی	کارن وفاداری	کامبیز عباسی	شهاب دهقانی	صالح مصطفیپور	انور رحمانی	انور رحمانی	محمد رضا یزدانپرست	محمد سعید حمزهزاده	علی سیاحی
احمد عسگری	آفرین نیساری	احمد عسگری	گلرخ ابراهیمی	وحید اصغری	قاسم سمعی	قاسم سمعی	کیاوش صبوریسیاهکل	علی خلیلی	فرهنگ پورمنصور
ستاره ارکوازی	سهراب جلالی	ستاره ارکوازی	کیوان مهرگان	جعفر گنجی	مریم مقدسی	مریم مقدسی	محمدهادی سربابی	ذبیحالله رئوفی	حسن ترلانی
زری شاهقاسمی	سید زهیری	زری شاهقاسمی	خالد مسعودی	باتیر شاهمحمداف	تیمور نادرزاده	تیمور نادرزاده	مهدی نکونام	هزیر ابراهیمی	آیت مهر علیبیگلو
آرشیا احمدی	عباس واحدی	آرشیا احمدی	مهدی ساجدیفر	عبدالرضا خزنهداری	روزین پایا	روزین پایا	یوسف کاکهمامی	شاهو ابراهیمی	عبدالرضا قبری
فهیمه اسماعیلی	شهرام امیری	فهیمه اسماعیلی	حمید زندیفر	هوشنگ رضائی	جمال محمدی مقدس	جمال محمدی مقدس	یوسف کاکهمامی	شاهو ابراهیمی	عبدالرضا قبری
قربانعلی بهزادینژاد	نادر رسولی	قربانعلی بهزادینژاد	مریوان عبدالکریمرضا	محمد رضا گلینزاده اخلاقی	مهدی دیبیمی	مهدی دیبیمی	سالا ستوده	شاهو ابراهیمی	ابوالقاسم فولادوند
سید محمد ابرهیمی	عبدالرحیم چانا	سید محمد ابرهیمی	یاشار دارالشفا	سید علیرضا سیدیان	بهنام معنوی	بهنام معنوی	رضا جوکار	فریبرز اعظم	صادق خادمی
قادر محمدزاده	صفیه صادقی	قادر محمدزاده	کریم معروفعزیز	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	آرش شریفی	فازوق سامانی
بخشعلی محمدی	احمد هزلبوی	بخشعلی محمدی	جعفر گوشواره	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
رئوف محمدیعلی	سعید سلطانی	رئوف محمدیعلی	الهام فرهانی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
مرجان داوری	سهیل بآبادی	مرجان داوری	هادی قائمی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
رضا شاهینی	علیرضا حیم گرجی	رضا شاهینی	نادر احمدی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
علیرضا شریعتپناهی	علیاکبر موسوی قوهه	علیرضا شریعتپناهی	پیام ساعد	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
مسلم مریوانی	سعید یاریپور	مسلم مریوانی	ابوبکر ملازهی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
کاوه سلیمی	منصور نادری	کاوه سلیمی	مریم اکبریمفرد	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
بهمن مولودی	محمد اکرمیپور	بهمن مولودی	صادق زاهدی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
قادر قنده	فرزانه پرویزی	قادر قنده	خبات یوسفی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
نازک افشار	عبدالحمید میربلوچزی	نازک افشار	مصطفی علی احمد	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
علی پژگل	رشید اخندکی	علی پژگل	عبدالفتاح سلطانی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
رویا صابرینژاد نویخت	بهرام تاجیک	رویا صابرینژاد نویخت	زانیار مرادی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
وحید هوت	اصغر قطان	وحید هوت	محمدامین هادوی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
نظامالدین مولازاده	علی محمودی	نظامالدین مولازاده	عمر امامی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
سعید خضر یحمادی	یوسف خضرائی	سعید خضر یحمادی	مسعود قاسمخانی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
اسحاق کلکی	امیر رزاززاده	اسحاق کلکی	جعفر عظیمزاده	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
سلمان حسینپناهی	جمالالدین خانجانی	سلمان حسینپناهی	سیروان ساعدموحشی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
حسین ابراهیمی	حیدر علی حیدری	حسین ابراهیمی	واحد خلوصی	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
بهروز عزیز توکلی	سلطان شکارافشاری	بهروز عزیز توکلی	عمر مناجمیزاد	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
عبدالرحمان سنگانی	مژگان عباسباشی	عبدالرحمان سنگانی	رضا سلطاننژاد	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند
احمد رضا جلالی	فرهاد خدایار	احمد رضا جلالی	جابر عساکره	محمد نواسری	ناصر کریمی	ناصر کریمی	حشمت نومانپور	رضا جوکار	علیاصغر هنرمند

نگرانی بین‌المللی از شمار اعدام‌ها و نقض حقوق بشر در ایران



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و پیاپی سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

«سازمان حقوق بشر ایران» گزارش سالانه خود را در رابطه با اعدام در جمهوری اسلامی ایران منتشر ساخت. بر مبنای این گزارش در سال گذشته میلادی حداقل ۵۳۰ نفر در جمهوری اسلامی ایران اعدام شدند که در بین آنها ۹ زن و ۵ کودک مجرم زیر ۱۸ سال در هنگام ارتکاب به جرم دیده می‌شوند. در ۳۳ مورد احکام اعدام در ملاء عام به اجرا گذاشته شده‌اند. همزمان با انتشار این گزارش، عاصمه جهانگیر، نماینده ویژه جدید سازمان ملل جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، اولین گزارش خود را در جریان ۴۸امین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد منتشر ساخت. عاصمه جهانگیر در جریان این نشست فهرستی از نگرانی‌های خود در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران را ارائه داد. احمد رأفت در گزارشی از نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو، با محمود امیری‌مقدم، سخنگوی سازمان حقوق بشر ایران گفتگویی انجام داده است.

حالا چه به صورت زمین و چه در ملک و چه چیزهای دیگر و این چیزی است که به هیچ وجه نمی‌شود توجیه‌اش کرد. البته رضاشاه مثل هر بشر دیگری نقاط ضعف دیگری هم داشته. یکی اینکه حکومت دیکتاتوری که ایشان ایجاد کرد یک دیکتاتوری واقعا تمام‌عیار بود و این باعث شد که از برقراری و قوام گرفتن نهادهای دموکراتیک که با انقلاب مشروطه شروع شده بود جلوگیری کند. البته خیلی‌ها هم می‌گویند که اگر رضاشاه تا این حد قدرت به خرج نمی‌داد و دیکتاتوری برقرار نکرده بود در ظرف ۱۶ سال یا ۲۰ سال نمی‌توانست این همه تغییرات انجام بدهد و کشور را به طرف مدرنیته ببرد. یک ضعف سوم دیگری که از رضاشاه غالباً گفته‌اند این است که تعدادی از رجال از جمله تیمورتاش، داور و نصرت‌الدوله را از بین بردند در زمان ایشان. ولی این را هم باید در نظر داشت که رضاشاه برخلاف ادعای مخالفین‌اش آدم خونخواری نبود و کسانی که ایشان داد از میان برداشتند کسانی بودند که از جانب آنها احساس خطر کرده بود. چه برای خودش و چه برای ولیعهدش. فکر می‌کرد اگر ایشان از بین بروند کسانی مثل تیمورتاش و داور و نصرت‌الدوله آدم‌هایی نخواهند بود که از پسر ایشان تبعیت نکنند و قبول نکنند که بعد از ایشان هم پسرش باشد. به نظر من یکی از عللی که یک عده‌ای از این آدم‌ها به این صورت از بین رفتند این احساس ایشان بود. ولی در عین حال کسانی را داد از بین بردند که به گمان او مرتکب خیانت شده بودند. چه در مورد کشور و چه در مورد خود او. بدین جهت اینهایی که از بین رفتند کسانی نبودند که بدون هیچ‌گونه دلیلی باشد. البته این دلیل در مورد مرحوم خیز استان مازندران بود. آقای سیروس غنی در کتاب‌اش می‌نویسد که منبع قدرت در تاریخ ایران زمین بوده. به نظر شما آیا رضاشاه قدرتی برای خودش پایه‌گذاری کرد؟

فکر من کم‌کم تصرف زمین یک جنبه از خصوصیت رضاشاه بوده و این نقطه ضعفی است که به هیچ وجه قابل توجیه نیست. خصوصیت ایشان علاقه فراوان به انباشتن مال و منال بوده،

● **سیاس‌گزارم دکتر عامری برای این گفتگو.**
● ***انتشار گفتگوی تلفنی/ویدئویی: ۱۴ مارس ۲۰۱۷**

مردم خسته‌اند: جیب خالی و کساد بازار شب عید

عصبانیت خود را نشان ندهد. او به کیهان لندن می‌گوید برای فرزندش کفش و لباس خریده اما هنوز خریدهایشان تمام نشده است، فکرش درگیر قسط موتور و دیگر هزینه‌های ماهانه‌ی خانه است. او ماهی ۸۸۰ هزار تومان حقوق

حتی به یک میلیون هم نرسید. به نظر من خود دولت به عنوان بزرگترین کارفرما به هیچ عنوان، علاقه‌ای به بهتر شدن اوضاع معیشتی مردم بخصوص کارگران ندارد. او درباره این موضوع به کیهان لندن می‌گوید: «سالی یک‌بار است.



اگر به مهمانی هم نرویم، خیلی‌ها در این روزها ترجیح می‌دهند به مسافرت بروند اما برای تامین هزینه همین یک مسافرت معمولی حداقل یک ماه حقوق سرپرست خانوار می‌رود. این آموزگار معتقد است: «خیلی‌ها هم در طول سال از حراجی‌ها خرید می‌کنند تا برای نوروز مجبور به خرید نباشند. خیلی‌ها هم انقدر مشکلات مالی دارند که از خرید شب عیدشان صرف نظر می‌کنند.» این آموزگار بازنشسته سخنان خود را این طور تمام می‌کند: «در حالی که ایران ما بزرگترین کشور نفت و گاز دنیا است بعد از ۳۷ سال، مسوولانی که مرتب تبلیغ ساده‌زیستی و سادگی می‌کنند حقوق کارگری که در شرایط زیر استاندارد و بدون حمایت سندیکا و یارگان خاصی کار می‌کند را ماهی ۹۳۰ هزار تومان تعیین می‌کنند در حالی که خط زیر فقر ۳ میلیون و دوپست هزار تومان است.» اما تنها خرید پوشاک و آجیل و شیرینی و شکلات و عیددینی دغدغه مردم نیست، آنها خریدهای ضروری‌تر مثل گوشت و مرغ و میوه و مواد غذایی هم دارند خریدهایی که اصلی‌ترین نیازهای روزانه آنها محسوب می‌شود. طی سال‌های گذشته افزایش قیمت کالاهای و خدمات، هزینه‌ی ۲۴ میلیون خانواده ایرانی را حداقل ۳۶ درصد افزایش داده است. در ماه‌های پایانی سال، بیشتر اقلام مورد نیاز مردم از جمله میوه و گوشت و مرغ با افزایش قیمت به پیشباز سال نورفته‌اند. یک پیک موتوری که در یک شرکت حسابداری کار می‌کند، سعی می‌کند



می‌گیرد اما با اجاره خانه و پول آب و برق و تلفن، آخر ماه، پول زیادی برایش نمی‌ماند. این جوان ۳۵ ساله که همراه همسر و پسر ۵ ساله‌شان در یک آپارتمان ۵۰ متری با ماهی ۳۰۰ هزار تومان اجاره در منطقه افسریه تهران زندگی می‌کند می‌گوید: «یشب به خاطر مهمان سرزده‌ای که از شهرستان داشتیم برای خرید میوه اجباری رفتم تره بار، دیدم سیب شده کیلویی ۶ تا ۸ هزار تومان، کیوی ۵ تا ۷ هزار تومان، موز ۳۸۰۰ تومان، با آن قیمت‌های سرسام‌آور و جیب خالی نتوانستم میوه ارزانی پیدا کنم و دست‌از‌پادراز تر به خانه برگشتم.» او که می‌گوید امسال هم از کفش‌های قدیمی سال‌های گذشته‌اش استفاده می‌کند ادامه می‌دهد: «همین که برای بسرم کفش و لباس نو و ارزان پیدا کردیم کافی است الان مانده‌ام برای تهیه دو کیلو میوه شب عید حداقل باید ۲۴ هزار تومان پرداخت کنم که این برای من کارگر سنگین است. بالاخره عید است و مهمان می‌آید باید یک چیزی بگذاریم جلوی مهمان، خشک و خالی که نمی‌شود.» او در ادامه اهی می‌کشد و می‌گوید: «قیمت مرغ در بازار توزیع غیرعده خیلی گران شده و در روزهای اول اسفندماه به بالای ۸۰۰۰ تومان رسیده بود. قیمت گوشت هم که پارسال ۳۴ هزار تومان بود امسال به ۴۶ هزار تومان رسیده. خانم، خدا هیچ کس را شرمند زنی بچه نکند، ما فقط شاید ماهی یک بار گوشت می‌خریم، خانم یک کیلو گوشت را به چند قسمت ریز ریز تقسیم می‌کند که تا ماه بعد به سفره ما و شکم

می‌دهند و ایرانیان را به بازگشت تشویق می‌کنند اما وقتی بعضی از همان‌ها به ایران بازمی‌گردند و دستگیر می‌شوند، در همان مجامع از اقدام سپاه دفاع می‌کنند و ذراهی به آن انتقاد وارد نمی‌کنند. سکوت آقای روحانی و دولت این رویکرد را تایید و تشدید می‌کند مگر اینکه به صراحت در مقابل آن ایستادگی کند که تا امروز چنین نکرده است.

● **نقش رسانه‌ها و اقدامات سازمان‌های حقوق بشری در این مورد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
- سابقه نشان داده که امکان تاثیرگذاری وجود دارد. وقتی به اندازه کافی این صداها بلند شده و در مطبوعات خارجی و مجامع دیپلماتیک منعکس شدند، فشارهایی به نظام ایران وارد می‌شود که واکنش مناسبی را نشان می‌دهند. دست‌کم آن بدرقتاری‌های اولیه که در خفا انجام می‌دادند کمتر می‌شود. اما باید تاکید کنم که صرف نظر از نتیجه باید بگویم در بدترین حالت نباید اجازه دهیم این انسان‌ها و شهروندان مظلوم به فراموشی سپرده شوند و خودشان هم این حس را پیدا کنند که انگار هیچ کس صدایشان را نمی‌شنود. من وقتی با برخی از آنها که امروز آزاد هستند صحبت کردم همگی تاکید می‌کنند که وقتی خبر این حمایت‌ها به گوش آنها در زندان می‌رسید موجب افزایش روحیه‌شان می‌شد. بنابراین باید به ایران می‌کشاند و عده‌ی دیگر آنها را دستگیر می‌کنند و وسیله‌ی معامله قرار می‌دهند. آقای ظریف و دیگران مهمانی

رضا شاهینی، گرفتار پروژه ... از صفحه ۲۱

در این محاکمه، داستان یک زاویه دیگر هم پیدا می‌کند. نهادهای امنیتی و قضائی از پیش سناریویی را تعریف می‌کنند و فرد را تحت فشارهای گوناگون قرار می‌دهند تا آن را بپذیرد. اگر ما روزی فقط یک دادگاه انقلاب داشتیم که به نوعی خودمختار بود حالا با کل یک دستگاه قضائی روبرو هستیم که شعبه‌ای از سازمان اطلاعات سپاه شده. در این ساختار بازجو و قاضی یا یکی می‌شود یا قاضی کاملاً تحت تاثیر بازجو قرار دارد و تنها خواسته‌های او را اجرا می‌کند. بنابراین ایرانی‌های دوتابعیتی که در چنین سازمانی اسیر می‌شوند مجبور به اجرای سیاست‌های از پیش تعیین شده آنها می‌شوند و در انتها با حضور در یک شو تلویزیونی تمام آنها را اجرا کنند. به همین جهت من تاکید می‌کنم که باید از این هموطنان دوتابعیتی خود دفاع کنیم و صدای آنها را به گوش همه برسانیم.

● **در مصاحبه‌هایی که با برخی از این شهروندان دو تابعیتی آزاد شده‌از زندان داشتیم به درگیری‌های داخلی نظام و تاثیر آن به روی دستگیری آنها اشاره کرده‌اند. از دید شما تا چه حد معادله‌های داخلی نظام می‌تواند در این موضوع دخالت داشته باشد؟**
- یکی از جنبه‌های کار در این سناریوی چند وجهی همین موضوع است که به آن اشاره کردید. یک بخش از حکومت بر این عقیده است که باید



طی جلسه محرمانه کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی، بنا بر اظهارات جواد کریمی قدوسی، گفت: «در مورد مذاکرات اتمی و اطمینان به آمریکا اشتباه کرده.»

پرسش دیگر این است که ظرفیت در جریان مذاکرات اتمی آیا به علت اطمینان کردن به پاره‌های اعضای غیر قابل اطمینان تیم خود و درز کردن تاکتیک‌های مذاکره به خارج، و اطلاع یافتن طرف مقابل از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های طرف ایرانی رودست خورده و بازی را باخته، و یا آن‌طور که به ظاهر مدعی است، به علت اطمینان کردن به حرف‌های جان کری؟ سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، که سحر نوروززاده یک مهره ساده، جوان و باهوش آنها می‌تواند باشد، سالانه میلیاردها دلار اعتبار برای رسیدن به اهداف غیر رسمی و اعلام نشده خود هزینه می‌کنند. مهره‌های باهوش و جوان بعد از انجام خدمت در ظرفیت‌های محرمانه سابق (نفوذ در سازمان‌های طرفدار مسلمان، رفتن به بهانه ادامه تحصیل به دانشگاه مرلیند، عضویت در نایاک، بعد از استخدام شدن در وزارت دفاع)، می‌توانند ارتقا مقام یافته و ناگهان در جریان مذاکرات اتمی از کاخ سفید سر در آورند!

ترامپ، تیلرسن و سحر

دونالد ترامپ طی چند هفته اول رسیدن به دولت در کاخ سفید زیر فشار شدید «مخالف قدرت» در واشنگتن قرار گرفت و باز دست دادن وزیر (مایکل فلین) در شطرنج قدرت واشنگتن، شخصا در خطر مات شدن و دچار شدن به سرنوشته نیکسون در ماجرای واترگیت بود.

با عقب‌نشینی ترامپ، فشارها علیه او تا حدودی کاهش یافت، موضوع برقراری روابط گرم با روسیه موقتا به تاریخ پیوست، و لابی‌ها و لابیگرها که ترامپ علیه آنها اعلام جنگ داده بود، مانند گذشته به کار خود ادامه دادند. آنچه تیلرسن در وزارت خارجه می‌توانست انجام دهد گوش فرا دادن به توصیه‌های «مخالف قدرت» و «استفاده بهینه» از مهره‌های اطلاعاتی سابق و سوخته، در انجام ماموریت‌های غیرمحرمانه و رسمی بود. در یک نگاه، گماردن سحر نوروززاده را می‌توان نخستین چراغ سبز دولت ترامپ به دولت روحانی و حکومت اسلامی در فاصله‌ای نه چندان زیاد با انتخابات ریاست جمهوری در ایران تلقی کرد؛ در صورت تجدید انتخاب روحانی، ارتباطات گذشته با ایران می‌تواند تجدید شده و در «برجام» همراه با امتیازات مالی و اقتصادی (مانند فروش هواپیمای مسافربری و خرید نفت) همچنان بر روی پاشنه زمان دولت اوباما بچرخد. فراموش نکنیم که ارزش امروز سحر نوروززاده، که هشیار، جوان و خوشرو است برای وزارت خارجه دولت ترامپ «اطلاعات» او نیست، «ارتباطات» و آشنایی‌های او است با کارگزاران حکومت اسلامی! حضور سحر نوروززاده در وزارت خارجه و استفاده از او به عنوان مسئول امور ایران، ضمن برقرار کردن یک سرپل ارتباطی با عوامل دولت و نظام سیاسی ایران، و پر کردن یک خلاء ارتباطی در وزارت خارجه آمریکا، شائبه‌ای آغاز همسویی ترامپ با سیاست خارجی اوباما در رابطه با ایران را تقویت، و طرف‌های نگران، مانند عربستان را وادار می‌سازد، علاوه بر تحمل هزینه‌های سابق، خرج‌های تازه‌ای را برای خنثی کردن خطر ایران تحمل کنند؛ در زمان اوباما عربستان ده‌ها میلیارد دلار برای مقابله با «تهدیدهای ایران» سلاح‌های آمریکایی می‌خرید، و امروز محمد سلمان به تاجرپیشه‌ی کاخ سفید تعهد می‌دهد علاوه بر ادامه خرید اسلحه به روال گذشته، در طرح‌های تولیدی آمریکا و ایجاد اشتغال آن کشور هم سرمایه‌گذاری کند.

اشتغال دوباره سحر نوروززاده، چراغ سبز ترامپ به جمهوری اسلامی است؟



سحر نوروززاده

و همدردی با مسلمانان، پیشتر طی پرسش‌نامه‌ای، علت علاقمند شدن خود را برای آموزش علوم سیاسی ماجرای تروریستی یازده سپتامبر نیویورک اعلام کرده بود که مسلمانان افراطی (القاعده) علیه ارزش‌های غربی سازمان دادند. به گفته خود سحر نوروززاده، وی در سومین سال خود در کالج که از سال ۲۰۱۳ شروع شده بود، هنگامی که تحصیلات خود را در دانشگاه جرج واشنگتن ادامه می‌داد، مدتی را نیز به عنوان کارآموز در نایاک گذراند. ارتباط نوروززاده با تریتا پاریسی، بعد از رفتن به کاخ سفید و پیوستن وی به تیم شورای امنیت ملی اوباما، ادامه یافته و بی‌شک شماری از ۳۰ دیدار تریتا پاریسی از کاخ سفید در جریان مذاکرات اتمی، علاوه بر بن رودز، دستیار دیگر اوباما که مسئولیت توجیه مزایا و فروش توافق اتمی به رسانه‌های، کنگره و افکار عمومی را داشت، در هماهنگی با خانم سحر نوروززاده صورت گرفته. نوروززاده در تیم پشت پرده مذاکرات اتمی قرار داشته و حتی در پاره‌های نشریات از او به عنوان معمار توافق اتمی یاد کرده‌اند. پرسش بدون پاسخ اینجا است که آیا رکس تیلرسن، بدون داشتن سابقه کار در دوایر دولتی آمریکا، به عنوان وزیر خارجه ترامپ، که خود را مخالف با «بدترین توافق تاریخ» اعلام داشته، خانم سحر نوروززاده را با شناخت و تصمیم شخصی به مدیریت امور ایران گمارده، و یا با توصیه «نهادهای اطلاعاتی» آمریکا؟

یافتن پاسخ برای پرسش بالا، می‌تواند به روشن ساختن طبیعت همکاری قبلی خانم نوروززاده با نایاک سازمان ملی جاسوسی آمریکا دیده می‌شود. او همچنین از وزارت دفاع به دلیل مشارکت در جنگ علیه تروریسم بین‌المللی مدال دریافت کرده است. تحقیق در پیشینه تاریخی او حاکی است که سحر نوروززاده بعد از استخدام در وزارت دفاع به یک فعال سیاسی در امور مسلمانان تبدیل شده که در شرایط عادی ممکن به نظر نمی‌رسد، مگر در اجرای یک ماموریت خاص و اعلام نشده است. جواد ظریف روز ۲۸ آذر ماه سال ۹۵

خارجه آن کشور، دارای اعتبارات پنهان برای انجام مطالعات سیاسی پیرامون کشورهای بحران‌زای جهان، و دارای واحدهای اطلاعاتی خاص خود در امور تبلیغات، رسانه‌ها و داده‌پردازی تحلیلی در امور امنیتی، سیاسی و اقتصادی است. اگرچه نخستین اشتغال سحر نوروززاده در وزارت دفاع در رابطه با «امنیت ملی آمریکا و اولویت‌های مختلف امنیتی» اعلام شده، نام واحد خاص محل استخدام او هرگز اعلام نشده و بسیار محتمل است که وی به عنوان کارمند در سرویس‌های اطلاعاتی وزارت دفاع به استخدام درآمده باشد. کارمندان وزارت دفاع، خارجه، سازمان‌های جاسوسی و



سحر نوروززاده و باراک اوباما

اطلاعاتی تنها بعد از عبور از صافی‌های متعدد امنیتی به استخدام در می‌آیند. در کارنامه اداری خانم نوروززاده دریافت تقدیرنامه از سازمان اف بی آی (سازمان امنیت داخلی) و مدیریت سازمان ملی جاسوسی آمریکا دیده می‌شود. او همچنین از وزارت دفاع به دلیل مشارکت در جنگ علیه تروریسم بین‌المللی مدال دریافت کرده است. تحقیق در پیشینه تاریخی او حاکی است که سحر نوروززاده بعد از استخدام در وزارت دفاع به یک فعال سیاسی در امور مسلمانان تبدیل شده که در شرایط عادی ممکن به نظر نمی‌رسد، مگر در اجرای یک ماموریت خاص و اعلام نشده است. خانم نوروززاده، برخلاف ابراز تمایل

احتمالا در رابطه با نهادهای اطلاعاتی و امنیت آن وزارتخانه به عنوان تحلیلگر اخبار مرتبط با ایران آغاز کرده. نکته قابل ملاحظه این است که نوروززاده بعد از کسب نخستین مدرک تحصیلی به استخدام وزارت دفاع درآمده و بعد از استخدام رسمی، در سال ۲۰۰۵ به دانشگاه مرلیند برای ادامه تحصیل در امور ایران رفته است. دانشگاه مرلیند تا کنون شماری از وابستگان حکومت اسلامی ایران را از داخل و خارج از آمریکا در خود جمع کرده و در طول زمان مذاکرات اتمی، به کمک یک مرکز مدعی نظرسنجی به نام «ایران پول» و همچنین «وکس ایران» در شهر تورنتو- کانادا که در تهران نیز دارای آدرس پستی و دفتر

رکس تیلرسن به عنوان مدیر ایران در تیم سیاست‌گذاری وزارت خارجه آن کشور برای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه گمارده شده. موضوع اصلی مذاکرات روز سه شنبه ۱۴ مارس محمد سلمان با دونالد ترامپ، مطابق با آنچه یکی از مشاوران ارشد سلمان به تلویزیون «ان بی سی» اظهار داشت، ایران بود، و بنا بر قول او، ترامپ و سلمان نسبت به اینکه «ایران تهدیدی است علیه امنیت منطقه» توافق داشتند. عربستان سعودی در زمان دولت اوباما از سیاست‌های آمریکا در رابطه با منطقه ناراضی و مدعی بود در نگاه دولت اوباما، رسیدن به توافق اتمی با ایران اهمیت بیشتری از مناسبات واشنگتن با ریاض داشته.

پیش از سفر اخیر محمد سلمان به واشنگتن، نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل نیز ابتدا یک گفتگوی تلفنی مفصل با ترامپ داشت و بعد برای دیدار از کاخ سفید و گفتگو با ترامپ راهی پایتخت آمریکا شد. بخش اصلی گفتگوهای نتانیاهو و ترامپ به مسئله ایران و سیاست‌های دولت تازه آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی اختصاص داشت. اسرائیل و عربستان به عنوان دو کشور قدرتمند منطقه تلاش می‌کنند پیش از تدوین خطوط سیاست خارجی ترامپ در رابطه با حکومت اسلامی ایران، در تعیین هدف‌ها و ترسیم خطوط و راهبردهای اجرای سیاست خارجی آن کشور به نفع خود تاثیر بگذارند.

اگرچه سیاست خارجی ترامپ در رابطه با ایران و حکومت مذهبی آن هنوز در درست تدوین و ارزیابی است و درک محتوای آن موکول به حدس و گمان ناظران، این سیاست‌ها بدون تردید بیش از پیش متأثر از دکترین «نخست آمریکا» خواهد بود و نه ایران، اسرائیل و یا عربستان!

● اگرچه سیاست خارجی ترامپ در رابطه با ایران و حکومت مذهبی آن هنوز در درست تدوین و ارزیابی است و درک محتوای آن موکول به حدس و گمان ناظران، این سیاست‌ها بدون تردید بیش از پیش متأثر از دکترین «نخست آمریکا» خواهد بود و نه ایران، اسرائیل و یا عربستان!

● پرسش این است که تریتا پاریسی، در رابطه با سحر نوروززاده، اطلاعات تیم مذاکره کننده ایرانی را با خود به کاخ سفید می‌برده و یا اطلاعات خاص از سحر نوروززاده برای تیم ظریف دریافت می‌کرده؟

رضا تقی‌زاده - دعوت رکس تیلرسن وزیر خارجه دولت ترامپ از سحر نوروززاده، چهره ایرانی خبرساز دولت اوباما، برای عضویت در تیم سیاست‌گذاری کشورهای خلیج فارس و اداره‌ی بخش ایران در آن وزارتخانه تصمیم قابل ملاحظه‌ای است که می‌تواند پیش‌بینی‌های گذشته پیرامون هدف‌ها و سمت و سوی سیاست خارجی دونالد ترامپ در رابطه با ایران را تغییر دهد.

سیاست خارجی دولت ترامپ در رابطه با ایران همچنان مبهم و ارزیابی هدف‌ها و راهبردهای آن تنها متکی بر اظهارات رییس جمهوری تازه طی مناظره‌های انتخاباتی، و اظهارات و تحریرهای همکاران او بخصوص مایکل فلین است که هفته‌ها پیش پست حساس و تاثیرگذار مشاور ارشد امنیت ملی کاخ سفید را تنها چند هفته بعد از تصدی، بر سر ارتباط با سفیر روسیه ترک کرد.

بازترین وجه مناسبات جاری کاخ سفید با حکومت اسلامی ایران، فقدان مناسبات است، و قطع کامل ارتباطات رسمی بین دو کشور که از تاریخ ۲۱ ژانویه سال جاری و روی کار آمدن ترامپ به جای اوباما تا کنون ادامه یافته. با توجه به اهمیت ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، حساسیت توافق اتمی آمریکا با ایران و ضرورت همکاری دوجانبه برای اجرای مفاد آن، افزایش تنش‌های ناشی از نزدیک شدن شناورهای نظامی سپاه به واحدهای نیروی دریایی آمریکا مستقر در آب‌های خلیج فارس و تنگه هرمز، موضوع جنگ با داعش در عراق، و همچنین یافتن راه حل سیاسی برای سوریه، نیاز به وجود یک کانال مستقیم ارتباط دیپلماتیک بین واشنگتن و تهران در هر دو کشور احساس می‌شود. حضور فردی آشنا با مسائل منطقه خاورمیانه، مطلع از مفاد توافق اتمی با ایران، مسلط بر زبان فارسی، مرتبط با عوامل دولت ایران و مورد اطمینان کامل نهادهای امنیتی و اطلاعاتی آمریکا، اگر نه در کاخ سفید، دست کم در وزارت خارجه آمریکا، می‌تواند به عنوان سرپل برقراری ارتباط با تهران در زمان لازم تلقی شود.

اهمیت دیگر به کار گماردن چنین فردی در مراکز تصمیم‌گیری سیاسی آن کشور ارسال پیام غیرمستقیم به کشورهای منطقه است مبنی بر اینکه ایران همچنان مطرح و حکومت اسلامی به عنوان «یک تهدید امنیتی» برقرار است.

تقارن انتشار دو خبر

همزمان با حضور محمد سلمان نایب ولیعهد و وزیر دفاع عربستان در کاخ سفید و صرف ناهار دوستانه، بعد از مذاکرات سیاسی و اقتصادی با رییس جمهوری آمریکا در همان روز، که نشانه اهمیت و احترام خاص میهمان برای میزبان است، جردن شاختل گزارشگر امنیتی مرتبط با مخالف محافظه‌کار و حزب جمهوری‌خواه آمریکا در سایت خبری تحلیلی «نشریه محافظه‌کار» گزارش داد، سحر نوروززاده از سوی